



مرکز تحقیقات اسلامی


اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



پرسش و پاسخ های قرآنی
ویژه جوانان

پیامبر مهر (۱)

جلد ۹



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان

نویسنده:

محمدعلی رضایی اصفهانی

ناشر چاپی:

انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۹	پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، جلد ۹ (پیامبر مهر ۱)
۹	مشخصات کتاب
۹	درآمد
۱۰	فصل اول: پیامبر اعظم (ص) و قرآن
۱۰	اشاره
۱۰	الف. قرآن از دیدگاه پیامبر (ص)
۱۲	ب. روش‌شناسی تفسیر پیامبر اعظم (ص)
۱۲	اشاره
۱۳	تاریخچه روش‌شناسی تفسیر
۱۵	تقسیمات روش‌های تفسیر قرآن
۱۵	روش‌های تفسیری
۲۳	اقسام تفسیر علمی از جهت شکل و شیوهی تفسیر
۳۰	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۳۰	ج: شمارگان روایات تفسیری پیامبر (ص) (قلمرو احادیث تفسیری)
۳۲	فصل دوم: قرآن و پیامبر اعظم (ص)
۳۲	اشاره
۳۲	الف. سیمای پیامبر (ص) در قرآن
۳۶	ب. تفسیر مهمترین آیات در مورد پیامبر (ص)
۳۶	یکم: صفات پیامبر (ص)
۳۶	۱. شش صفت نورانی پیامبر (ص) و اهداف رسالت او
۳۸	۲. دلسوزی و رنج‌های پیامبر اسلام (ص) برای مردم
۳۸	۳. عظمت قلم و نوشتار و اخلاق برجسته‌ی پیامبر (ص)

۴. سوگند و تاکید بر گذشته‌ی پیامبر اسلام و الطاف الهی نسبت به او ۴۰
۵. پیامبر طه ۴۲
۶. اشاره به هدف نزول قرآن، بر پیامبر (ص) و زحمات زیاد ایشان ۴۳
- دوم: رسالت پیامبر (ص) ۴۳
۱. رحمت جهانی پیامبر اکرم (ص) و رسالت توحیدی او ۴۳
۲. الگو بودن پیامبر (ص) ۴۴
۳. قلمرو جهانی رسالت پیامبر اسلام (ص) و اهداف او ۴۶
۴. پیروزی نهایی پیامبر اسلام (ص) بر همه‌ی ادیان و جهانی‌سازی اسلامی ۴۷
۵. رسالت پیامبر اسلام (ص) ۴۷
۶. یادآوری اخلاق نیکوی پیامبر (ص)، فرمان عفو عمومی، مشورت و توکل ۴۹
۷. وظیفه‌ی پیامبر (ص) در برابر مخالفان ۵۲
- سوم: نام‌های پیامبر (ص) ۵۳
۱. صفات هفتگانه پیامبر اکرم (ص) و آزادی و رستگاری پیروان او ۵۳
۲. سرگذشت عیسی (ع)، و مژده‌ی آمدن پیامبر اسلام (ص) و برخورد بنی اسرائیل با او ۵۵
۳. دعوت کننده به سوی اسلام ۵۶
۴. خاتمیت پیامبر اسلام (ص) و بی‌پسر بودن او ۵۷
- چهارم: حقانیت پیامبر (ص) ۵۹
- قرآن کریم از رسول اکرم (ص) با چه «نام‌ها و صفاتی» یاد کرده است؟ ۵۹
- اشاره ۵۹
- الف. نام‌های خاص و عَلم ۶۰
۱. محمد (ص) ۶۰
۲. احمد ۶۱
۳. عبدالله ۶۲
- دو نکته ۶۲

- ب. اسامی تفسیری و تأویلی آن حضرت ۶۲
- اشاره ۶۲
۱. طه ۶۲
۲. یس ۶۳
۳. نون ۶۳
- ج. صفاتی که در رابطه با نبوت به کار رفته ۶۳
۱. نبی ۶۳
۲. خاتم النبیین ۶۴
۳. نبی امی ۶۴
- د. رسالت و اوصاف رسالی پیامبر ۶۵
۱. رسول الله ۶۵
۲. رسول کریم ۶۶
۳. حق ۶۶
۴. صدق ۶۷
۵. رسول مبین ۶۷
- ه. اوصافی که گویای نوع مأموریت آن حضرت است. ۶۷
- اشاره ۶۷
۱. شاهد ۶۸
۲. مبشر ۶۸
۳. نذیر ۶۸
۴. داعی ۶۸
۵. سراج منیر ۶۸
۶. شهید ۶۸
۷. بشیر ۶۹

۸. منذر ۶۹
۹. مذکر ۶۹
- و. صفات اخلاقی پیامبر (ص) ۶۹
- اشاره ۷۰
۱. صاحب خلق عظیم ۷۰
۲. شرح صدر ۷۰
۳. نرمخویی و مهربانی ۷۱
۴. ناراحت و نگران برای امت ۷۱
۵. علاقه‌مند به مردم ۷۱
۶. دلسوز و مهربان ۷۱
۷. روحیه گذشت ۷۱
- ز. خطاب‌های قرآنی در مورد پیامبر (ص) ۷۲
- اشاره ۷۲
۱. مزمل ۷۲
۲. مدثر ۷۲
- ح. صفات انتزاعی (برگرفته شده) ۷۳
- اهمیت و فضیلت صلوات بر پیامبر اسلام (ص) را بیان کنید. ۷۴
- وظایف مردم نسبت به پیامبر از نگاه آیات قرآن چیست؟ ۸۰
- فهرست منابع دو جلد ۹۳
- درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ۱۰۰

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، جلد ۹ (پيامبر مهر ۱)

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: پیامبر مهر/جمعی از پژوهشگران؛ زیر نظر محمدعلی رضایی اصفهانی؛ تنظیم محسن ملاکاظمی.

مشخصات نشر: قم: انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن، ۱۳.

مشخصات ظاهری: ۲۶۸ص ج ۱.

فروست: پرسش‌های قرآنی جوانان؛ [ج. ۱۰].

شابک: ۲۶۸ص ج ۱.

دوره: ۹۶۴-۲۵۳۴-۰۷-X؛ ۹۶۴-۲۵۳۴-۰۲-۹

یادداشت: فهرست‌نویسی براساس جلد دوم، ۱۳۸۵.

یادداشت: کتابنامه.

مندرجات: ج. ۱. پیامبر اعظم (ص) و قرآن.

موضوع: قرآن — پرسشها و پاسخها.

شناسه افزوده: رضایی اصفهانی، محمدعلی، ۱۳۴۰ -

شناسه افزوده: ملاکاظمی، محسن

شناسه افزوده: پرسش‌های قرآنی جوانان؛ [ج. ۱۰].

رده بندی کنگره: BP۶۵/۲ پ ۱۰۴ ج ۱۳۰۰

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۱۰۷۶

شماره کتابشناسی ملی: ۱۲۲۵۲۴۷

درآمد

قرآن کریم نوری همواره تابان است که بر اندیشه‌ی بشر تابید و راه انسان‌ها را روشن ساخت، این کتاب منبع عظیم معرفتی و سفره‌ای الهی است (۱) که می‌تواند نسل‌های بشر را از زلال معرفت خویش سیراب سازد؛ و مقام دانش و دانشمندان را ارج می‌نهد و عالمان و جاهلان را مساوی نمی‌داند، (۲) بلکه با اشارات متعدد به مباحث علوم تربیتی، کیهان‌شناسی، زیست‌شناسی، رویان‌شناسی و روح و روان انسان بلکه با اشاره به مسائل فرا روانشناسی، حس کنجکاوی و پرسشگری انسان را تحریک می‌کند و زمینه رشد علوم را فراهم می‌سازد. پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۴

پرسش کلید دانش است. (۱) و ذهن پرسشگر ارجمند است، و وظیفه‌ی دانشمندان، دریافت پاسخ از منابع قرآن، حدیث، عقل و علوم تجربی و ارائه‌ی آن به تشنگان حقیقت است.

از این رو جمعی از پژوهشگران حوزه و دانشگاه گردهم آمده و با تأسیس «واحد پاسخ به پرسش‌های تخصصی قرآن و علم»، و ارسال پرسشنامه به دانشگاه‌های مختلف، به گردآوری پرسش‌ها و ارائه‌ی پاسخ پرداخته‌اند، که حاصل تلاش این عزیزان در این مجموعه گردآوری شده است.

بنده که از آغاز با این عزیزان همراهی داشته‌ام، شاهد تلاش علمی همراه با تعهد آنها بوده‌ام، که در حد توان کوشیده‌اند پاسخ‌های مناسب و متین ارائه نمایند. البته برخی پرسش‌ها نیز از طریق شنوندگان محترم رادیو قرآن دریافت شده و در برنامه‌ی پرسش و پاسخ

قرآنی آنجا پاسخ داده‌ایم که به این مجموعه اضافه شده است.

امیدوارم خدای متعال این خدمت علمی و قرآنی را از همه‌ی ما بپذیرد و در پرتو قرآن و اهل بیت (ع) پاداش نیک عطا فرماید! از آنجا که واحد تخصصی پاسخ به پرسش‌های قرآن و علم، مشمول حمایت ویژه «ستاد پاسخگویی به مسائل مستحدثه دینی دفتر تبلیغات» بوده، بر خود لازم می‌دانیم از مسئولین محترم ستاد تشکر کنیم.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۵

در ضمن از خوانندگان محترم درخواست داریم که ما را از راهنمایی و پیشنهادات و انتقادات خویش محروم نفرمایند و از جوانان عزیز می‌خواهیم که اگر پرسش‌هایی در زمینه‌ی «قرآن و علم» دارند، به نشانی ما ارسال فرمایند. «۱»

با سپاس

دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی

قم - ۸۵ / ۶ / ۱۷

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۷

اشاره:

سال ۱۳۸۵ ش به نام «پیامبر اعظم (ص)» نامگذاری شده است، از آنجا که مهمترین دستاورد پیامبر (ص) قرآن کریم است، و پیامبر (ص) در مورد قرآن مطالب زیبا، ژرف و آگاهی بخش دارد؛ و نیز در تعداد زیادی از آیات قرآن از نام‌ها، صفات و رفتار و گفتار پیامبر (ص) یاد شده است، لازم است که در رابطه‌ی «پیامبر و قرآن» مطالب آیات و روایات نبوی کاویده شود.

این نوشتار بر آن است که این مطالب را در پنج محور زیر بررسی کند:

الف: قرآن از دیدگاه پیامبر (ص)

ب: روش‌شناسی تفسیر پیامبر (ص)

ج: شمارگان روایات تفسیری پیامبر (ص)

د: سیمای پیامبر (ص) در قرآن

ه- تفسیر برخی از مهمترین آیات مربوط به پیامبر (ص)

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۹

فصل اول: پیامبر اعظم (ص) و قرآن

اشاره

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۲۱

الف. قرآن از دیدگاه پیامبر (ص)

پیامبر اکرم (ص) در احادیث متعددی به قرآن و مطالب مربوط به آن پرداخته‌اند، این احادیث در کتاب‌های حدیثی شیعه و اهل سنت از ایشان حکایت شده است.

احادیث مذکور فراوان است و ذکر همه‌ی آنها در یک مقاله نمی‌گنجد، ولی می‌توان آنها را گلچین کرد و در موارد زیر دسته‌بندی نمود:

ی ک: اهمیت و صفات قرآن

۱. فضیلت قرآن: فضیلت قرآن نسبت به سایر سخنان، همچون فضیلت خدا نسبت به سایر مردم است. «۱»

۲. شفاعتگری قرآن: قرآن شفاعت کننده‌ای است که شفاعت آن پذیرفته می‌شود. «۲»

۳. قرآن، راهنمای به بهترین راه است. «۳»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۲۲

۴. دانشمندان از قرآن سیر نمی‌شوند. «۱»

۵. قرآن دارو (ی شفابخش) است. «۲»

دوم: راهکارهای بهره‌وری از قرآن

۱. هر کس قرآن را پیش رو (و راهنمای) خود قرار دهد به سوی بهشت سوق داده می‌شود، و هر کس آن را پشت سر نهد به سوی دوزخ رهسپار می‌شود. «۳»

۲. هنگامی که بلاها و فتنه‌ها همچون شب تاریک به شما روی آورد، به سوی قرآن بروید (تا نجات یابید). «۴»

۳. قرآن سفره‌ی الهی است هر چه می‌توانید از این سفره (بهره ببرید و) آموزش ببینید. «۵»

۴. وقتی شما قرآن قرائت می‌کنید، که شما را (از گناهان) منع کند، و هنگامی که منع نکند (در حقیقت) قرائت نکرده‌اید. «۶»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۲۳

سوم: آموزش قرآن

۱. بهترین شما کسی است که قرآن را فراگیرد و (به دیگران) بیاموزد. «۱»

۲. (در رستاخیز) هنگامی که انیس و مصاحب قرآن وارد بهشت می‌شود، به او گفته می‌شود: بخوان و بالا برو، و او می‌خواند و بالا می‌رود، به هر آیه‌ای، درجه‌ای بالا می‌رود تا اینکه آخرین چیزی که از قرآن می‌داند می‌خواند. «۲»

۳. هر کس برای دنیا و زیور آن، قرآن بیاموزد، خدا بهشت را بر او حرام می‌کند. «۳»

۴. هر کس به فردی قرآن بیاموزد مولای او می‌گردد. «۴»

چهارم: قرائت قرآن

۱. هنگامی که یکی از شما دوست دارد با خدا سخن گوید، قرآن قرائت کند. «۵»

۲. قرائت قرآن، تاوان گناهان و سپر آتش و مانع عذاب است. «۶»

۳. صدای نیکو زینت قرآن است. «۷»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۲۴

۴. حکایت شده که پیامبر (ص) افرادی را به سوی یمن فرستاد و یکی از آنها را که کوچک‌تر بود امیر قرار داد، از پیامبر (ص) پرسیدند: علت این کار چیست؟! حضرت از قرائت قرآن او یاد کردند! «۱»

پنجم: حفظ قرآن:

۱. خدای متعال، دلی را که ظرف قرآن است عذاب نمی‌کند. «۲»

۲. حاملان قرآن عرفای اهل بهشت هستند. «۳»

۳. حکایت شده که بعد از جنگ احد، هنگام دفن شهدا، پیامبر (ص) فرمودند: افرادی از شهدا که قرآن بیشتری حفظ هستند آنها را

مقدم بر دیگران دفن کنند. «۴»

ششم: شنیدن قرآن

۱. هر کس مشتاق خداست، به کلام الهی گوش فرادهد. «۵»

۲. هر کس به آیه‌ای از قرآن گوش فرا دهد، از کوه طلا برایش بهتر است. «۶»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۲۵

۳. کسی کـ ه به ق--- رآن گک--- وش ف--- را دهد، بلای آخ- رت از او دفع می‌شود. «۱»

۴. کسی که به آیه‌ای از قرآن گوش فرا دهد، نیکی (حسنه‌ای) چند برابر برایش ثبت می‌شود. «۲»

هفتم: ساحت‌های قرآن (بطون)

- هیچ آیه‌ای (از قرآن) نیست، مگر آنکه ظاهر و باطن دارد. «۳»

تذکر: معنای بطن و شیوه‌ی تفسیر باطنی، در بخش روش‌شناسی تفسیر پیامبر (ص) بیان می‌شود. «۴»

هشتم: تفسیر به رأی ممنوع

۱. در حدیث صحیح امام رضا (ع) از پدرانش از پیامبر (ص) و او از خدای متعال نقل می‌کنند که فرمود: «هر کس قرآن را به رأی

خود تفسیر کند ایمان به من ندارد.» پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۲۶

۲. هر کس در مورد قرآن بدون علم سخن گوید پس باید جایگاهی از آتش برایش فراهم شود. «۱»

تذکر: توضیح بیشتر در این باره در بخش روش‌شناسی تفسیر پیامبر (ص) بیان می‌شود.

نهم: اقسام آیات قرآن

۱. قرآن بر پنج صورت است: حلال، حرام، محکم و متشابه و مثل‌ها.

به حلال‌ها عمل کنید، حرام‌ها را رها کنید، به محکومات قرآن عمل کنید، متشابهات را رها سازید (تا معنای آن روشن شود) و از

مثل‌های قرآن عبرت بگیرید. «۲»

۲. با عظمت‌ترین آیه‌ی قرآن، آیت الکرسی است.

عدالت‌آمیزترین آیه‌ی قرآن «ان الله یامر بالعدل و الاحسان ...» «۳»

است.

هراس‌انگیزترین آیه‌ی قرآن «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ» «۴»

است. پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۲۷

امید‌انگیزترین آیه‌ی قرآن «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّ--

هُوَ-- وَالْغَفُورُ الرَّحِيمُ» «۱»

است. «۲»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۲۹

ب. روش‌شناسی تفسیر پیامبر اعظم (ص)

اشاره

درآمد

پیامبر اکرم (ص) شخصیتی چند بعدی بود، عارف، متخلق، سیاستمدار و رئیس حکومت، قانونگذار، حکیم و ... از این رو در مورد قرآن به همه‌ی ابعاد آن توجه می‌کرد و همه‌ی بیانات ایشان در مورد قرآن (براساس آیه‌ی ۴۴ سوره‌ی نحل) حجت است و تفسیر صحیح و معتبر قرآن به شمار می‌آید.

می‌توان گفت که پیامبر اسلام (ص) تقریباً به همه‌ی روش‌ها و گرایش‌های تفسیری اشاره کرده و از اکثر روش‌های صحیح استفاده کرده است ولی «تفسیر به رأی» را ممنوع دانسته و از آن پرهیز کرده است.

واژگان

واژه‌های اساسی در باب «روش‌های تفسیر قرآن» عبارتند از:

الف) روش: مقصود از «روش»، استفاده از ابزار یا منبع خاص در تفسیر قرآن است که معانی و مقصود آیه را روشن ساخته و نتایج مشخصی را به دست می‌دهد.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۳۰

به عبارت دیگر: چگونگی کشف و استخراج معانی و مقاصد آیات قرآن را، روش تفسیر قرآن گویند.

ب) تفسیر: کشف و پرده برداری از ابهامات کلمات و جمله‌های قرآن و توضیح مقاصد و اهداف آنهاست.

و به عبارت دیگر: مقصود از تفسیر، تبیین مراد استعمالی آیات قرآن و آشکار کردن مراد جدی آن براساس قواعد ادبیات عرب و اصول عقلایی محاوره است. «۱»

تاریخچه روش‌شناسی تفسیر

الف) پیدایش و رشد

دانش تفسیر، از صدر اسلام شروع شد و خاستگاه آن وحی الهی بود که پیامبر (ص) را مفسر قرآن معرفی کرد. «۲»

پیامبر (ص) در تفسیر قرآن گاهی از خود قرآن کمک می‌گرفت و از اینجا روش «تفسیر قرآن به قرآن»، به وجود آمد. «۳» سپس اهل بیت (ع) و صحابه به

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۳۱

تفسیر قرآن پرداختند، آنان علاوه بر استفاده از روش «تفسیر قرآن به قرآن»، از روش «تفسیر روایی» نیز استفاده می‌کردند؛ یعنی گاهی با استناد به روایات پیامبر (ص) به تفسیر آیات قرآن می‌پرداختند.

در این میان گروهی نیز براساس خواسته‌های شخصی یا گروهی، و بدون ضوابط و قرائین به تفسیر و تأویل قرآن پرداختند و «روش تفسیر به رأی» پدید آمد؛ که در احادیث پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) به شدت با این روش برخورد شد و آن را ممنوع اعلام کردند.

«۱»

کم‌کم از قرن دوم به بعد با ترجمه‌ی آثار و نفوذ افکار و علوم یونانیان و ایرانیان در بین مسلمانان، روش‌ها و گرایش‌های دیگری نیز پدید آمد.

از اینجا بود که مباحث‌های کلامی و فلسفی پیدا شد و کم‌کم گرایش‌های تفسیری کلامی شکل گرفت «۲» و هر کدام از فرقه‌های اسلامی مانند اشاعره و معتزله و ... آیات قرآن را براساس دیدگاه‌ها و عقاید خود تفسیر می‌کردند.

در همین راستا اختلافات مذهبی که از قرن اول شروع شده بود، با اختلافات مذاهب فقهی همراه شد و در تفسیر آیات فقهی قرآن تأثیر گذاشت.

سپس عرفا و متصوفه نیز گرایش‌های خاص تفسیری پیدا کردند و روش تفسیر اشاری از قرن سوم به بعد رشد کرد.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۳۲

محدثان شیعه و اهل سنت که به نقل احادیث اکتفا می‌کردند، «روش و گرایش تفسیر روایی» را شکل دادند که در مرحله اول در قرن‌های سوم و چهارم، تفاسیری همچون: عیاشی، قمی و طبرسی شکل گرفت، و در مرحله دوم در قرن دهم تا یازدهم، تفاسیری همچون درالمنثور سیوطی، البرهان و نورالثقلین ظهور کرد.

در این میان بعد از مرحله اول، تفاسیرهای روایی، تفاسیر فقهی شروع شد که نوعی تفسیر موضوعی قرآن با گرایش آیات الاحکام بود. و پس از شکل‌گیری تفاسیری همچون: احکام القرآن حصّاص حنفی (... - ۳۷۰ ق) و احکام القرآن منسوب به شافعی (... - ۲۰۴ ق) تفسیر نویسی فقهی در قرن‌های بعدی ادامه یافت که احکام القرآن راوندی (... - ۵۷۳ ق) از آن نمونه است. در قرن پنجم و ششم تفاسیر جامع و اجتهادی همچون: تبيان و مجمع‌البیان شکل گرفت که با استفاده از اجتهاد و عقل و توجه به همه‌ی جوانب تفسیر، شیوه‌ی جدیدی در تفسیر بنیان نهاده شد که هنوز هم این شیوه متداول است.

پس از این مرحله، برخی از فلاسفه نیز اقدام به نگارش تفسیر کردند و در یک قرن اخیر نیز روش‌ها و گرایش‌های دیگری همچون روش تفسیر علمی و گرایش اجتماعی، به وجود آمد و رشد کرد. «۱»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۳۳

(ب) نگارش در زمینه‌ی روش‌های تفسیری

از قدیمی‌ترین کتاب‌ها در این زمینه کتاب «طبقات‌المفسرین» جلال‌الدین سیوطی (۸۸۹-۹۱۱ ق) است که شرح حال مفسران و آثار آنان است. و هر چند که مستقیم به بحث روش‌ها و گرایش‌های تفسیری پرداخته است ولی برای این بحث مفید و قدیمی‌ترین منبع آن به شمار می‌آید.

سپس کتاب «مذاهب التفسیر الاسلامی» از مستشرق مشهور، «گلدزیهر» به رشته‌ی تحریر در آمده، توسط دکتر «عبدالحمید النجار» به عربی ترجمه شده است. پس از آن، کتاب «التفسیر و المفسرون» دکتر ذهبی از مهم‌ترین منابع این بحث به شمار می‌رود، گرچه بیشتر به گرایش‌های تفسیری پرداخته است.

دیگر آثار مدون در زمینه‌ی روش‌ها و گرایش‌های تفسیری، کتاب ارزشمند: «التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب» از آیت‌الله معرفت است، که روش‌های تفسیر ماثور (قرآن به قرآن، روایی) و عقلی و اجتهادی را بررسی کرده و نیز تحت عنوان «الوان تفسیری»، مطالب متنوعی در زمینه‌ی گرایش ادبی، اجتماعی، علمی و ... آورده‌اند.

و بالاخره کتاب «مبانی و روش‌های تفسیر قرآن» از استاد عمید زنجانی، حاوی مطالبی در موضوع روش‌های تفسیری است ولی به بحث گرایش‌ها توجه چندانی نشده است.

البته برخی کتاب‌ها هم از زاویه‌ی خاص به بحث روش‌ها یا گرایش‌ها پرداخته‌اند:

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۳۴

همچون: «اتجاهات التفسیر فی مصر الحدیث»، دکتر عفت محمد شرقاوی مصری؛ کتاب «طبرسی و مجمع‌البیان» از دکتر حسین کریمیان؛ کتاب «روش تفسیری علامه طباطبایی (ره) در المیزان» از علی آلوسی؛ کتاب «التفسیر العلمی للقرآن فی المیزان» از دکتر احمد عمر ابو حجر؛ کتاب «در آمدی بر تفسیر علمی قرآن» از نگارنده، که در مورد روش تفسیر علمی و معیارهای آن مطالبی بیان شده است و نیز کتاب‌های دیگری در مورد روش تفسیری شیخ محمد عبده، رشید رضا، فخر رازی و زمخشری نوشته شده است.

تقسیمات روش‌های تفسیر قرآن

صاحب‌نظران در مورد روش‌ها و گرایش‌های تفسیری، تقسیمات متعددی ارائه کرده‌اند، از جمله «گلدزیهر» مستشرق مجارستانی (۱۸۵۰-۱۹۲۱ م) در کتاب «مذاهب التفسیر الاسلامی»، و دکتر ذهبی در کتاب «التفسیر و المفسرون» و آیت الله معرفت در کتاب «التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشیب» و نیز استاد عمید زنجانی در کتاب «مبانی و روش‌های تفسیر قرآن» و خالد عثمان السبت در کتاب «قواعد التفسیر» و محمد حسین علی الصغیر در کتاب «دراسات قرآنیة، المبادئ العامة لتفسیر القرآن الکریم»، و خالد عبدالرحمن العکک در کتاب «اصول التفسیر و قواعدہ». (۱)

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۳۵

اما در اینجا ما روش‌های تفسیری را براساس منابع مورد استفاده در تفسیر به شش روش تقسیم می‌کنیم تا جایگاه روش‌های تفسیری پیامبر (ص) به خوبی روشن شود.

روش‌های تفسیری

۱. روش تفسیر قرآن به قرآن.
 ۲. روش تفسیر روایی.
 ۳. روش تفسیر علمی.
 ۴. روش تفسیر اشاری (باطنی و عرفانی ...)
 ۵. روش تفسیر عقلی.
 ۶. روش تفسیر به رأی (باطل و غیرصحیح)
 ۷. روش تفسیر جامع اجتهادی (که شامل همه‌ی روش‌های تفسیری غیر از «تفسیر به رأی» است)
- پیامبر اکرم (ص) از میان روش‌های تفسیری، به روش تفسیر قرآن به قرآن، اشاری (باطنی و عرفانی) توجه ویژه‌ای داشته است البته ایشان به برخی روش‌های دیگر تفسیری از جمله به روش تفسیر روایی، علمی، عقلی توجه کرده، و «تفسیر به رأی» را رد کرده است. (نمونه‌های آنها ذکر خواهد شد.)

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۳۶

۱. روش تفسیر قرآن به قرآن
- روش «تفسیر قرآن به قرآن» عبارت است از «تبیین معانی آیات قرآن و مشخص ساختن مقصود و مراد جدی از آنها به وسیله و کمک آیات دیگر» به عبارت دیگر «قرآن را منبعی برای تفسیر آیات قرآن قرار دادن».
- «تفسیر قرآن به قرآن» یکی از کهن‌ترین روش‌های تفسیر قرآن است و سابقه‌ی آن به صدر اسلام و زمان حیات پیامبر (ص) باز می‌گردد. سپس این روش توسط اهل بیت (ع) ادامه یافت و برخی از صحابه و تابعین نیز از این روش استفاده کرده‌اند.
- مثال‌ها

از پیامبر اکرم (ص) در مورد مقصود از «ظلم» در آیه‌ی «لَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ» (۱)

پرسش شد، و حضرت با استناد به آیه‌ی «إِنَّ الشُّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ» (۲)

پاسخ دادند که مقصود از ظلم، در آیه‌ی اول، همان شرک است که در آیه‌ی دوم بیان شده است. (۳)

فقالوا: أینا لم یظلم نفسه، ففسره النبی - (ص) - بالشرک و استدلل بقوله تعالی «ان الشرک لظلم عظیم».

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۳۷

این حدیث و احادیث مشابه نشان می‌دهد که پیامبر (ص) از روش «تفسیر قرآن به قرآن» استفاده می‌کرده و عملاً آن را به پیروان خود می‌آموخته‌اند.

سپس امام علی (ع) به پیروی از شیوه پیامبر (ص) با استناد به آیهی «وَفِصَالُهُ فِي عَمَتَيْنِ» (۱)

و آیهی «وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا» (۲)

نتیجه گرفتند که کوتاه‌ترین مدت بارداری زنان شش ماه است. (۳) یعنی اگر شیر خواری کودک دو سال است (یعنی ۲۴ ماه) و مدت حمل و شیر خواری با همدیگر سی ماه است. و این دو آیه را کنار همدیگر بگذاریم، روشن می‌شود که کوتاه‌ترین مدت بارداری شش ماه است. و این، نوعی تفسیر قرآن به قرآن است.

دکتر ذهبی با بیان مثالی از ابن عباس بیان می‌کند که صحابه‌ی پیامبر نیز از روش «تفسیر قرآن به قرآن» استفاده می‌کردند. (۴)

۴. مرحوم طبرسی نیز در مجمع البیان مطالبی از تفسیر قرآن به قرآن تابعین را آورده است. (۵)

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۳۸

در دوره‌های بعدی با پیدایش تفاسیری همچون تیان و مجمع البیان، مفسران از این روش استفاده کردند، و در میان اهل سنت نیز مفسران متعددی به سوی این روش رفتند، به طوری که برخی از آنان نوشتند: «اگر کسی پرسد که بهترین روش تفسیر چیست؟ جواب آن است که صحیح‌ترین روش «تفسیر قرآن به قرآن» است. پس آنچه که در جایی مجمل آمده در جای دیگر تفسیر شده است و آنچه در موضعی مختصر آمده است در موضع دیگر توسعه داده شده است.» (۱)

برخی محدثان بزرگ شیعه، همچون علامه مجلسی (ره) در بحارالانوار با آوردن آیات قرآن که در ابتدای هر فصل، متناسب با موضوع آن، دسته بندی شده، در حقیقت از روش موضوعی تفسیر قرآن به قرآن استفاده نموده است. سپس در میان مفسران قرن اخیر، این روش جایگاه ویژه‌ای پیدا کرد به طوری که برخی تفسیرها همچون المیزان (علامه طباطبایی) و تفسیر الفرقان (دکتر محمد صادقی تهرانی) و تفسیر القرآنی للقرآن (عبدالکریم خطیب) و آلاء الرحمن (بلاغی) این روش را روش اصلی خود قرار دادند.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۳۹

علامه طباطبایی معتقد است که قرآن بیان همه چیز است پس نمی‌تواند بیان خودش نباشد. پس در تفسیر آیات باید به سراغ خود آیات قرآن برویم و در آنها تدبر کنیم و مصادیق آنها را مشخص سازیم و تفسیر قرآن به قرآن کنیم.

و نیز ایشان بر آن است که «تفسیر قرآن به قرآن» همان روشی است که پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) در تفسیر پیموده‌اند و تعلیم داده‌اند و در روایاتشان به ما رسیده است. (۱)

در کتاب‌هایی که در مورد شیوه‌ی تفسیر، نگارش یافته، به روش تفسیر قرآن به قرآن پرداخته و آن را تبیین کرده و نسبت به آن سفارش کرده‌اند.

از جمله‌ی این افراد آیه‌الله معرفت، استاد عمید زنجانی و عبدالرحمن العکک را می‌توان نام برد. (۲)

امام خمینی (قدس سره) نیز در موارد متعددی از شیوه تفسیر قرآن به قرآن استفاده کرده‌اند. (۳)

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۴۰

۲. روش تفسیر روائی

مقصود از روش تفسیر روائی آن است که مفسر قرآن از سنت پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) (که شامل قول، فعل و تقریر آنها می‌شود) برای روشن کردن مفاد آیات و مقاصد آنها استفاده کند. (۱)

سیر تاریخی تفسیر روائی را می‌توان به چند دوره تقسیم کرد:

الف) دوران پیامبر (ص)

تفسیر روایی قرآن، همزاد وحی است. چراکه اولین مفسر قرآن پیامبر (ص) است که خدای متعال به او دستور بیان و تفسیر قرآن داد و فرمود:

«وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ؛» (۲)

و این ذکر (: قرآن) را به سوی تو فرستادیم تا برای مردم آنچه را که به سوی آنان فرو فرستاده شده است، روشن بیان کنی. البته سنت پیامبر (ص) و بیان او نیز ریشه در وحی داشت، چنان که از آن حضرت حکایت شده که فرمودند: «آگاه باشید که به من، قرآن داده شده و نیز مثل آن همراه آن» (به من داده شده است). (۳)

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۴۱

در سنت پیامبر (ص) تعداد زیادی از روایات (۱) مربوط به تفسیر قرآن است که به صورت کلی می‌توان آنها را به دو دسته تقسیم کرد:

اول. تفسیر نظری قرآن در احادیث روایی پیامبر (ص)

که صحابه با رجوع به ایشان تفسیر قرآن را می‌آموختند. گاهی گوش جان به سخنان او میدادند و معانی و تفسیر قرآن را فرا می‌گرفتند.

از ابن مسعود حکایت شده: «همیشه هر فرد از ما هنگامی که ده آیه‌ی قرآن را می‌آموخت، از آنها عبور نمی‌کرد تا این که معانی و (روش) عمل بدانها را بیاموزد». (۲)

گاهی اصحاب پیامبر (ص) از ایشان مطالب را می‌پرسیدند و حتی دوست داشتند که عرب‌های بیابانی بیایند و پرسشی بکنند و آنان گوش دهند. (۳)

پیامبر (ص) گاهی مصادیق آیات را نیز مشخص می‌کردند و بدینوسیله آنها را توضیح داده و تفسیر می‌کردند. برای مثال در مورد معنای آیه‌ی هفتم سوره‌ی حمد «غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ» از پیامبر (ص) حکایت شده که فرمودند: «انّ مغضوب علیهم هم اليهود و انّ الظالمین النصاری» (۴) یعنی

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۴۲

مقصود از کسانی که مورد خشم الهی واقع شدند یهودیان و منظور از گمراهان مسیحیان هستند. البته اینگونه احادیث مصادیق کامل آیات را بیان می‌کند.

و نیز ایشان مصادیق آیه‌ی تطهیر «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» (۱)

را بیان کردند که مقصود از پاکانی که پلیدی از آنها دفع شده است علی (ع)، فاطمه (س)، حسن و حسین (ع) هستند. (۲) که در این مورد شأن نزول آیه و مصادیق آن بیان شده است.

دوم: تفسیر عملی قرآن در سنت پیامبر (ص)

گاهی نیز عمل پیامبر (ص) مفسر آیات قرآن قرار می‌گرفت، همان طور که از ایشان حکایت شده که در مورد نماز فرمودند: «نماز بگزارید همان طور که می‌بینید من نماز می‌گزارم». (۳)

یا در مورد حج حکایت شده که فرمود: «مناسک و اعمال خود را از من بگیرید». (۴)

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۴۳

که در این صورت افعال پیامبر (ص) در نماز و حج تفسیر جزئیات آیات صلوه و حج بود.

از امام صادق (ع) حکایت شده:

«إِنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ عَلَى رَسُولِهِ الْوَحْيَ وَ لَمْ يَسْمَعْ لَهُمْ: ثَلَاثًا وَ لَا أَرْبَعًا، حَتَّى كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) هُوَ الَّذِي فَسَّرَ ذَلِكَ لَهُمْ؛ خُذُوا (دستور) نماز را بر رسولش نازل کرد ولی برای مردم مشخص نکرد که سه یا چهار رکعت است؛ تا این که پیامبر (ص) این مطلب را برای مردم تفسیر کرد.» (۱)

آری پیامبر (ص)، مطالب کلی قرآن (همچون نماز، روزه، حج و ...) را توضیح می‌دادند. و نیز موارد تخصیص عمومات و تقیید مطلقات آیات را بین، و اصطلاحات جدید، لغات قرآن، و ناسخ و منسوخ آیات را توضیح می‌دادند. و همه‌ی اینها تفسیر قرآن بود، که در روایات و سنت پیامبر (ص) برای ما حکایت شده است و به عنوان منابع تفسیر روایی باقی مانده است. (۲)

ب) دوران اهل بیت (ع)

اهل بیت (ع) به پیروی از پیامبر (ص) به شیوه‌ی تفسیر روایی توجه کردند و آن را استمرار بخشیدند.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۴۴

امام علی (ع) که شاگرد ارشد پیامبر (ص) در تفسیر بود، (۱) سخنان و توضیحات آن حضرت را شنیده بود و حکایت می‌کرد. همان‌طور که امامان اهل بیت (ع) نیز همین روش را دنبال کرده و احادیث تفسیری پیامبر (ص) و امام علی (ع) را برای مردم حکایت نموده، و بدان‌ها استدلال می‌کردند. تعداد این احادیث که با واسطه‌ی اهل بیت (ع) حکایت شده، به هزاران روایت می‌رسد. (۲)

البته اهل بیت (ع) از آنجا که آگاه به علوم الهی بودند خود نیز به تفسیر قرآن اقدام می‌کردند و سخنان و سنت آنان نیز منبعی برای تفسیر است. و این احادیث جزئی از تفسیر روایی به شمار می‌آید.

شخصی در مکه، خدمت امام رضا (ع) رسید و گفت: شما از کتاب خدا چیزی تفسیر می‌کنی، که تاکنون شنیده نشده باشد؟ امام فرمود: «قرآن قبل از این که بر مردم نازل شود بر ما نازل شده و قبل از این که برای مردم تفسیر شود، برای ما تفسیر شده است؛ حلال و حرام و ناسخ و منسوخ قرآن را ما می‌شناسیم و ...» (۳) پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۴۵

و در حدیث دیگری فرمود: «بر مردم است که قرآن را همان‌طور که نازل شده بخوانند و هنگامی که نیاز به تفسیر قرآن پیدا کردند، هدایت به وسیله‌ی ما و به سوی ماست.» (۱)

بنابر این اهل بیت (ع) نیز در زمینه‌ی مطالب کلی قرآن و آیات الاحکام، مخصیص‌ها، مقیدها، لغات، ناسخ و منسوخ، اصطلاحات جدید قرآن و نیز در مورد بطن و تأویل و مصادیق آیات، مطالب متنوعی را بیان کرده‌اند که به عنوان سنت آنان بر جای مانده است.

ج) دوران صحابه و تابعان

روایات تفسیری پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) مورد توجه صحابه‌ی پیامبر و تابعان آنان قرار گرفت و حتی صحابه‌ی بزرگ پیامبر (ص) همچون ابن عباس و ابن مسعود، خود را از تفسیر قرآن امام علی (ع) بی‌نیاز نمی‌دانستند و از آن استفاده می‌کردند. و بسیاری از احادیث تفسیری ابن عباس از علی (ع) است. (۲)

البته صحابه و تابعان، خود نیز قرآن را تفسیر می‌کردند و روایات تفسیری زیادی از ابن عباس و دیگران باقی مانده است. (۳)

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۴۶

در این دوره، کم‌کم روایات تفسیری در مجموعه‌هایی گردآوری شد که به نام کتاب‌های تفسیر روایی مشهور است.

ح) دوران جمع آوری و تألیف روایات تفسیری

اولین رساله از این مجموعه‌ها در شیعه، کتاب تفسیر منسوب به امام علی (ع) است که طی یک روایت مفصل در آغاز تفسیر نعمانی آمده است. (۱)

و نیز یکی دیگر از آنها، «مصحف علی بن ابی طالب» است که علاوه بر آیات قرآن، تأویل و تفسیر و اسباب نزول را بیان کرده است. هر چند که این کتاب اکنون در دسترس ما نیست. «۲»

و همچنین تفسیر منسوب به امام باقر (ع) (۵۷-۱۱۴ ق) که ابوالجارود آن را حکایت کرده است. «۳»

و نیز تفسیر منسوب به امام صادق (ع) (۸۳-۱۴۸ ق) که به طور پراکنده در کتاب حقایق التفسیر القرآنی آمده است. «۴»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۴۷

سپس از تفسیر علی بن ابراهیم قمی (۳۰۷ ق) و فرات کوفی (زنده در سال ۳۰۷ ق) و تفسیر عیاشی (م بعد از ۳۲۰ ق) و تفسیر نعمانی (م بعد از ۳۲۴ ق) و تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (م ۲۵۴) می‌توان نام برد.

البته روایات فقهی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) نیز که نوعی تفسیر برای آیات الاحکام قرآن است در مجموعه‌هایی همچون کافی، من لایحضره الفقیه و تهذیب و استبصار گردآوری شد.

در همین دوران، تفسیر جامع البیان فی تفسیر القرآن، ابن جریر طبری (م ۳۱۰) را داریم. همان‌طور که مجموعه‌های حدیثی صحاح ستهی اهل سنت در این دوره تدوین شد. سپس تفسیر روایی از قرن پنجم تا نهم با رکود نسبی مواجه شد و تفاسیر، عقلی و اجتهادی شد. اما در قرن دهم تا دوازدهم با رشد اخباری‌گری در شیعه تفاسیر روایی دیگری همچون: تفسیر البرهان فی تفسیر القرآن، سیدهاشم حسینی‌بحرانی (م ۱۱۰۷ ق) و تفسیر نورالثقلین، الحویزی (م ۱۱۱۲ ق) نوشته شد.

همان‌طور که مجموعه‌های حدیثی بزرگ همچون وسایل الشیعه، وافی و بحارالانوار نوشته شد که بسیاری از روایات آنها تفسیر قرآن به شمار می‌آید.

در اهل سنت نیز در این دوران تفسیر الدر المنثور، جلال‌الدین سیوطی (م ۹۱۱۱ ق) گردآوری شد. که حاوی روایات تفسیری پیامبر (ص) و صحابه و تابعان است و نیز سیوطی در کتاب الاتقان فی علوم القرآن، روایات تفسیری پیامبر (ص) را جمع آوری کرد.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۴۸

اکنون نیز در تفاسیر جدید به روایات تفسیری پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) توجه می‌شود و معمولاً در لابه‌لای تفسیر یا در بخش جداگانه‌ای، این روایات آورده می‌شود و مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد؛ همانند علامه طباطبایی در المیزان که در ذیل هر دسته از آیات «بحث روایی» می‌آورد.

امام خمینی (قدس سره) نیز در موارد متعددی از روش تفسیر روایی استفاده کرده‌اند و برای توضیح آیات به احادیث پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) استناد کرده‌اند. «۱»

برای مثال: در مورد تسییح موجودات که در قرآن آمده است دو نظر وجود دارد: تسییح تکوینی، تسییح قولی، امام خمینی (ره) برای اثبات دیدگاه دوم به روایت پیامبر (ص) استشهاد می‌کند.

«این موجودات مادی را که ما خیال می‌کنیم قدرت، علم و هیچ یک از کمالات را ندارند، این طور نیست. ما در حجاب هستیم که نمی‌توانیم ادراک کنیم. همین موجودات پایین هم که از انسان پایین‌ترند، و از حیوان پایین‌ترند و موجودات ناقص هستند، در آنها هم همه آن کمالات منعکس است، منتها به اندازه وجودی خودشان. حتی ادراک هم دارند؛ همان ادراکی که در انسان هست در

آنها هم هست: «إِنَّ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۴۹

بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ» «۱»

بعضی از باب این که نمی‌دانستند، می‌شود یک موجود ناقص هم ادراک داشته باشد، آن را حمل کرده بودند به این که این تسییح تکوینی است؛ «۲» و حال آن که آیه غیر از این را می‌گوید. تسییح تکوینی را ما می‌دانیم که یعنی اینها موجوداتی هستند و علتی

هم دارند. خیر مسئله این نیست، تسبیح می‌کنند.

در روایات تسبیح بعضی از موجودات را هم ذکر کرده‌اند که چیست. «۳» در قضیه تسبیح آن سنگریزه‌ای که در دست رسول الله (ص) بوده. «۴» [آنها] شنیدند که چه می‌گوید. تسبیحی است که گوش من و شما اجنبی از اوست. نطق است؛ حرف است؛ لغت است، اما نه به لغت ما، نه نطقش نطق ما است. اما ادراک است، منتها ادراک به اندازه سعه وجودی خودش. «۵»

ایشان به حدیث طولانی اشاره می‌کنند که از امام علی (ع) نقل شده: «۶» محمد (ص) سبحت فی یده تسع حصیات، تسمع نغماتها فی جمودها و لا روح

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۵۰

فیها، لتمام حجه نبوته. «حضرت رسول (ص) برای اینکه برهان نبوتش کامل گردد نه ریگ و سنگریزه در دست او تسبیح بگونه‌ای که آواز آنها با این که جماد و بی‌روح بودند شنیده شد.»

۳. روش تفسیر عقلی

«عقل» در لغت به معنای امساک، نگهداری و منع چیزی است.

عقل در دو مورد کاربرد دارد:

نخست به قوه‌ای که آماده‌ی قبول دانش است. این، همان چیزی است که اگر در انسان نباشد تکلیف از او برداشته می‌شود، و در احادیث از این «عقل»، تمجید شده است.

دوم به علمی که انسان به وسیله‌ی این قوه کسب می‌کند، «عقل» گویند.

این همان چیزی است که قرآن کافران را به خاطر تعقل نکردن مذمت کرده است. «۱»

در این مورد به احادیث پیامبر (ص) و اشعار امام علی (ع) استناد شده است. «۲»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۵۱

از پیامبر (ص) حکایت شده که فرمودند: «ما کسب احد شیئاً افضل من عقل یهدیه الی هدی او یرده عن ردی»

برخی آیات قرآن خود در بردارنده‌ی برهان‌های عقلی است مثل آیه‌ی: «لو کان فیهما آلهة الا الله لفسدتا» «۱» و همچنین خود قرآن نیز انسان‌ها را به تفکر و تعقل و تدبّر در آیات فرا می‌خواند. «۲»

روش تفسیر عقلی قرآن، پیشینه‌ای کهن دارد و برخی معتقدند که پیامبر (ص) به اصحاب خویش کیفیت اجتهاد عقلی در فهم نصوص شرعی (از قرآن یا سنت) را تعلیم داده است. «۳» آری ریشه‌ها و نمونه‌های تفسیر عقلی را می‌توان در احادیث تفسیری پیامبر (ص) یافت. مانند:

از پیامبر (ص) در مورد آیه‌ی «یَوْمَ يُكْشَفُ عَن سَاقٍ» «۴»

حکایت شده که فرمودند: «عن نور عظیم یخزون له سجداً» یعنی مقصود از «ساق» در آیه، پای جسمانی نیست (چون براساس دلیل عقلی خدا جسم نیست) بلکه منظور نور عظیمی است که آشکار می‌شود. پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۵۲

و نیز اهل بیت (ع) به پیروی از پیامبر (ص) به شیوه تفسیر عقلی توجه کرده‌اند، برای مثال: عن عبدالله بن قیس عن ابي الحسن الرضا (ع) قال: سمعته يقول:

«بل یداه مبسوطان» «۱» فقلت: له یدان هکذا- و اشرت بیدی الی یدیه-؟

فقال: لا، لو کان هکذا کان مخلوقاً. «۲»

در این حدیث، حضرت با استفاده از نیروی عقل، آیه‌ی قرآن را تفسیر کرده‌اند و دست مادی داشتن خدا را نفی کرده‌اند؛ چرا که دست داشتن خدا، مستلزم جسم بودن و مخلوق بودن اوست، و ساحت الهی از این صفات منزّه است. (پس مقصود از دستان خدا

همان قدرت اوست).

در احادیث دیگری نیز در مورد شیء بودن خدا و عرش و کرسی و مکان داشتن خدا و ... تفاسیری عقلی از اهل بیت (ع) به ما رسیده است. (۳)

و امام علی (ع) نیز در برخی خطبه‌های نهج‌البلاغه از مقدمات عقلی برای تفسیر آیات بهره برده است. (۴)

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۵۳

مفسر - ران ق - ران نیز ب - ه پیروی از پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) لازم دیده‌اند که از نیروی فکر و استدلال‌ها و قراین عقلی در تفسیر آیات قرآن استفاده کنند.

از اینجا بود که روش اجتهادی (عقلی) در تفسیر قرآن از دوره‌ی تابعان شروع شد. «۱» و در قرون بعدی به ویژه به وسیله‌ی معتزله اوج گرفت و در شیعه تفاسیری همچون تفسیر تبیان شیخ طوسی (۳۸۵ - ۴۶۰ ق)، مجمع البیان شیخ طبرسی (م ۵۴۸ ق) به وجود آمد. در اهل سنت تفسیر کبیر فخررازی حاصل توجه به این روش بود.

سپس این شیوه در دو قرن اخیر رشد بیشتری کرد و در شیعه «تفسیر المیزان»، علامه طباطبایی و ... به وجود آمد. و در اهل سنت نیز «تفسیر روح المعانی» از آلوسی (م ۱۲۷۰) و «المنار» از رشید رضا (۱۸۶۵ - ۱۹۳۵ م) و ... حاصل آن بود.

و در این رابطه از تفسیر «القرآن و العقل» نورالدین اراکی و «تفسیر قرآن کریم» ملاصدرا و تفاسیر عقلی امام خمینی (ره) «۲» نیز می‌توان یاد کرد.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۵۴

شیوه‌های فرعی تفسیر عقلی

الف) استفاده‌ی ابزاری از برهان و قراین عقلی در تفسیر، برای روشن کردن مفاهیم و مقاصد آیات قرآن. که در این صورت عقل منع و ابزار تفسیر قرآن شده و احکام و برهان‌های عقلی قراینی برای تفسیر آیات قرار می‌گیرد.

از این عقل با عنوان عقل اکتسابی و احکام عقلی قطعی یا عقل برهانی یاد می‌شد.

ب) استفاده از نیروی فکر در جمع‌بندی آیات (همراه با توجه به روایات، لغت و ...) و استنباط از آنها برای روشن ساختن مفاهیم و مقاصد آیات. حاصل این مطلب همان تفسیر اجتهادی قرآن است.

و در این صورت عقل مصباح و کاشف است و از این عقل با عنوان عقل فطری یا نیروی فکر و قوه‌ی ادراک یاد می‌شد.

البته بنابر دیدگاه مشهور هر دو قسم فوق، جزئی از روش تفسیر عقلی قرآن است. اما با دقت در مطالب روشن شد که قسم دوم (ب) به طور تسامحی به نام تفسیر عقلی خوانده می‌شود. و در حقیقت تفسیر عقلی همان قسم اول (الف) است. «۱» اما همانطور که اشاره شد مفسران قرآن از هر دو شیوه فرعی تفسیر عقلی در تفاسیر قرآن استفاده کرده‌اند.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۵۵

۴. روش تفسیر علمی

مقصود از علم در اینجا «علوم تجربی» اعم از علوم طبیعی و انسانی است، و از آنجا که بیش از هزار آیه در قرآن به مطالب علوم تجربی اشاره کرده است، ناچاریم برای فهم برخی آیات یا رفع تعارض‌ها، به یافته‌های علوم تجربی مراجعه کنیم.

سرچشمه‌های تفسیر علمی یا به تعبیر دقیق‌تر، بیان نکات علمی آیات را می‌توانیم در احادیث تفسیری پیامبر (ص) بیابیم، برای مثال در مورد آیه‌ی «وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا» «۱»

از پیامبر (ص) حکایت شده که فرمودند: «کل شئی خلق من الماء» «۲» ی غنی هر چیزی از آب آفریده شده است و این نظریه علمی، در عصر ما طرفداران زیادی در بین زیست‌شناسان دارد که آفرینش موجودات زنده را نخستین بار در آب‌های دریا می‌دانند

که با پیدایش تک سلولی‌های ایجاد شده در آب ادامه یافت.

البته در مورد این آیه نکات و دیدگاه‌های تفسیری متعدد وجود دارد که پرداختن به آنها از حوصله‌ی این نوشتار خارج است. «۳» اهل بیت (ع) نیز به پیروی از پیامبر (ص)، به بیان نکات علمی آیات پرداخته‌اند، از جمله از امام رضا (ع) حکایت شده:

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۵۶

در مورد آیه‌ی «رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا» «۱»

فرمودند: «ثم عمِدٌ و لكن لا ترونها» «۲»

در آسمان‌ها ستون‌هایی است ولی شما آنها را نمی‌بینید.

که این مطلب اشاره‌ی روشنی به نیروی جاذبه است که ده قرن بعد از نزول قرآن براساس نقل مشهور توسط نیوتن کشف شد «۳» و یکی از اعجاز‌های علمی قرآن بشمار می‌رود.

آری تفسیر علمی برخی آیات قرآن را می‌توانیم در احادیث زیر جستجو کنیم:

الف. احادیث طبی حکایت شده از پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) که تحت عنوان «طب النبی»، «طب الصادق» و مانند آن موجود است.

ب. احادیث کیهان‌شناسی نقل شده از ایشان که علامه مجلسی آنها را در کتاب «السماء و العالم»، بحارالانوار گردآوری کرده است.

ج. احادیث علل و فلسفه احکام که در کتاب «علل الشرایع» و مانند آن جمع آوری شده است.

د. احادیث تربیتی که اشارات روشنی به علوم تربیتی و نکات تربیتی آیات قرآن دارد.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۵۷

بعد از پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) این شیوه‌ی تفسیری به طور عمده سه دوره داشته است:

دوره‌ی نخست از حدود قرن دوم هجری تا حدود قرن پنجم بود، که با ترجمه‌ی آثار یونانی به عربی، آغاز شد و بعضی مسلمانان، سعی کردند آیات قرآن را، با هیئت بطلیمیوسی تطبیق دهند (مانند بوعلی سینا). «۱»

دوره‌ی دوم از حدود قرن ششم، شروع شد؛ هنگامی که بعضی دانشمندان به این نظریه متمایل شدند که همه‌ی علوم در قرآن وجود دارد و می‌توان علوم مختلف را، از قرآن کریم استخراج کرد (در این مورد غزالی سرآمد بود). «۲» این دو نوع از تفسیر علمی (تطبیق قرآن با علوم و استخراج علوم از قرآن) قرن‌ها، ادامه داشت و هر زمان دانشمندان مسلمان، به موافقت یا مخالفت با آن می‌پرداختند.

دوره‌ی سوم از تفسیر علمی که موجب اوج‌گیری و رشد فوق‌العاده آن گردید، از زمانی شروع شد که در قرن ۱۸ میلادی به بعد، علوم تجربی در پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۵۸

مغرب زمین رشد کرد، و کتاب‌های مختلف در زمینه‌ی علوم فیزیک، شیمی، پزشکی و کیهان‌شناسی به عربی ترجمه گردید؛ این دوره‌ی جدید، به ویژه در یک قرن اخیر، که در جهان اسلام، اثرات خود را در مصر و هندوستان بر جای گذاشت، و موجب شد تا دانشمندان مسلمان، در صدد انطباق قرآن با علوم تجربی برآیند.

این مسئله آن موقع اهمیت بیشتری یافت که تعارض علم و دین در اروپا، اوج گرفت و کتاب مقدس، به خاطر تعارضات آن با علوم جدید هر روز عقب‌نشینی تازه‌ای می‌کرد و میدان برای پیدایش افکار الحادی و ضد دینی باز می‌شد، هجوم این افکار به کشورهای اسلامی و تفوق صنعتی غرب، موجب جذب جوانان مسلمان به فرهنگ غربی می‌گشت.

در این میان عده‌ای از دانشمندان مسلمان، همچون طنطاوی جوهری، در تفسیر «الجواهر» از روی درد و برای دفاع از قرآن، و با

توجه به «سازگاری علم و دین» در نظر اسلام، به میدان آمدند تا نشان دهند که آیات قرآن، نه تنها با علوم جدید، در تعارض نیست بلکه بر عکس، یافته‌های علمی، اعجاز علمی قرآن را اثبات می‌کند؛ از این رو، به «استخدام علوم در فهم قرآن» اقدام کردند و تفسیرهای علمی نوشته شد؛ هر چند در این میان بعضی افراط کرده یا یکسره جذب فرهنگ غربی شدند و به تأویل و تفسیر به رأی در آیات قرآن دست زدند- و از آنجا که مبانی تفسیری این روش، بررسی کامل نشده بوده- دچار انحراف شدند؛ یا عده‌ای از مغرضان آنها، برای اثبات افکار انحرافی خود، دست به تفسیر علمی و تأویلات نابجا زدند؛ و همین مطلب موجب شد پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۵۹

تا احساسات بعضی مسلمانان، برافروخته شود و در مقابل تفسیر علمی موضع گیری کنند و آن رایک‌سره به باد حمله بگیرند و آن را نوعی «تفسیر به رأی» یا «تأویل غلط آیات قرآن» بدانند؛ در این میان بسیاری از عالمان، و دانشمندان و مفسران، در ایران و مصر راه انصاف پیمودند و بین انواع تفسیر علمی و اهداف گویندگان آن، فرق گذاشتند و به اصطلاح قائل به تفصیل شدند. البته در این میان، دانشمندان و مفسران متعددی به اظهار نظر در مورد تفسیر علمی پرداخته و با آن موافقت یا مخالفت کرده‌اند «۱» و یا «اعجاز علمی قرآن» را از آن اثبات کرده‌اند. «۲» که ذکر آنها از حوصله‌ی این نوشتار خارج است.

اقسام تفسیر علمی از جهت شکل و شیوه‌ی تفسیر

تفسیر علمی، نوعی از روش تفسیری است که خود دارای روش‌های فرعی متفاوتی است که بعضی سر از «تفسیر به رأی» و شماری منجر به «تفسیر معتبر و صحیح» می‌شود. و همین مطلب موجب شده تا برخی تفسیر علمی را رد کنند و آن را نوعی تفسیر به رأی یا تأویل بنامند، و گروهی آن را قبول نمایند و بگویند: تفسیر علمی، یکی از راه‌های اثبات حقایق قرآن است.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۶۰

ما در اینجا شیوه‌های فرعی تفسیر علمی را مطرح می‌کنیم، تا هر کدام جداگانه به معرض قضاوت، گک-- دارده ش- ود و از خلط مباحث جلوگیری گردد:

الف) استخراج همه‌ی علوم از قرآن کریم

طرفداران قدیمی تفسیر علمی؛ مانند: ابن ابی‌الفضل المرسی، غزالی و ... کوشیده‌اند تا همه‌ی علوم را از قرآن استخراج کنند؛ زیرا عقیده داشتند: همه چیز در قرآن وجود دارد و در این راستا، آیاتی را که ظاهر آنها با یک قانون علمی سازگار بود، بیان می‌کردند. و هرگاه ظواهر قرآن کفایت نمی‌کرد، دست به تأویل، می‌زدند و ظواهر آیات را به نظریات و علوم می‌گرددند، بر می‌گرداندند؛ و از اینجا بود که علم هندسه، حساب، پزشکی، هیئت، جبر، مقابله و جدل را از قرآن استخراج می‌نمودند.

برای مثال، از آیه‌ی شریفه‌ی «وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ» «۱» که حضرت ابراهیم (ع) نقل می‌کند: «وقتی من بیمار شدم، اوست که شفامی دهد!» علم پزشکی را استخراج کردند. «۲» و علم جبر را از حروف مقطعه‌ی اوایل سوره‌ها

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۶۱

استفاده کردند «۱» و از آیه‌ی شریفه‌ی «إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا» زمین لرزه‌ی سال ۷۰۲ هجری قمری را پیش‌بینی کردند. «۲»

روشن است که این نوع تفسیر علمی، منجر به تأویلات زیاد در آیات قرآن، بدون رعایت قواعد ادبی، ظواهر و معانی لغوی آنها می‌شود.

از همین رو است که بسیاری از مخالفان، تفسیر علمی را نوعی تأویل و مجازگویی دانسته‌اند «۳» که البته در این قسم از تفسیر علمی، حق با آنان است و ما، این مسئله (وجود همه‌ی علوم در ظواهر قرآن) را بررسی کردیم و به این نتیجه رسیدیم که این کلام، مبانی صحیحی ندارد. «۴»

ب) تطبیق و تحمیل نظریات علمی بر قرآن کریم

این شیوه از تفسیر علمی، در یک قرن اخیر رواج یافته و بسیاری از افراد با مسلم پنداشتن قوانین و نظریات علوم تجربی، سعی کردند تا آیاتی موافق آنها در قرآن بیابند و هر گاه آیه‌ای موافق با آن نمی‌یافتند، دست به تأویل یا تفسیر به رأی زده و آیات را بر خلاف معانی ظاهری، حمل می‌کردند.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۶۲

برای مثال، در آیه‌ی شریفه‌ی «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا» (۱)

اوست خدایی که همه‌ی شما را از یک تن آفرید و او نیز جفتش را مقرر داشت. «کلمه‌ی «نفس» را، به معنای پروتون و «زوج» را الکترون معنا کردند و گفتند: منظور قرآن، این است که همه‌ی شما را از پروتون و الکترون که اجزای مثبت و منفی اتم است، آفریدیم. در این تفسیر، حتی رعایت معنای لغوی و اصطلاحی نفس را نکردند. (۲)

این گونه تفسیر علمی، در یک قرن اخیر، در مصر و ایران رایج شد و موجب بدبینی برخی دانشمندان مسلمان نسبت به مطلق تفسیر علمی گردید، و یک سره تفسیر علمی را، به عنوان تفسیر به رأی و تحمیل نظریات و عقاید برقرآن طرد کردند، چنان که علامه طباطبایی، تفسیر علمی را نوعی تطبیق اعلام کرد. (۳)

البته در مورد این نوع تفسیر علمی، حق با مخالفان آن است؛ چرا که مفسر در هنگام تفسیر باید از هرگونه پیش داوری به دور باشد، تا بتواند تفسیر صحیح انجام دهد؛ و اگر با انتخاب یک نظریه‌ی علمی، آن را بر قرآن تحمیل کند، پا در طریق تفسیر به رأی، گذاشته، که در روایات وعده‌ی عذاب به آن داده شده است.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۶۳

ج) استخدام علوم برای فهم و تبیین بهتر قرآن

در این شیوه از تفسیر علمی، مفسر با دارا بودن شرایط لازم و با رعایت ضوابط تفسیر معتبر، به تفسیر علمی قرآن اقدام می‌کند. او سعی دارد با استفاده از مطالب قطعی علوم- که از طریق دلیل عقلی پشتیبانی می‌شود- و با ظاهر آیات قرآن- طبق معنای لغوی و اصطلاحی- موافق است، به تفسیر علمی پردازد و معانی مجهول قرآن را کشف و در اختیار انسان‌های تشنه‌ی حقیقت قرار دهد. این شیوه‌ی تفسیر علمی، بهترین نوع و بلکه تنها نوع صحیح از تفسیر علمی است.

ما در جای خود، معیار این گونه تفسیر را، به طور کامل بیان کرده‌ایم، (۱) اما در اینجا تأکید می‌کنیم که در این شیوه‌ی تفسیری، باید از هرگونه تأویل و تفسیر به رأی، پرهیز کرد و تنها به طور احتمالی از مقصود قرآن سخن گفت؛ زیرا علوم تجربی به خاطر استقرای ناقص، و مبنای ابطال پذیری که اساس آنهاست، نمی‌توانند نظریات قطعی بدهند.

برای مثال، آیه‌ی شریفه‌ی «الشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا» (۲)

خورشید در جریان است تا در محل خود استقرار یابد. در زمان صدر اسلام که نازل شد، مردم همین حرکت حسی و روزمره‌ی خورشید را می‌دانستند؛ به این ترتیب از این

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۶۴

آیه، همین حرکت را می‌فهمیدند، در حالی که حرکت خورشید، از مشرق به مغرب کاذب است؛ زیرا خطای دید ماست و در حقیقت، زمین در حرکت است. از این رو ما خورشید را متحرک می‌بینیم، همان طور که شخص سوار بر قطار، خانه‌های کنار جاده را در حرکت می‌بیند. و با پیشرفت علوم بشری و کشف حرکت زمین و خورشید، روشن شد که خورشید نیز، خود دارای حرکت انتقالی است (نه حرکت کاذب، بلکه واقعی) و خورشید، بلکه تمام منظومه‌ی شمسی و حتی کهکشان راه شیری در حرکت است (۱) پس می‌گوییم: اگر به طور قطعی اثبات شد که خورشید در حرکت است و ظاهر آیه‌ی قرآن هم می‌گوید که خورشید در

جریان است، پس منظور قرآن حرکت واقعی (حرکت انتقالی و ...) خورشید است. علاوه بر آن، قرآن از «جریان» خورشید سخن می‌گوید نه حرکت آن، و در علوم جدید کیهان‌شناسی بیان شده که خورشید حالت گازی شکل دارد که در اثر انفجارات هسته‌ای، مرتب زیر و زبر می‌شود «۲» و در فضا جریان دارد و همچون گلوله‌ای جامد نیست که فقط رکت کند، بلکه مثل آب در جریان است.

در ضمن از این نوع تفسیر علمی، «اعجاز علمی قرآن» نیز اثبات می‌شود؛ «۳» برای مثال، قانون زوجیت تمام گیاهان در قرن هفدهم میلادی کشف شد، اما

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۶۵

قرآن حدود ده قرن قبل از آن، از زوج بودن تمام گیاهان، بلکه همه‌ی موجودات سخن گفته است. «۱»

۵. روش تفسیر اشاری (عرفانی - باطنی)

مفهوم‌شناسی

«اشاره»، در لغت به معنای علامت و نشانه دادن به عنوان انتخاب چیزی (از قول، عمل یا نظر) است. «۲»

واژه‌ی «اشارت» در قرآن نیز به کار رفته است که مریم (ع) به سوی عیسی (ع) در گاهواره اشاره کرد تا مردم از او پرسش نکنند.

«فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ» «۳» یعنی چیزی را در پاسخ مردم انتخاب کرد و به آن ارجاع داد.

«اشاره» در اصطلاح، به معنای چیزی است که از کلام استفاده می‌شود، بدون این که کلام برای آن وضع شده باشد.

اشاره گاهی حسی است، همان طور که در الفاظ اشاره، مثل هذا، می‌آید؛ و گاهی اشاره‌ی ذهنی است مثل اشارات کلام به معنای

زیاد، که اگر گوینده می‌خواست به آنها تصریح کند باید سخنان زیادی می‌گفت.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۶۶

البته اشاره گاهی ظاهر و گاهی خفی است. «۱»

مقصود از تفسیر اشاری چیست؟

«تفسیر اشاری به اشارات مخفی گفته می‌شود که در آیات قرآن کریم موجود است، و بر اساس عبور از ظواهر قرآن و اخذ به باطن

استوار است. یعنی از طریق دلالت اشاره، و با توجه به باطن قرآن، مطلبی از آیه برداشت و نکته‌ای روشن می‌شود، که در ظاهر

الفاظ آیه بدان تصریح نشده است. به عبارت دیگر، اشارات آیه، لوازم کلام هستند که از نوع دلالت التزامی به شمار می‌آیند.

البته از آنجا که تفسیر اشاری، دارای گونه‌های مختلف همچون تفسیر رمزی، عرفانی، صوفی، باطنی و شهودی است، تعریف‌های

متعددی از آن ارائه شده است. «۲»

تاریخچه

سابقه‌ی برخی از اقسام تفسیر اشاری، همچون تفسیر باطنی را می‌توان در صدر اسلام پیدا کرد. یعنی ریشه‌های این تفسیر در

احادیث متعددی است که از پیامبر (ص) حکایت شده که فرموده‌اند: «قرآن ظاهر و باطنی دارد» «۳» و در برخی احادیث به باطن

آیات اشاره کرده‌اند. «۴»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۶۷

امام علی (ع) نیز به پیروی از پیامبر (ص) به ظاهر و باطن قرآن اشاره کرده‌اند. «۱»

و در برخی احادیث از امام علی بن الحسین (ع) و امام صادق (ع) حکایت شده که: «کتاب الله عزوجل علی أربعة أشياء علی العبارة

و الإشارة واللطائف والحقایق، فالعبارة للعوام والإشارة للخواص واللطائف للأولیاء والحقایق للأنبیاء». «۲» «کتاب خدای عزوجل

برچهار چیز استوار است: بر عبارت و اشارت و لطایف و حقایق.

پس عبارت‌های قرآن برای عموم مردم است و اشارات آن برای افراد خاص است و لطایف قرآن برای دوستان و اولیاست و حقایق قرآن برای پیامبران است».

از آنجا که همه‌ی مسلمانان پذیرفته بودند که قرآن دارای باطنی عمیق و معانی دقیق و کنایات و اشارات است، راه برای این گونه تفسیرها باز شد تا آنجا که ابن عربی نوشت: «همان طور که تنزیل اصل قرآن بر پیامبر (ص) از پیش خدا بوده، تنزیل فهم آن نیز بر قلوب مؤمنان، از ناحیه‌ی حضرت حق صورت می‌گیرد». (۳)

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۶۸

از این رو در اعصار بعدی، برخی عرفا و صوفیه به گونه‌هایی از تفسیر اشاری همچون تفسیر رمزی و شهودی و صوفی و عرفانی توجه کردند. و کتاب‌های تفسیری متعددی در این زمینه به نگارش در آمد.

از جمله تفسیر توستری از ابن محمد بن سهل بن عبدالله التستری (۲۰۰-۲۸۳) و کشف‌الأسرار و عدّه‌الابرار، میبیدی (زنده در سال ۵۲۰هـ-) و تفسیر ابن عربی (۵۶۰-۶۳۸هـ-) را می‌توان نام برد.

علامه طباطبایی و آیت الله معرفت، تاریخچه‌ی این روش تفسیری را از قرن دوم و سوم هجری می‌دانند، یعنی پس از آن که فلسفه‌ی یونانی به عربی ترجمه شد. (۱)

این روش تفسیری در طول تاریخ، فراز و نشیب‌های گوناگون داشته است و مفسران مذاهب مختلف اسلامی و نیز صوفیه و عرفا هر کدام به گونه‌ای به این تفسیر توجه کرده‌اند، که نمی‌توان همه را یکسان انگاشت و داوری واحدی در مورد همه روا داشت؛ چراکه برخی در این راه افراط کرده به راه تفسیر به رأی و تأویل‌های بی‌دلیل افتاده‌اند ولی برخی از باطن قرآن بر اساس ضوابط صحیح استفاده کرده‌اند.

آری درباره‌ی روش تفسیر اشاری دیدگاه‌ها، تعریف‌ها و تقسیم‌بندی‌های متفاوتی وجود دارد. و هر مفسّر یا صاحب‌نظری که در این مورد قلم زده به

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۶۹

یک یا چند گونه از تفسیر اشاری توجه کرده و با آن موافقت یا مخالفت نموده است یا یک گونه‌ی دیگری را رد کرده است. (۱) که بررسی همه آنها از حوصله‌ی این نوشتار خارج است و در اینجا فقط به کلام جالب امام خمینی (ره) در مورد برداشت‌های عرفانی از قرآن اشاره می‌کنیم که می‌نویسند:

«یکی دیگر از حُجُب که مانع از استفاده از این صحیفه نورانیه است اعتقاد به آن است که جز آن که مفسران نوشته یا فهمیده‌اند کسی را حق استفاده از قرآن شریف نیست، و تفکر و تدبّر در آیات شریفه را با تفسیر به رأی که ممنوع است اشتباه نموده‌اند و به واسطه‌ی این رأی فاسد و عقیده‌ی باطله، قرآن شریف را از جمیع فنون استفاده عاری نموده و آن را به کلی مهجور نموده‌اند، در صورتی که استفادات اخلاقی و ایمانی و عرفانی به هیچ وجه، مربوط به تفسیر نیست تا تفسیر به رأی باشد...».

سپس با مثالی در مورد آیات پیروی موسی از خضر، و استفاده‌ی توحید افعالی از آیه‌ی «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» می‌نویسند: «الی غیر ذلک» از اموری که از لوازم کلام استفاده می‌شود که مربوط به تفسیر به هیچ وجه نیست.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۷۰

علاوه بر آن که تفسیر به رأی نیز کلامی است که شاید آن غیر مربوط به آیات معارف و علوم عقلیه که موافق موازین برهانیه است و آیات اخلاقیه که عقل را در آن مدخلیت است، باشد. زیرا که این تفاسیر مطابق با برهان متین عقلی یا اعتبارات واضح عقلیه است که اگر ظاهری بر خلاف آنها باشد لازم است آنها را از ظاهر مصروف نمود.

... پس محتمل است بلکه مظنون است که تفسیر به رأی راجع به آیات احکام باشد که دست آرا و عقول از آن کوتاه است. و به

صرف تعبد و انقیاد از خازنان وحی و مهابط ملایکه‌الله باید اخذ کرد». (۱)

آری به نظر می‌رسد که ایشان برداشت‌های عرفانی از آیات را از مقوله‌ی تفسیر نمی‌داند بلکه از باب لوازم کلام (که شاید مقصود ایشان بطون باشد) می‌داند.

بنابر این ایشان به تفسیر عرفانی باطنی ضابطه‌مند اشاره دارد که متکی بر عقل است و به «تفسیر به رأی» منتهی نمی‌شود.

و همین مطلب را به نوع دیگری آیت الله معرفت بیان کرده و تفاسیر عرفانی را از باب تداعی معانی معرفی می‌کند. (۲)

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۷۱

۶. روش تفسیر به رأی

تفسیر به رأی یکی از شیوه‌های تفسیر قرآن است که توسط پیامبر (ص) مورد انکار و سرزنش قرار گرفته است.

مفهوم‌شناسی

«رأی»: اصل این واژه به معنای نظر کردن به هر وسیله‌ای است، اعم از نظر کردن با چشم یا قلب یا به وسیله‌ی شهود روحانی یا به وسیله‌ی قوه‌ی خیال. (۱)

و واژه‌ی «رأی» به معنای عقیده‌ای است که از غلبه‌ی گمان پیدا می‌شود. (۲)

و برخی مفسران بر آنند که واژه‌ی «رأی» در کتاب و سنت به معنای درک عقلانی به کار نرفته است. (۳)

پس می‌توان گفت: واژه‌ی «رأی» به معنای عقیده، دیدگاه و سلیقه‌ی شخصی است که براساس گمان شکل گرفته است.

باء: واژه‌ی «باء» در «تفسیر به رأی» ممکن است به یکی از این سه معنا باشد:

الف) بقاء سببیت، یعنی: هر کس قرآن را به وسیله و به سبب رأی خود تفسیر کند، جایگاهی از آتش دارد (یعنی ممکن است انگیزه و سبب اصلی

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۷۲

تفسیر آیه، همان رأی و نظر شخصی او باشد، در برابر کسی که سبب و انگیزه‌ی اصلی او از تفسیر، رأی او نیست بلکه او به دنبال حقایق قرآن است، و اگر رأی شخصی او مطابق یا مخالف تفسیر باشد برایش فرقی نمی‌کند).

ب) بقاء استعانت، یعنی: هر کس قرآن را با کمک رای خود تفسیر کند جایگاهی از آتش دارد. (در برابر کسانی که قرآن را با کمک قراین عقلی و نقلی تفسیر می‌کنند).

ج: بقاء زاید، یعنی: هر کس به جای تفسیر قرآن رأی خود را بگوید. و رأی شخصی او مصداق تفسیر شود. (در برابر کسی که تفسیر حقیقی قرآن را می‌گوید نه رأی خود را به جای تفسیر)

البته معنای اول و دوم با روایات تفسیر به رأی، سازگار است و معنای دوم (استعانت) اظهر است. (۱)

در مباحث آینده در تحلیل روایات تفسیر به رأی، این معانی با توجه به روایات بررسی خواهد شد.

پیشینه‌ی تفسیر به رأی

زمان دقیق پیدایش روش تفسیر به رأی روشن نیست، اما برخی از روایات در مورد مذمت تفسیر به رأی از پیامبر (ص) حکایت شده است، (۲) از ظاهر این

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۷۳

گونه احادیث می‌توان استفاده کرد که روش تفسیر به رأی از زمان پیامبر (ص) شروع شده بود و به همین خاطر ایشان از این روش یاد کرده و انجام دهندگان آن را سرزنش نموده است، و لحن روایات آن نیست که در آینده چنین چیزی اتفاق خواهد افتاد و الآن پیامبر (ص) پیش‌گویی می‌کند.

بعد از پیامبر (ص) در زمان ائمه (ع) نیز، این مسأله مطرح بوده است، از این رو تعدادی از روایات در مورد مذمت تفسیر به رأی از آنان صادر شده است. «۱» و حتی حکایت شده که امام علی (ع) برخی افراد را مخاطب قرار داده و از تفسیر به رأی نهی کرده است. «۲»

البته برخی از این احادیث ناظر به افرادی است که مکتبی در برابر اهل بیت (ع) در تفسیر قرآن گشوده بوده‌اند. «۳» در عصرهای بعدی نیز تفسیر به رأی در برخی از کتاب‌های تفسیر راه یافت و گاهی فرقه‌ها و مفسران همدیگر را به تفسیر به رأی متهم می‌کردند. برای مثال برخی نویسندگان، فخر رازی صاحب «تفسیر کبیر» و اخوان الصفا و برخی صوفیه و نیز گاهی اشاعره و معتزله را متهم به تفسیر به رأی کرده‌اند چرا که آیات قرآن را مطابق با عقاید خویش تأویل و تفسیر کرده‌اند. «۴» پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۷۴

و در عصر حاضر این روش تفسیری اوج گرفت، و برخی افراد منافق صفت نیز با ظهور مکاتب الحادی، تلاش کردند که با استفاده از آیات قرآن و تفسیر به رأی، جوانان مسلمان را جذب خویش سازند و مقاصد الحادی خود را ببوشانند. «۱» که شهید مطهری این روش را ماتریالیسم اغفال شده یا ماتریالیسم منافق می‌خواند. روایات ممنوعیت تفسیر به رأی در این مورد روایات متعددی در منابع حدیثی شیعه و سنی از پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) حکایت شده است که می‌توان آنها را به چند دسته تقسیم کرد:

الف) روایاتی که فقط تفسیر به رأی را محکوم و مذمت می‌کند و مجازات‌های آن را بر می‌شمارد:

۱. عن النبی (ص): «من فسّر القرآن برأیه فلیتوبوا مقعده من النار». «۳» «هر کس قرآن را به رأی خویش تفسیر کند، جایگاهی از آتش برای خود فراهم خواهد کرد».

۲. عن النبی (ص): «من قال فی القرآن برأیه فلیتوبوا مقعده من النار». «۴» پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۷۵ «هر کس به رأی خود در قرآن سخن گوید، جایگاهی از آتش برای خود فراهم خواهد کرد».

تذکر: در این روایت مطلق «قول» و سخن به رأی درباره‌ی قرآن، سرزنش شده است.

۳. عن الصادق (ع): «من فسّر برأیه آیه من کتاب اللّٰه فقد کفر». «۱» «هر کس آیه‌ای از کتاب خدا (قرآن) را تفسیر به رأی کند به یقین کافر ده است».

۴. فی عیون اخبار الرضا (ع) للصدوق عن ابن المتوکل (محمد بن موسی بن المتوکل) عن علی بن ابراهیم، عن أبیه، عن الریان بن الصلت عن علی بن موسی الرضا (ع) عن أبیه عن آبائه عن امیر المومنین (ع) قال: «قال رسول اللّٰه (ص) قال اللّٰه جلّ جلاله ما آمن بی من فسّر برأیه کلامی». «۲»

«پیامبر (ص) از خدای متعال حکایت می‌کند که: هر کس کلام مرا تفسیر به رأی کند، به من ایمان ندارد».

تذکر: این روایت سند آن صحیح و معتبر است. «۳»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۷۶

ب) روایاتی که تفسیر به رأی را نوعی سخن نا آگاهانه و دروغ به شمار می‌آورد:

۱. عن النبی (ص): «من فسّر القرآن برأیه فقد افتری علی اللّٰه الکذب». «۱» «هر کس قرآن را تفسیر به رأی کند به یقین برخدا دروغ بسته است».

۲. عن النبی (ص): «من قال فی القرآن بغیر علم فلیتوبوا مقعده من النار». «۲»

«هر کس در مورد قرآن چیزی بدون آگاهی بگوید، جایگاهی از آتش برای خود فراهم خواهد کرد».

تذکر: مقصود این گونه احادیث آن است که تفسیر به رأی بدان معناست که چیزی بدون علم در تفسیر قرآن گفته شود. و نسبت

دادن سخنی بدون آگاهی به خدا دروغ بستن و تهمت زدن براوست.

۳. عن امیر المومنین (ع): «قال لمَدعی التناقض فی القرآن: «ایاک أن تفسر القرآن برأیک حتی تفقهه عن العلماء، فأنه ربّ تنزیل یشبه بکلام البشر وهو کلام الله وتأویله لا یشبه کلام البشر». «۳» «مراقب باش که قرآن را با رأی خودت تفسیر نکنی (و صبر کن) تا این که آن را از دانشمندان بگیری، چراکه چه بسیار (آیات) نازل شده‌ای که مشابه سخنان انسان‌هاست ولی آن کلام خداست و تاویل آن مشابه سخنان بشر نیست».

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۷۷

(ج) روایاتی که تفسیر به رأی را از جهت گمراهی محکوم می‌سازد:

عن الباقر (ع): «وَيَحْكُكُ يَا قَتَادَةَ أَنْ كُنْتَ أَنْمَا فَسَّرْتَ الْقُرْآنَ مِنْ تَلْقَاءِ نَفْسِكَ فَقَدْ هَلَكْتَ وَاهْلَكَتَ». «۱»

«امام باقر (ع) به قتاده که مفسّر بصره بود) فرمود: وای بر تو ای قتاده، اگر قرآن را از پیش خود تفسیر کنی، به یقین هلاک می‌شوی و دیگران را نیز به هلاکت خواهی کشاند».

تذکر: هلاکت در این احادیث به معنای گرفتاری در آتش آخرت نیست، بلکه به معنای هلاکت دنیوی یعنی گمراهی نیز هست، چرا که شنونده‌ی تفسیر را نیز اهل هلاکت معرفی می‌کند.

پس این گونه احادیث، تفسیر به رأی را که بدون استفاده از قرائن نقلی (احادیث معصومین (ع)) انجام گرفته است، موجب گمراهی خود مفسّر و دیگران، و به هلاکت افتادن هر دو معرّفی می‌کند و از این رو آن را محکوم می‌کند.

(د) احادیثی که تفسیر به رأی را هر چند که نتیجه‌ی آن صحیح باشد، محکوم می‌کند.

۱. عن النبی (ص): «من قال فی القرآن برأیه فاصاب فقد اخطأ». «۲» پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۷۸

«هر کس در مورد قرآن، به رأی خود سخن گوید و (به واقع) برسد، یقیناً خطا کرده است».

۲. عن الصادق (ع): «من فسّر القرآن برأیه، ان اصاب لم یوجر و ان اخطأ فهو أبعد من السماء». «۱»

«کسی که قرآن را تفسیر به رأی کند، اگر (به واقع) برسد، پاداشی داده نمی‌شود، و اگر به خطا رود، پس او (از مرز حق) بیش از فاصله آسمان (از همدیگر) دور شده است».

بررسی احادیث

احادیث مذمت تفسیر به رأی از دو جهت قابل بررسی است:

اول: از جهت سند

بسیاری از این احادیث ضعیف، یا مرسل هستند و در میان احادیث شیعه حدیث ۴/ الف صحیح السند بود و در احادیث اهل سنت حدیث ۲/ الف را حسن دانسته‌اند.

ولی از آنجا که این روایات در منابع حدیثی شیعه و سنّی فراوان هستند، برخی از بزرگان «۲» و صاحب نظران «۳» در مورد آنها ادعای تواتر کرده‌اند، که ظاهراً مقصود تواتر معنوی است.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۷۹

اما به هر حال با توجه به کثرت روایات و وجود روایات معتبر در بین آنها از بحث سندی بی‌نیاز هستیم.

دوم: از جهت متن

از مجموع احادیث نکات زیر به دست می‌آید:

۱. تفسیر به رأی، گناه کبیره است چرا که وعده‌ی آتش بر آن داده شده است. از این رو خطر بزرگی به شمار می‌آید.

۲. تفسیر به رأی یک «روش خطا» در تفسیر است و محکومیت آن از آن جهت نیست که نتیجه‌ی آن غلط است، چرا که گاهی

ممکن است نتیجه‌ی تفسیر به رأی صحیح باشد اما باز هم در احادیث (ردیف د) مذموم و خطا شمرده شده است. به عبارت دیگر: خود روش تفسیر موضوعیت دارد. و اگر روشی غلط باشد (هرچند که گاهی به نتیجه درست برسد بازهم) محکوم است. «۱»

چون که در صورت صحیح بودن نتایج هم، مفسّر مطلبی را به خدا نسبت داده که هیچ گونه حجتی برای آن نداشته است و از این رو باز هم خطا کرده است. (مفاد احادیث ردیف ب و د).

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۸۰
البته این یک مطلب عقلایی است، برای مثال: اگر کسی به دروغ ادعای پزشکی بودن کند، سپس به مداوای مردم اقدام نماید و اتفاقاً کسی را از مرگ نجات دهد، باز هم عقلاً او را سرزنش می‌کنند و برطبق قوانین عقلایی بشری که در دنیا رایج است، پاداش به او داده نمی‌شود بلکه به جریمه یا زندان محکوم می‌شود، چرا که روش او غلط است و معمولاً به خطا می‌رود (هر چند که اتفاقاً یک مورد صحیح باشد و به واقع برسد).

تذکر: جالب آن است که اگر کسی روش صحیح علمی (در پزشکی) داشت، و در عمل جراحی خطا کرد، به نوعی خطای او بخشوده و جبران می‌شود و به وسیله‌ی دیگران سرزنش نمی‌شود چون روش صحیح بوده اما خطای انسانی کرده است. به خلاف آن مواردی که روش او غلط باشد، یا تخصص کافی نداشته باشد. در احادیث تفسیر به رأی (ردیف د) به نوعی به این مطلب اشاره شده بود.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

پیامبر اکرم (ص) از روش تفسیر اجتهادی جامع در تفسیر قرآن استفاده کرده است. یعنی از روش‌های صحیح قرآن به قرآن-قرآن به روایت-اشاری (بطنی و عرفانی)-عقلی و علمی استفاده کرده و از روش تفسیر به رأی پرهیز کرده است.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۸۱
یادآوری: البته پیامبر اکرم (ص) در روایات تفسیری خود گرایش‌ها (سبک‌ها، الوان، اتجاهات) خاصی نیز داشته برای مثال ایشان به سبک اخلاقی، فقهی، اجتماعی، سیاسی و جهادی در تفسیر قرآن توجه ویژه داشته است که بررسی این موارد نیاز به مقاله‌ی مستقل دارد. چرا که مبحث روش‌های تفسیری و گرایش‌های تفسیری دو حوزه‌ی جداگانه است. «۱»
پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۸۳

ج: شمارگان روایات تفسیری پیامبر (ص) (قلمرو احادیث تفسیری)

در مورد تعداد آیاتی که پیامبر تفسیر کرده و روایات تفسیری ایشان سه دیدگاه وجود دارد:
دیدگاه اول:- احمد ابن تیمیه (م ۷۲۸ ق)- بر آن است که پیامبر (ص) تمام آیات قرآن را تفسیر کرده است، چرا که از طرفی خداوند ایشان را بعنوان مبین و مفسّر قرآن معرفی کرده است «۱» و تبیین شامل بیان معانی و الفاظ می‌شود «۲» و از طرف دیگر از ابن مسعود حکایت شده: «وقتی پیامبر (ص) ده آیه‌ی قرآن به فردی از آنان می‌آموخت، از آنها نمی‌گذشت تا اینکه معانی و عمل بدانها را می‌آموخت» «۳» و از طرف دیگر هر گاه کتابی برای گروهی تدوین شود بطور معمول محتوای کتاب را به آنان می‌آموزند، و قرآن کریم نیز کتاب قانون مسلمانان است، آیا ممکن است محتوای این کتاب به مردم تفهیم

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۸۴
نشده باشد در حالی که وظیفه‌ی پیامبر بوده که آنچه را مربوط به مردم است برای آنها بیان کند. «۱»

از طرفداران دیگر این دیدگاه آیه‌الله محمدهادی معرفت است که می‌نویسند:

«پيامبر برای امت، بویژه برای صحابیان جمیع معانی قرآن را بیان کرده و شرح داده است یا بوسیله نص یا بوسیله بیان تفصیل اصول شریعت و فروع آنها، مخصوصاً هنگامی که ما روایات ائمه‌علیه السلام را در بیان تفصیل شریعت و معانی قرآن به آنها اضافه کنیم.»
 (۲)

دیدگاه دوم: - که سیوطی (م ۹۱۱ ق) و الخُوَیّی (م ۶۳۷ ق) از طرفداران آن هستند (۳) - بر آن است که پیامبر (ص) جز اندکی از قرآن را تفسیر نکرده است چرا که از طرفی از عایشه حکایت شده که گفت: پیامبر تنها چند آیه از قرآن را تفسیر کرد که جبرئیل به او آموخته بود. (۴)

و از طرف دیگر خدا مردم را به تفکر و تدبّر در آیات قرآن فراخواند تا مردم به فهم آیات دست یابند و تفسیر برخی آیات را به عهده‌ی مردم گذارده است و اگر پیامبر همه‌ی آیات را تفسیر می‌کرد، با دعوت قرآن به تدبّر منافات داشت.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۸۵

و از طرف دیگر پیامبر (ص) در مورد برخی صحابه از جمله ابن عباس، برای فراگیری علم تفسیر دعا نمود که «خدایا او را در دین فقیه کن عالم به تأویل (: تفسیر) بنمای!» (۱) پس در واقع تفسیر بخشی از آیات را بر عهده‌ی دیگران گذاشته است، بنابراین نیازی نبوده است که پیامبر تمام قرآن را تفسیر کند.

طرفداران دیدگاه دوم به ردّ دلایل دیدگاه اول چنین پرداخته‌اند: اولاً نص صریحی در دست نیست که تفسیر تمام آیات قرآن وظیفه‌ی پیامبر (ص) باشد. (۲)

بلکه وظیفه ایشان تبیین آیاتی بوده که نیاز به تفسیر، تبیین، تخصیص، تقیید و مانند آن داشته است.

ثانیاً: تنها ۲۵۰ روایت تفسیری از پیامبر (ص) به دست ما رسیده است (۳) که همه‌ی آیات را پوشش نمی‌دهد.

ثالثاً: دلیلی در دست نیست که پیامبر (ص) تمام آیات را برای صحابه تفسیر کرده باشد و اصولاً با توجه به جنگ‌ها و عمر کوتاه ایشان، فرصت چنین کاری وجود نداشت.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۸۶

رابعاً: مقصود از روایت عایشه (بنابر فرض صحت سند) (۱) آن است که هر بار که جبرئیل آیاتی می‌آورد، پیامبر آن را به مردم تعلیم می‌داد و چون نزول قرآن تدریجی بوده، کم کم برای مردم تفسیر می‌کرد. (۲)

دیدگاه سوم: - که دکتر ذهبی (۳) و برخی معاصرین (۴) آن را تقویت می‌کنند - بر آن است که پیامبر (ص) بسیاری از آیات قرآن را تفسیر کرده است، چرا که از طرفی همه‌ی آیات قرآن نیازمند تفسیر نیست، چون قرآن عربی واضح است و با مراجعه به منابع تفسیر (غیر از سنت) قابل فهم است.

و از طرف دیگر احادیث پیامبر (ص) به ۲۵۰ روایت موجود منحصر نمی‌شود، چون سنت پیامبر (ص) حتی سیره‌ی عملی ایشان به نوعی تفسیر و توضیح آیات قرآن است. و بسیاری از احادیث ایشان توسط اهل بیت (ع) حکایت شده است و آنان فرمودند: «هر چه ما می‌گوییم کلام پیامبر (ص) است.» (۵)

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۸۷

بنابراین روایات تفسیری پیامبر (ص) که مستقیم و غیرمستقیم از ایشان حکایت شده تعداد زیادی خواهد شد که برخی تا چهارهزار حدیث نوشته‌اند. (۱)

بررسی: دیدگاه سوم با توجه به دلایلی که آورده شد و اشکالاتی که به دیدگاه اول و دوم وارد شد با عنایت به حجم روایات تفسیری شیعه، که ۱۶۰۰۰ حدیث آن در تفسیر «البرهان» گردآوری شده است بعید نیست.

در ضمن با توجه به مطالبی که در تعریف تفسیر روایی گذشت، تفسیر روایی شامل احادیث پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) می‌شود بنابراین شمارگان احادیث تفسیری به حدود ۱۶۰۰۰ می‌رسد البته روشن است که همه‌ی این احادیث از ارزش و اعتبار یکسان برخوردار نیستند و همه‌ی جزئیات آیات قرآن را نیز پوشش نمی‌دهد.

اما دیدگاه آیه‌الله معرفت را اگر نتوانیم به دیدگاه سوم برگردانیم، باید بگوییم که آن دیدگاه چهارمی در این مبحث به شمار می‌رود که قائل به تفصیل هستند چرا که ایشان قبول می‌کنند که تعداد روایات تفسیری پیامبر (ص) در اصل زیاد بوده است اما در نقل و حکایت کم است. «۲»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۸۸

به عبارت دیگر ایشان بین بیان معانی آیات توسط پیامبر (ص) (که شامل همه آیات می‌شود) و آنچه به صورت نص از ایشان حکایت شده (که قلیل است) تفاوت می‌گذارند و برآنند که طرفداران دیدگاه دوم مقصودشان قلیل بودن منقولات منصوص از پیامبر (ص) است. «۱»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۸۹

فصل دوم: قرآن و پیامبر اعظم (ص)

اشاره

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۹۱

الف. سیمای پیامبر (ص) در قرآن

تعداد فراوانی از آیات قرآن، مستقیم یا غیرمستقیم در مورد پیامبر اعظم (ص) است که بخش عظیمی از قرآن را شامل می‌شود، و نقل همه‌ی آنها از حوصله‌ی این نوشتار خارج است، ولی این آیات را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد:

اول: آیاتی که نام‌ها و صفات پیامبر (ص) را بر می‌شمارد، در این رابطه ما حدود سی مورد از نام‌ها و صفات ایشان را در قرآن یافتیم که در این نوشتار آنها را بر می‌شماریم، سپس در بخش بعدی به توضیح و تفسیر مهمترین آنها می‌پردازیم.

۱. رسول الله: حضرت محمد (ص) فرستاده خداست. (فتح/ ۲۹- احزاب/ ۴۰- اعراف/ ۱۵۸)

۲. پیامبر: حضرت محمد (ص) پیام آور برجسته‌ی وحی الهی است. (احزاب/ ۴۵)

۳. شاهد: حضرت محمد (ص) گواه بر امت است. (احزاب/ ۴۵)

۴. مبشر: حضرت محمد (ص) بشارتگر و مژده رسان الهی است. (احزاب/ ۴۵)

۵. هشدارگر: حضرت محمد (ص) هشدارگری الهی (: نذیر) برای مردم است. (احزاب/ ۴۵)

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۹۲

۶. دعوت‌گر الهی: حضرت محمد (ص) دعوت‌گر به سوی خدا (نه به سوی خود) است که با رخصت الهی مردم را به سوی حق فرا می‌خواند. («دَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ»- احزاب/ ۴۶)

۷. چراغ: پیامبر اکرم (ص) چراغ و منبع نور (: سراج) امت است. (احزاب/ ۴۶)

۸. نوربخش: پیامبر گرامی (ص) منبع نورافشان (منیر) است که با نور خود راه انسان‌ها را روشن می‌کند. (احزاب / ۴۶)
۹. غمخوار امت: حضرت محمد (ص) دلسوز و غمخوار امت است از این رو مشکلات مردم بر او سخت است. («عَزِيزٌ عَلَیْهِ مَا عَنِتُّمْ» - توبه / ۱۲۸)
۱۰. حریص بر خدمت رسانی: حضرت محمد (ص) شوق خدمت به مردم دارد و بر خدمت رسانی حریص است. («حَرِیصٌ عَلَیْكُمْ» - توبه / ۱۲۸)
۱۱. دلسوز و مهربان مومنان: حضرت محمد (ص) نسبت به مردم مومن بسیار دلسوز و مهربان است. («بِالْمُؤْمِنِیْنَ رَؤُوفٌ» - توبه / ۱۲۸)
۱۲. مهرورز مومنان: حضرت محمد (ص) نسبت به مردم مومن همواره مهرمی‌ورزد و رحمت او شامل مومنان می‌شود او جلوه‌ی رحیمیت الهی است. («بِالْمُؤْمِنِیْنَ رَؤُوفٌ رَحِیْمٌ» - توبه / ۱۲۸)
۱۳. مردمی: حضرت محمد (ص) از میان خود شماس است، بنابراین مشکلات و دردها و نیازهای شما را درک می‌کند. («مِنْ أَنْفُسِكُمْ» - توبه / ۱۲۸)
۱۴. بشر: پیامبر اسلام (ص) بشری همانند شماست، و فردی ماوراء انسان نیست تا مشکلات شما را درک نکند. («أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ» - کهف / ۱۱۰)

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۹۳

۱۵. دریافت کننده وحی: حضرت محمد (ص) به خدای متعال و فرشته‌ی وحی متصل است و وحی را از ماورای طبیعت دریافت می‌کند که به صورت قرآن می‌خواند. («يُوحَىٰ إِلَيَّ» - کهف / ۱۱۰)
۱۶. پایان بخش نبوت: حضرت محمد (ص) آخرین پیام آور وحی الهی است. («خَاتَمَ النَّبِیِّیْنَ» - احزاب / ۴۰)
۱۷. فرزند پسر ندارد: حضرت محمد (ص) هنگام وفات فقط یک فرزند دختر از خود بر جای گذاشت یعنی فاطمه (س)، و هیچ فرزند پسری نداشت تا نبوت سلطنت نشود. («مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ» - احزاب / ۴۰)
۱۸. محمد نام اوست: پیامبر اسلام (ص) نام «ستوده» (محمد) داشت. (احزاب / ۴۰)
۱۹. احمد نام دیگر اوست: «۱» نام پیامبر اسلام (ص) در زبان پیامبران قبلی «احمد» بوده است. («مُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِن بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ» - صف / ۶)
۲۰. درس ناخوانده بود: پیامبر اکرم (ص) سواد خواندن (و نوشتن) نداشت و استاد ندیده بود تا نگویند مطالب قرآن را از انسان‌های دیگر یاد گرفته است. («الْأُمِّيَّ» - اعراف / ۱۵۷؛ عنکبوت / ۴۸؛ شوری / ۵۱)
۲۱. نامش در تورات و انجیل آمده است: «۲» نام پیامبر اسلام (ص) در تورات و انجیل واقعی و تحریف نشده آمده بود، تا امت‌های پیشین به آمدنش

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۹۴

- امیدوار و با او آشنا شوند. («الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ» - اعراف / ۱۵۷)
۲۲. رسالت هدایتگر: پیامبر اکرم (ص) آمده تا مردم را هدایت کند. («هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ» - فتح / ۲۸)
۲۳. دارای دین ح - ق: پیامبر گ - رامی (ص) مردم را به سوی دین حق راهنمایی می‌کند. («هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ» - فتح / ۲۸)
۲۴. رسالت جهانی: پیامبر اکرم (ص) برای همه‌ی مردم جهان برانگیخته شده است. («مَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ» - سبأ / ۲۸)
۲۵. رحمت الهی برای جهانیان: پیامبر اکرم (ص) تجلی مهر و رحمت الهی بر همه‌ی مردم جهان است. («مَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً

لِّلْعَالَمِينَ» - انبیاء / ۱۰۷)

۲۶. جهانی سازی مطلوب: «۱» پیامبر گرامی (ص) آمده است تا دین حق اسلام را، بر همه‌ی ادیان پیروز گرداند و جهانی سازی صحیح و مطلوب داشته باشد، که این کار توسط فرزندش مهدی موعود (ع) به سرانجام می‌رسد. («لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» - فتح / ۲۸)

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۹۵

۲۷. دارای مقام شفاعت: خدای متعال در قیامت مقام شفاعت به پیامبر (ص) عطا می‌کند و آنقدر به او می‌بخشد تا راضی شود. «۱» («لَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى» - الضحی / ۵)

۲۸. یتیم: پیامبر اکرم (ص) در کودکی یتیم شد و رنج بی‌پدری را چشید. از این رو پدری مهربان برای یتیمان امت بود. (الضحی / ۶)

۲۹. در پناه حق: پیامبر (ص) که یتیم شد در پناه حق قرار گرفت و تربیت شد. («أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَى» - الضحی / ۶)

۳۰. فقیر: پیامبر گرامی (ص) فردی ثروت اندوز نبود بلکه فقیر بود و با فقیران می‌نشست و نیازمند به خدا بود. («وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى» - الضحی / ۸)

۳۱. غنی: رسول اکرم (ص) اگر چه فقیر بود اما با اتصال به خدای متعال به ثروتی نامحدود دسترسی داشت از این رو بی‌نیاز و غنی بود. (الضحی / ۸)

۳۲. نرم خو بود و سخت دل نبود: پیامبر (ص) براساس رحمت الهی، با مردم به نرمی سخن می‌گفت و رفتار می‌کرد و سخت دل نبود. («فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ» - آل عمران / ۱۵۹)

۳۳. صاحب اخلاقی بزرگ و بزرگوارانه: پیامبر اکرم (ص) دارای اخلاقی نیکو و بزرگوارانه بود، به طوری که خدای بزرگ، اخلاق او را عظیم معرفی می‌کند. («إِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ» - قلم / ۴)

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۹۶

۳۴. الگوی نیکو: پیامبر (ص) در گفتار و کردار و عقایدش الگوی مردم است. («لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» - احزاب / ۲۱)

۳۵. مأمور اجرای عدالت: پیامبر (ص) از طرف خدا مأمور اجرای عدالت در بین مردم بود. («وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ» - شوری / ۱۵)

۳۶. آمرزشخواه مردم: پیامبر (ص) برای مردم، از خدا استغفار و طلب آمرزش می‌کرد. («وَاسْتَغْفِرُ لَهُمْ» - آل عمران / ۱۵۹)

۳۷. عفو کننده مردم: حضرت محمد (ص) از لغزش‌های مردم در می‌گذشت و سخت گیر نبود. («فَاعْفُ عَنْهُمْ» - آل عمران / ۱۵۹)

۳۸. مشورت کننده با مردم: پیامبر (ص) از مشورت مردم بهره می‌برد ولی در نهایت تصمیم‌گیری با رهبر اسلام بود. («وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ...» - آل عمران / ۱۵۹)

۳۹. تلاش زحمت آمیز برای مردم: پیامبر اکرم (ص) برای هدایت مردم و ترویج قرآن، تلاش زیادی می‌کرد به طوری که خود را به زحمت می‌انداخت و این نشانه‌ی دلسوزی و مسئولیت‌شناسی ایشان بود. («طه مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى» - طه / ۱-۲)

۴۰. مهربان با دوستان و سخت گیر بر دشمنان: پیامبر اعظم (ص) نسبت به مؤمنان مهربان، و نسبت به کافران سخت گیر بود. («أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» - فتح / ۲۹)

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۹۷

دوم: آیاتی که در برابر مخالفان از پیامبر (ص) دفاع می‌کند، به عبارت دیگر، صفات سلبی پیامبر (ص) را بر می‌شمارد و تهمت‌ها و اشکالات مخالفان را از ایشان دفع می‌کند.

۱. پیامبر (ص) آموزش دیده نیست: (دخان/ ۱۴) یعنی مطالب قرآن را از اساتید و معلمان آموزش ندیده است بلکه از طریق وحی دریافت می‌کند.
 ۲. پیامبر (ص) مجنون یعنی جن زده و دیوانه نیست: (دخان/ ۱۴) بلکه از سلامت کامل عقلی برخوردار است. «ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَقَالُوا مُعَلَّمٌ مَّجْنُونٌ؛ سپس از او روی برتافتند، و گفتند: «دانش آموخته‌ای دیوانه است.»
 ۳. پیامبر (ص) کاهن نیست: (طور/ ۲۹) یعنی او از طریق کهنات با ماوراء غیب در ارتباط نیست بلکه بر او وحی می‌شود.
 ۴. پیامبر (ص) شاعر نیست: (طور/ ۳۰) یعنی مطالب قرآن که بر زبان او جاری می‌شود، مطالب خیالی یک شاعر نیست. بلکه حقایقی است که بر او وحی می‌شود هر چند که دارای آهنگ خاص است. «فَلَمَّا كَرِهَ إِنَّا أَنْتَ بِنِعْمَتِ رَبِّكَ بِكَاهِنٍ وَلَا مَجْنُونٍ أَمْ يَقُولُونَ شَاعِرٌ نَتَرَبَّصُّ بِهِ رَيْبَ الْمُنُونِ؛ پس تذکر ده، که تو به نعمت (و لطف) پروردگارت، پیشگو و دیوانه نیستی، بلکه می‌گویند: «شاعری است که (حادثه) مرگ مشکوکی را برای او انتظار می‌کشیم!»
 ۵. پیامبر (ص) ساحر و جادوگر نیست. (ذاریات/ ۵۲) «كَذَلِكَ مَا أَتَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا قَالُوا سِيَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ؛ همچنین هیچ فرستاده‌ای (به سراغ) کسانی که قبل از آن (مشرک) ان بودند نیامد مگر اینکه گفتند: «(او) ساحر یا دیوانه است!»
- پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۹۸
- ی ادآوری مهم:
- همه‌ی موارد فوق از طریق مطالعه‌ی سیره و زندگانی پیامبر (ص) قابل فهم و استنباط است. یعنی تاریخ زندگی پیامبر (ص) یکی از مهمترین گواهان بر سلامت عقل، دیوانه نبودن، آموزش ندیدن ایشان، کاهن، شاعر و جادوگر نبودن ایشان است و مهمتر از آن، معجزه‌ی جاویدان او یعنی قرآن کریم است که مهمترین شاهد صدق، عقل و نبوت ایشان است. در طی ۱۴ قرن، دعوت به مبارزه و تحدی کرده که مثل آن را بیاورند. (بقره/ ۲۴-۲۳) ولی هنوز کسی مانند آن را نیاورده است.
- سوم: آیاتی که حقایق پیامبر (ص) و رسالت و کتاب وحیانی او را تایید می‌کند و گواهان حقایق را بر می‌شمارد، از جمله:
۱. گواهی خدای متعال بر حقایق پیامبر (ص). (رعد/ ۴۳، نساء/ ۱۶۶) «لَكِنَّ اللَّهَ يَشْهَدُ بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ أَنْزَلَهُ بِعِلْمِهِ وَالْمَلَائِكَةُ يَشْهَدُونَ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا»
- لیکن خدا به آنچه بر تو فرو فرستاد گواهی می‌دهد، که آن را از روی علمش فرو فرستاده است؛ و فرشتگان (نیز) گواهی می‌دهند، و (هر چند که) گواهی خدا کافی است.
۲. گواهی فرشتگان بر حقایق پیامبر (ص). (رعد/ ۴۳)
 ۳. گواهی کسی که دانش کتاب نزد اوست. (رعد/ ۴۳) «وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ»
- پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۹۹
- و کسانی که کفر ورزیدند می‌گویند: «(تو) فرستاده شده نیستی.» (ای پیامبر) بگو: «گواهی خدا، و کسی که علم کتاب (قرآن) نزد اوست، بین من و بین شما کافی است.»
۴. گواهی دانشمندان بر حقایق پیامبر (ص). (سبأ/ ۶) «وَيَرَى الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ هُوَ الْحَقُّ وَيَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ»
- و کسانی که به آنان دانش داده شده، می‌دانند آنچه از پروردگارت به سوی تو فرو فرستاده شده، فقط حق است؛ و به سوی راه (خدای) شکست ناپذیر ستوده رهنمون می‌شود.

تذکر: مهمترین گواه خدای متعال است که ناظر بر حالات همگان و حاضر در همه جاست سپس فرشتگان که همه چیز را ثبت می‌کنند و کسی که از ابتدای رسالت تا هنگام وفات پیامبر (ص) در کنار ایشان و یاور او بود یعنی امام علی (ع) که به دانش کتاب آگاه است.

در تفسیر آیه ۴۳ سوره‌ی رعد بیان می‌شود که مصداق کامل از کسی که دانش کتاب نزد اوست امام علی (ع) است. «۱» البته در این میان دانشمندان نیز با مشاهده‌ی دلایل صدق و معجزه‌ی جاویدان پیامبر (ص) یعنی قرآن، به حقیقت او گواهی می‌دهند. پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۰۰

چهارم: آیاتی که مربوط به زندگی خصوصی پیامبر (ص): از جمله مسائل همسران، پسرخوانده ایشان (زید) و ... را بیان می‌کند. «۱» (مثل: احزاب / ۳۷، تحریم / ۱-۴)

پنجم: آیاتی که مبارزات سیاسی و اجتماعی پیامبر (ص) را بیان می‌کند. از جمله: آیات مربوط به جنگ‌ها (مثل انفال، فتح، توبه و ...)

ششم: آیاتی که به اعتبار و حجیت گفتار و کردار پیامبر (ص) و لزوم اطاعت از ایشان اشاره می‌کند. از جمله:

«وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِن تَوَلَّيْتُمْ فَإِنَّمَا عَلَىٰ رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ» (نباغین / ۱۲)

و خدا را اطاعت کنید و فرستاده [خدا] را اطاعت کنید؛ و اگر روی برتابید پس بر عهده فرستاده ما فقط رساندن [پیام روشنگر و آشکار است.

«لَا يَكُونُ دُولَهُ بَيْنَ الْأَعْتَابِ مِنْكُمْ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (حشر / ۷)

تا (ثروت‌ها) در میان توانگران شما [دست به دست نگردد و آنچه را فرستاده [خدا] برای شما آورده پس آن را بگیرید (و اجرا کنید)، و آنچه شما را از آن منع کرد پس خودداری کنید؛ و [خودتان را] از [عذاب خدا حفظ کنید که خدا سخت کیفر است.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۰۱

«بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (نحل / ۴۴)

(پیامبران را) با دلیل‌های روشن (معجزه آسا) و نوشته‌های متین (فرستادیم). و آگاه کننده (: قرآن) را به سوی تو فرو فرستادیم، تا آنچه را که به سوی مردم فرود آمده، برای آنان روشن کنی؛ و تا شاید آنان تفکر کنند.

هفتم: آیاتی که گفتار و شکوه‌های پیامبر (ص) و نیز به شفاعت ایشان در رستاخیز اشاره می‌کند، از جمله:

«وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَىٰ» (الضحی / ۵)

و حتماً در آینده پروردگارت به تو عطا می‌کند و خشنود می‌شوی.

«وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا» (فرقان / ۳۰)

و فرستاده (خدا) گفت: «ای پروردگار! من! در حقیقت قوم من از این قرآن دوری گزیده‌اند!»

تذکر: البته آیات دیگری نیز در مورد پیامبر (ص) وجود دارد که به همین مقدار اکتفا می‌کنیم.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۰۳

ب. تفسیر مهمترین آیات در مورد پیامبر (ص)

یکم: صفات پیامبر (ص)

۱. شی صفت نورانی پیامبر (ص) و اهداف رسالت او

قرآن کریم در آیات ۴۵ و ۴۶ سوره‌ی احزاب به شش صفت نورانی پیامبر (ص) و اهداف رسالت او اشاره می‌کند و می‌فرماید: **يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا* وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسَيْرًا مُنِيرًا؛** ای پیامبر! در حقیقت ما تو را گواه و مژده‌آور و هشدارگر فرستادیم؛* و (تو را) فراخوان به سوی خدا، با رخصت او، و چراغی روشنی بخش (فرستادیم).

نکات و اشارات

۱. بر طبق آیات قرآن پیامبر اکرم (ص) شاهد اعمال امت خویش، و گواه اعمال پیامبران پیشین است. «۱» یعنی اعمال مسلمانان بر پیامبر (ص) (و امامان (ع)) عرضه می‌شود. «۲»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۰۴

و از طرف دیگر پیامبر اکرم (ص) با اوصاف و برنامه‌هایش گواه حقایق مکتب اسلام است.

۲. پیامبر (ص) هم بشارتگر و هم هشدارگر است، چرا که در برنامه‌های تربیتی لازم است با بیان نعمت‌ها و مژده رسانی، افراد را به سوی آنها تشویق کنیم و نیز با بیان عذاب الهی بدکاران را بترسانیم تا دست از خلافتکاری بردارند.

آری بشارت و هشدار باید همراه هم باشد، چرا که نیمی از وجود انسان طالب منفعت و نیم دیگر دفع کننده ضرر است.

۳. پیامبر (ص) دعوت کننده به سوی خداست و این مرحله‌ای بعد از هشدار و بشارت است، چرا که اینها وسایلی برای آماده کردن افراد برای پذیرش حق است و هنگامی که فرد آماده شد، دعوت به سوی حق می‌شود. «۱»

۴. در این آیه بر رخصت و فرمان الهی تاکید شده است، یعنی دعوت پیامبران به فرمان خداست و آنها چیزی از خود ندارند و بدون رخصت الهی گامی بر نمی‌دارند.

۵. «سراج» به معنای چراغ، و «مُنیر» به معنای نور افشان است، این تعبیر شاید اشاره به معجزات و دلایل حقایق پیامبران باشد. «۲»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۰۵

۶. رسول اکرم (ص) چراغ روشنی بخش است که دل‌ها را به سوی خود جذب می‌کند و تاریکی‌های شرک و کفر را از آسمان روح انسان می‌زداید و شب پرستان را دور می‌سازد.

ای ماه که در گردش، هرگز نشوی لاغر

انوار جلال تو بدریده ضلالت را (کلیات شمس)

۷. نور مایه‌ی رشد گل‌ها، و عامل جمع شدن افراد در گرد آن، و مایه‌ی آرامش افراد درستکار و فرار افراد خلافتکار است.

آری پیامبر اکرم (ص) عامل رشد و حرکت مردم و محور وحدت و مایه‌ی آرامش مومنان است. و نور وجود او دزدان ایمان و دین را فراری می‌دهد.

آموزه‌ها و پیام‌ها

۱. آموزه این آیات برای ما آن است که صفات برجسته و نورانی پیامبر (ص) را بشناسید. (تا از وجود ایشان بیشتر بهرمنند شوید).

۲. پیام آیه‌ی ۴۵ آن است که در برنامه‌ی تربیتی اسلام هشدار و بشارت باهم است.

۳. آموزه‌ی آیه برای رهبران الهی آن است که رهبر گواه (و الگوی) مردم باشد.

۴. پیام آیه‌ی ۴۶ آن است که رهبران الهی ستاره‌های نورافشان آسمان هدایت هستند.

۵. آموزه‌ی آیه آن است که دعوت به خدا هم، با اجازه‌ی خدا باشد.

۶. پیام دیگر آیه آن است که مردان الهی (مردم را) به سوی خدا خوانند (نه به سوی خود).

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۰۶

۲. دلسوزی و رنج‌های پیامبر اسلام (ص) برای مردم

قرآن کریم در آیه‌ی ۱۲۸ سوره‌ی توبه به دلسوزی و رنج‌های پیامبر اسلام (ص) برای مردم اشاره کرده و می‌فرماید:

لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ؛ بیقین، فرستاده‌ای از خودتان به سوی شما آمد که رنج‌های شما بر او سخت است؛ (و) بر (هدایت) شما حریص است؛ (و نسبت) به مؤمنان، مهربانی مهرورز است.

نکات و اشارات

۱. برخی مفسران بر آنند که دو آیه‌ی آخر سوره‌ی توبه، آخرین آیاتی است که بر پیامبر (ص) فرود آمد. «۱» که در واقع اشاره‌ای به تمام مسائلی است که در این سوره آمده است.

۲. در آیه‌ی فوق فرمود: «پیامبر از شماست» بلکه فرمود: «پیامبر از خودتان است.» گویی پیامبر پاره‌ای از جان مردم و روح جامعه است که در شکل فرستاده‌ی خدا ظاهر شده است. و از این رو با دردها و مشکلات آنان آشناست و شریک غم‌های آنان است.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۰۷

۳. واژه‌ی «حریص» در اصل به معنای شدت علاقه به چیزی است. و در آیه‌ی فوق فرمود: «پیامبر حریص بر شماست» یعنی به هرگونه خیر و سعادت و پیشرفت شما عشق می‌ورزد. «۱»

۴. آیه‌ی فوق اشاره دارد که اگر پیامبر (ص) دستورهای مشکل و فرمان جهاد با امپراطوری روم می‌دهد و با کفر و نفاق به شدت برخورد می‌کند، در حقیقت یک نوع محبت و لطف اوست و او به آزادی، شرف، عزت و هدایت و پاکسازی جامعه‌ی شما عشق می‌ورزد.

۵. واژه‌ی «رؤوف» اشاره به محبت و لطف مخصوص در مورد فرمانبرداران است و واژه‌ی «رحیم» اشاره به رحمت در برابر گناهکاران است.

ولی این دو واژه، هنگامی که جداگانه استعمال شود ممکن است به یک معنا باشد.

آموزه‌ها و پیام‌ها

۱. پیام آیه آن است که پیامبر اکرم (ص) در هدایت مردم سر از پا نمی‌شناخت و غمخوار و دوستدار مؤمنان بود. (شما نیز اینگونه باشید.)

۲. آموزه‌ی آیه آن است که رهبر اسلامی، از مردم، غمخوار مردم، علاقمند به مردم و دلسوز مؤمنان می‌باشد.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۰۸

۳. عظمت قلم و نوشتار و اخلاق برجسته‌ی پیامبر (ص)

قرآن کریم در آیات اول تا هفتم سوره‌ی قلم به عظمت قلم و نوشتار و اخلاق برجسته‌ی پیامبر (ص) اشاره می‌کند و با هشدار به مخالفان او می‌فرماید:

نَوَالِقَمٍ وَمَا يَسْطُرُونَ * مَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ * وَإِنَّ لَكَ لَأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ * وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ * فَسَتُبْصِرُ وَيُبْصِرُونَ * بِأَيْكُمُ الْمُقْتُونَ * إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ؛ نون، سوگند به قلم و آنچه می‌نویسند! * که تو نسبت به نعمت پروردگارت دیوانه نیستی، * و قطعاً برای تو پاداشی بی‌پایان است. * و مسلماً تو بر شیوه (اخلاقی) بزرگوارانه‌ای هستی. * پس بزودی می‌بینی و می‌بینند، * که کدام یک از شما (دیوانه) فریب خورده‌اید! * برآستی که پروردگارت خود، به کسی که از راهش گمراه

گشته داناتر است؛ و (همچنین) او به (حال) ره‌یافتگان داناتر است.

نکات و اشارات

۱. پیامبر اکرم (ص) خود چیزی نمی‌نوشت تا مبدا شبهه‌ای در مورد اعجاز قرآن پیش آید، و در محیط جزیره العرب زندگی می‌کرد که تعداد افراد با سواد آن به بیست نفر نمی‌رسید، اما قرآنی را برای بشریت به ارمغان آورد که با واژه‌ی «بخوان» شروع شد؛ «۱» و به قلم و نوشتار سوگند یاد می‌کرد؛ از این رو مبدأ پیدایش تمدنی عظیم در جهان شد!

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۰۹

۲. مخالفان اسلام به پیامبر اکرم (ص) تهمت جنون می‌زدند، در حالی که خدا به ایشان نعمت‌های فراوان همچون نعمت عقل، درایت، امانت، راستی، علم، نبوت و عصمت و اخلاق برجسته عطا کرده بود، ولی مخالفان اسلام این حقایق را نمی‌دیدند، از این رو به آنان هشدار می‌دهد که بزودی خواهید دید چه کسی فتنه زده و جن زده و دیوانه است.

آری آیندگان تعالیم عالی پیامبر اسلام (ص) و عقاید خرافی و شرک آلود مشرکان را می‌بینند و در مورد آنها داوری می‌کنند، که عاقل و دیوانه‌ی واقعی کیست.

پیدا شود که مرد کدام است و زن کدام

در تنگنای حلقه مردان به روز جنگ (سعدی)

۳. در برخی احادیث حکایت شده: هنگامی که قریش دیدند پیامبر (ص) علی (ع) را بر دیگران مقدم شمرد، به سرزنش علی (ع) پرداختند و گفتند: محمد فتنه زده و دیوانه‌ی او شده است، از این رو آیات فوق فرود آمد و تهمت جنون را از پیامبر (ص) دفع کرد. «۱»

البته روشن است که شأن نزول آیه، موجب انحصار معنا در یک مورد نمی‌شود، بلکه مشرکان بارها تهمت جنون به پیامبر (ص) زدند و قرآن به همه‌ی آنها پاسخ می‌دهد.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۱۰

۴. واژه‌ی «خُلِقَ» از «خَلَقَ»، و به معنای صفاتی است که از انسان جدا نمی‌شود و همچون آفرینش انسان در درون او آفریده شده است.

آری اگر انسان با برخی حالات و صفات همراه شود و تمرین کند کم درون جانش جای می‌گیرد و خُلُق او می‌شود و روح و باطن او را شکل می‌دهد.

۵. در این آیات به اخلاق برجسته پیامبر (ص) اشاره شده است همان اخلاقی که برخی آن را معجزه‌ی اخلاقی پیامبر (ص) نامیده‌اند؛ همان اخلاقی که در برخوردهای فردی و اجتماعی پیامبر (ص) ظاهر گشت، همچون عفو عمومی مکیان پس از فتح مکه و بعد از آن همه آزار نسبت به پیامبر و مسلمانان.

۶. در حدیثی از امام علی (ع) حکایت شده که ویژگی‌های اخلاقی پیامبر (ص) چنین بود: همیشه خوش رو و ملایم بود، هرگز خشن، سنگدل، پرخاشگر، بدزبان، عیب جو و مدیحه‌گر نبود. هیچ کس از او مأیوس نمی‌شد و هر کس به در خانه‌ی او می‌آمد مأیوس باز نمی‌گشت، سه چیز را از خود رها کرده بود: مجادله در سخن، پرگوئی و دخالت در کاری که به او مربوط نبود. و سه چیز را در مورد مردم رها کرده بود: کسی را سرزنش نمی‌کرد، از لغزش‌ها و عیوب پنهانی مردم جستجو نمی‌کرد ... هرگاه فرد ناآشنا و ناآگاه با او تندی می‌کرد و درخواستی می‌نمود تحمل می‌کرد و ... و هرگز سخن کسی را قطع نمی‌کرد تا سخنش پایان گیرد. «۱»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۱۱

۷. در حدیثی از پیامبر (ص) حکایت شده: «من برای تکمیل کردن فضائل و کرامت‌های اخلاق برانگیخته شدم». «۱»
و در حدیث دیگری از آن حضرت حکایت شده: «هیچ چیز در میزان عمل سنگین‌تر از حُسن خُلق نیست» «۲» و اینکه: «محبوب‌ترین شما نزد خدا کسی است که اخلاقش از همه بهتر است، کسانی که فروتن هستند و با دیگران انس می‌گیرند دیگران نیز با آنان انس می‌گیرند.»

ضمن ندیدم در جهان جستجو

هیچ اهلیت به از خلق نکو (مولوی)

آموزه‌ها و پیام‌ها

۱. پیام آیات آن است که رهبر اسلام در معرض تهمت مخالفان است. (از او دفاع کنید!)

۲. پیام دیگر آیات آن است که خدا از رهبر اسلام دفاع می‌کند و به او پاداش می‌دهد.

۳. پیام دیگر آیات آن است که حقایق بزودی روشن می‌شود و مخالفان اسلام نیز آن را می‌بینند. (و نمی‌توانند انکار کنند).

۴. آموزه‌ی آیات آن است که پیامبر اکرم (ص) اخلاق برجسته‌ای دارد (پس اخلاق او را بیاموزید و سرمشق خود قرار دهید).

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۱۲

۴. سوگند و تاکید بر گذشته‌ی پیامبر اسلام و الطاف الهی نسبت به او

قرآن کریم در آیات اول تا هشتم سوره‌ی ضحی با سوگند و تاکید، به گذشته‌ی پیامبر اسلام و الطاف الهی نسبت به او و نعمت‌هایی که در آخرت به وی عطا می‌کند اشاره کرده و می‌فرماید:

«وَالضُّحَىٰ * وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَىٰ * مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَىٰ * وَلَلْآخِرَةُ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَىٰ * وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَىٰ * أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَىٰ * وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَىٰ * وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَىٰ * سوگند به نيمروز! * سوگند به شب هنگامی که آرام گیرد! * که پروردگارت تو را رها نکرده و (با تو) به سختی دشمنی نورزیده است. * و مسلماً (سرای) آخرت برای تو از (سرای) نخستین بهتر است. * و حتماً در آینده پروردگارت به تو عطا می‌کند و خشنود می‌شوی. * آیا تو را یتیم نیافت و پناه داد؟! * و تو را گم گشته یافت و راهنمایی کرد، * و تو را فقیر یافت و توانگر ساخت،»

شأن نزول

داستان نزول این سوره را اینگونه حکایت کرده‌اند که مدتی (بین سه تا پانزده روز) وحی بر پیامبر (ص) فرود نیامد، مشرکان بر پیامبر ایراد گرفتند که پروردگارش او را رها کرد، و دشمن داشته است و اگر او راست می‌گوید پس چرا وحی مرتب بر او نازل نشد.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۱۳

در اینجا بود که سوره فوق فرود آمد (و به سخنان آنان پاسخ داد). «۱»

نکات و اشارات

۱. در این آیات به نيمروز و شب، سوگند یاد شده است، تا اهمیت مطلب بعد را مورد تأکید قرار دهد و توجه انسان‌ها را به روز و شب جلب کند تا در مورد این دو پدیده، مطالعه و دقت بیشتری نمایند.

نيمروز هنگامی که آفتاب برآید و نور و گرما همه جا را فرا گیرد، به جهانیان جان تازه‌ای می‌بخشد؛ و شب، هنگامی که تاریک و آرام شود زمینه‌ی استراحت و آرامش همه‌ی موجودات را فراهم می‌سازد.

۲. همان‌طور که در نظام هستی شب و روز وجود دارد در نظام نزول وحی نیز گاهی همچون روز است و نور وحی بر قلب پیامبر می‌تابد؛ و گاهی همچون شب است و برای مدتی نور وحی قطع می‌شود. آری گاهی وحی الهی قطع می‌شد تا روشن شود که پیامبر اسلام از خود اختیاری ندارد و همه چیز به دست خداست.

۳. در این آیات به سرگذشت پیامبر اکرم (ص) و دوران کودکی او اشاره شده است، پیامبر در دوران کودکی مشکلات فراوانی را پشت سر گذاشت، هنگامی که در شکم مادر بود، پدرش عبدالله از دنیا رفت و در آغوش جدش

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۱۴

عبدالطلب پرورش یافت، شش ساله بود که مادرش از دنیا رفت، و هشت ساله بود که جدش عبدالطلب نیز از دنیا رفت، و این یتیم مکه تنها ماند؛ ولی خدا محبت او را به قلب عمویش ابوطالب انداخت و مورد حمایت او قرار گرفت و تا آخر عمرش از پیامبر و دین اسلام حمایت کرد.

آری خدا در دوران کودکی و یتیمی که پیامبر نیازمند بود به او لطف کرد. و او را تنها رها نکرد و به او خشم نمود.

۴. پیامبر اسلام (ص) فقیر بود، ولی خدا همسری همچون خدیجه را بر سر راه او قرار داد تا ثروت سرشار خود را در راه محمد (ص) و دین او مصرف کند و بعد از پیروزی اسلام نیز غنایم زیادی نصیب مسلمانان و پیامبر (ص) شد که برای ادامه‌ی راه پیشرفت اسلام مورد استفاده قرار گرفت.

۵. در برخی احادیث از امام رضا (ع) حکایت شده است که در مورد آیات فوق فرمودند: «آیا تو را یتیم یعنی فردی بی‌نظیر در میان مخلوقات نیافت، «۱» سپس مردم را در پناه تو قرار داد؟ و تو را گمشده و ناشناخته در میان مردم کرد، و تو را فردی عیالوار یافت که سرپرست اقوامی در علم و دانش هستی و آنها را بوسیله‌ی تو بی‌نیاز ساخت.» «۲»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۱۵

البته اینگونه احادیث به برخی از بطن آیه اشاره دارد، یعنی مفهوم یتیمی و گمگشتگی و عیالمندی را توسعه داده است به طوری که شامل موارد فوق بشود.

۶. واژه‌ی «ضال» گاهی به معنای گمراه است، یعنی کسی که از ایمان به دوراست که مسلماً این معنا در اینجا مقصود نیست؛ و گاهی به معنای ناآگاه است، «۱» یعنی کسی که از نبوت آگاه نبود و خدا او را آگاه ساخت و گاهی به معنای گمگشته است، یعنی پیامبر در کودکی چند بار گم شد در دره‌های مکه، در راه مکه و نیز در مسیر شام، راه خود را گم کرد ولی خدا او را راهنمایی کرد و به محل خود بازگرداند.

و گاهی واژه‌ی «ضال» به معنای پنهان می‌آید، «۲» یعنی پیامبر در میان مردم پنهان و بی‌نام و نشان بود و خدا او را به همه‌ی مردم معرفی کرد و مردم را به سوی او راهنمایی نمود (همان‌طور که در حدیث امام رضا (ع) بدان اشاره شده بود).

البته مانعی ندارد که آیه‌ی فوق به سه معنای اخیر اشاره داشته باشد، هر چند که معنای گمگشته با سیاق آیات سازگارتر است.

۷. در این آیات بیان شده که آخرت برای پیامبر (ص) از دنیا بهتر است، یعنی پیامبر در دنیا مورد الطاف الهی است اما در آخرت این لطف بیشتر پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۱۶

می‌شود. و به تعبیر دیگر هر چه زمان بیشتر می‌گذرد لطف الهی نسبت به پیامبر (ص) بیشتر می‌شود و در اواخر عمر پیامبر بهتر می‌شود و اسلام گسترش می‌یابد و نهال توحید بارورتر می‌گردد.

۸. در این آیات یکی از الطاف اخروی خدا نسبت به پیامبر (ص) بیان شده است، خدا در آخرت آنقدر به پیامبر لطف می‌کند و به او می‌بخشد تا راضی شود. البته خشنودی پیامبر در گرو سود شخصی تنها نیست، بلکه وی هنگامی راضی می‌شود که امتش مورد شفاعت قرار گیرند. از این رو از اهل بیت (ع) حکایت شده که این آیه امیدبخش‌ترین آیه‌ی قرآن است. «۱»

۹. مقام شفاعت پیامبر (ص) به خاطر مقامات الهی و زحمات ایشان برای مردم است، بنابراین مقام شفاعت مخصوص ایشان نیست بلکه هر کس صفات رهبر الهی همچون پیامبر (ص) را دارد می‌تواند نسبت به مردم شفاعت کند؛ یعنی هر کس در دنیا برای خشنودی خدا تلاش کرد در آخرت به وسیله عطایای الهی (از جمله شفاعت) خشنود می‌شود.

۱۰. در حدیثی از امام علی (ع) حکایت شده که پیامبر (ص) فرمود: «روز رستاخیز من در ایستگاه شفاعت می‌ایستم، و آنقدر گناهکاران را شفاعت می‌کنم که خدا می‌گوید: آیا راضی شدی یا محمد؟! و من می‌گویم: راضی شدم راضی شدم!» (۲)

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۱۷

آموزه‌ها و پیام‌ها

۱. پیام آیه‌ی سوم آن است که خدا رهبران الهی را تنها نمی‌گذارد، و مورد خشم قرار نمی‌دهد. (پس دشمنان دین دست از ایرادگیری بردارند).

۲. پیام آیه‌ی چهارم و پنجم آن است که فرجام کار رهبران الهی بهتر از حال آنان است.

۳. پیام دیگر آی-- ات آن اس-- ت ک-- ه-- ره-- بران الهی در رستاخیز مقام شفاعت دارند.

۴. پیام دیگر آیات آن است که هر کس در دنیا برای خشنودی خدا گام برداشت خدا در آخرت او را خشنود می‌سازد.

۵. پیام آیات ششم تا هشتم آن است که خدا پیامبر را از کودکی تحت لطف و حمایت خویش قرار داده است. (تا رهبری لایق برای اسلام تربیت شود و به حمایت یتیمان و فقرا برخیزد).

۶. آموزه‌ی آیات آن است که در هنگام یتیمی، گمگشتگی، و فقر به کمک دیگران بشتابید.

۷. آموزه‌ی دیگر آیات آن است که خدا پناهگاه، هدایتگر و بی‌نیاز کننده شماست. (پس به او تکیه کنید و از او استمداد بطلبید).

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۱۸

۵. پیامبر طه

خدای متعال اولین آیه‌ی سوره‌ی طه را با حروف مقطعه «طه» آغاز می‌کند و می‌فرماید:

«طه؛ طا، ها.»

نکات و اشارات

۱. حروف مقطعه قرآن یا رمزی بین خدا و پیامبر (ص) است و یا اشاره به آن است که قرآن از همین حروف معمولی ساخته شده است. و در همان حال معجزه‌ای است که کسی نمی‌تواند مثل آن را بیاورد.

۲. برخی مفسران برآنند که واژه‌ی «طه» در ادبیات عرب به معنای «ای مرد» بوده است. که در اینجا خطاب به پیامبر اکرم (ص) است. (۱)

۳. در برخی احادیث از امام صادق (ع) حکایت شده: «طه» از نام‌های پیامبر اکرم (ص) است که معنای آن این است: «ای طالب حق و هدایت کننده به سوی آن» (۲)

و شاید از همین روست که واژه‌ی «طه» به صورت اسم خاص پیامبر (ص) در آمده است، تا آنجا که خاندان پیامبر را «آل طه» می‌نامند. و از حضرت مهدی «عج» با عنوان «ای پسر طه» یاد می‌شود. (۳)

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۱۹

۶. اشاره به هدف نزول قرآن، بر پیامبر (ص) و زحمات زیاد ایشان

خدای متعال در آیات دوم و سوم سوره‌ی طه با اشاره به هدف نزول قرآن، به پیامبر (ص) سفارش می‌کند که خود را به زحمت نیفکند و می‌فرماید:

«مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَىٰ * إِلَّا تَذَكَّرَ لِمَنْ يَحْشَىٰ؛ قرآن را بر تو فرو نفرستادیم تا به زحمت افتی. * جز بخاطر اینکه برای کسی که (از مجازات) می‌هراسد، یاد آوری باشد.»

شأن نزول

داستان نزول این آیات را اینگونه حکایت کرده‌اند که پیامبر اکرم (ص) بعد از نزول قرآن بر ایشان، بسیار عبادت می‌کرد، به طوری که پاهای او از ایستادن متورم می‌گردید، این آیات فرود آمد و به ایشان سفارش کرد که خود را زیاد به رنج و زحمت نیندازد. «۱» نکات و اشارات

۱. در این آیات به پیامبر اکرم (ص) سفارش می‌کند که خود را به زحمت نیفکند، چرا که نیایش با پروردگار نیکوست، اما لازم نیست انسان خود را به زحمت و رنج اندازد تا آنجا که پاهایش متورم گردد، و نیرویی برای کارهای دیگر و تبلیغ باقی نماند.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۲۰

۲. هر چند که شأن نزول این آیات در مورد به زحمت افتادن پیامبر (ص) در هنگام عبادت است، ولی مانعی ندارد که مطلب آیه شامل موارد دیگر هم بشود. یعنی ما قرآن را نفرستادیم تا تو در زندگی اجتماعی و تبلیغ مردم خودت را به زحمت اندازی، بلکه وظیفه‌ی تو یادآوری مطالب و رساندن آیات به گوش مردم است. و اگر لجاجت کردند خودت را به زحمت نینداز.

۳. از این آیات استفاده می‌شود که قرآن برای یادآوری به مردم است، یعنی مایه‌ی اصلی تعلیمات الهی در درون جان و فطرت انسان وجود دارد، و فقط یادآوری لازم دارد.

۴. از این آیات استفاده می‌شود که اگر کسی احساس مسئولیت نکند و از مقام و عذاب الهی نترسد، حقایق و آیات الهی را نمی‌پذیرد، یعنی قابلیت قابل برای بارور شدن هر بذری شرط است. «۱»

دوم: رسالت پیامبر (ص)

۱. رحمت جهانی پیامبر اکرم (ص) و رسالت توحیدی او

قرآن کریم در آیات ۱۰۷ و ۱۰۸ سوره‌ی انبیاء به رحمت جهانی پیامبر اکرم (ص) و رسالت توحیدی او اشاره می‌کند و می‌فرماید:

«وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ * قُلْ إِنَّمَا يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهٌ وَحِدٌ فَهَلْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ؛ و تو را جز رحمتی برای جهانیان

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۲۱

نفرستادیم. * بگو: «فقط به سوی من وحی می‌شود که معبود شما معبودی یگانه است؛ پس آیا شما تسلیم می‌شوید؟!»

نکات و اشارات

۱. در این آیه به یکی از بزرگترین صفات پیامبر (ص) اشاره می‌کند و او را رحمت فراگیر الهی می‌نامد، رحمتی که سراسر جهان را فراگرفته و همه‌ی انسان‌ها می‌توانند از آن استفاده کنند.

پیامبر مهر (ص) همچون پزشک متخصص و بزرگواری است که دانش خود را در اختیار همه‌ی انسان‌های جهان قرار داده است؛

ولی برخی از آن استفاده می‌کنند و به سلامت و سعادت نائل می‌شوند، و برخی دیگر لجوجانه از او روی بر می‌تابند و راه بیماری‌های کفر، شرک و آلودگی‌های اخلاقی را ادامه می‌دهند. «۱»

۲. واژه‌ی «عالمین» به معنای فراگیر بودن رحمت الهی برای جهانیان است و این تعبیر به خاتمیت پیامبر اکرم نیز اشاره دارد، چراکه وجودش تا پایان جهان، برای همه‌ی مکان‌ها و زمان‌ها و افراد بشر، رحمت است.

۳. در این آیات به اصل اساسی رحمت پیامبر (ص) اشاره شده است که همان توحید است.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۲۲

توحید در اعتقاد، توحید در عمل، توحید در اجتماع، توحید در قانون و توحید در عبادت.

اصل توحید همچون روحی در کالبد همه‌ی اجزای دین، دمیده شده است. و رشته‌ی محکم پیوند آنها است. تمام اصول، فروع و معارف دین از توحید سرچشمه می‌گیرد و به آن باز می‌گردد. «۱»

۴. در این آیه واژه‌ی حصر «أئما» به کار رفته است، یعنی می‌فرماید: تنها چیزی که به من وحی می‌شود توحید است. در حالی که می‌دانیم مطالب زیادی به پیامبر (ص) وحی می‌شده است. این مطلب یا بخاطر آن است که حصر اضافی است، یعنی فقط معبود بودن خدای یکتا به من وحی می‌شود نه معبودان دیگر.

و یا مقصود آن است که توحید سرچشمه و در بردارنده‌ی همه معارف دین است.

آموزه‌ها و پیام‌ها

۱. پیام آیه‌ی اول برای ما آن است که پیام پیامبر اکرم (ص) برای جهانیان، رحمت است و او پیامبر مهر است.

۲. پیام آیه‌ی دوم برای ما آن است که محور رسالت پیامبر اسلام، توحید و تسلیم در برابر آن است.

۳. آموزه‌ی آیه برای رهبران الهی و مبلغان دینی آن است که همچون پیامبر، برای مردم مایه‌ی رحمت باشید.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۲۳

۲. الگو بودن پیامبر (ص)

قرآن کریم در آیه‌ی ۲۱ سوره‌ی احزاب به الگو بودن پیامبر (ص) اشاره می‌کند و می‌فرماید:

«لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا؛ بیقین برای شما در (روش) فرستاده خدا،

(الگوی برای) پیروی نیکوست! برای کسانی که امید به خدا و روز بازپسین دارند و خدا را بسیار یاد می‌کنند.»

نکات و اشارات

۱. در جنگ احزاب گروه‌ها و افراد مختلفی شرکت کردند، همچون پیامبر (ص)، مومنان، مشرکان، منافقان، یهودیان و افراد سست ایمان؛ که هر کدام برنامه و واکنش خاصی داشتند، و در این میان رفتار پیامبر (ص) کاملاً ممتاز بود، به طوری که حتی الگویی برای همه‌ی مسلمانان در طول تاریخ شد.

۲. واژه‌ی «اسوه» به معنای آن حالتی است که انسان در هنگام پیروی از دیگری به خود می‌گیرد. «۱» یعنی همان حالت پیروی کردن و اقتدا نمودن (به یک الگو و سرمشق) است. «۲» که در اینجا پیروی کردن از پیامبر (ص) مقصود است.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۲۴

۳. پیامبر اکرم (ص) در همه‌ی زندگی و همه‌ی زمینه‌ها الگوی خوبی بود.

او در برابر مشکلات شکیبیا و پر استقامت بود.

او فردی هوشیار و با اخلاص بود.

او رهبری بود که در برابر سختی‌ها زانو نمی‌زد و ناخدایی بود که کشتی جامعه را هدایت می‌کرد.

او رهبری بود که همچون مردم عادی کلنگ به دست می‌گرفت و خندق حفر می‌کرد و در جنگ شرکت می‌نمود.

او رهبری بود که مردم را به یاد خدا می‌انداخت و با تشویق و مژده‌ها، دیگران را شاد و دلگرم می‌ساخت.

او سرمشق عملی مسلمانان و پناه آنان در جنگ‌ها بود؛ از امام علی (ع) حکایت شده که هرگاه آتش جنگ سخت شعله‌ور می‌شد

ما به رسول خدا پناه می‌بردیم که هیچ یک از ما از او به دشمن نزدیک‌تر نبود. «۱»

۴. در این آیه پیروی و الگوبودن پیامبر (ص) بطور مطلق آمده است که همه‌ی زمینه‌ها، جنگی و غیر آن را شامل می‌شود.

از این رو عبادات و نظم و نظافت و تقوا و توکل و اخلاص و شجاعت او برای ما الگوست. و پیروی از او سازنده و سعادت آفرین

است و می‌تواند زندگی ما را متحول سازد.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۲۵

آینه جان نیست الا روی یار

روی آن یاری که باشد ز آن دیار (مولوی)

۵. رفتارها و گفتارهای پیامبر (ص) چند گونه بوده است:

الف: سخنان و اعمال دینی پیامبر (ص) که به عنوان قرآن و سنت از آنها یاد می‌شود، و پیروی از آنها واجب یا مستحب است.

ب: سخنان و اعمال زندگی عادی و روزمره‌ی پیامبر (ص) به عنوان یک انسان در آن عصر، همچون سوار شتر شدن و غذاهای

مرسوم را طبخ کردن و خوردن.

اینگونه رفتارها تابع شرایط زمان و مکان است، و در این موارد باید روح این امور را بگیریم و براساس شرایط زمان و مکان عمل

کنیم.

برای مثال ایشان غذای ساده و نیکو می‌خورد و در سفر از مرکب استفاده می‌کرد، ما نیز چنین می‌کنیم؛ ولی این بدان معنا نیست که

ماهم سوار شتر شویم و یا غذای مرسوم عرب آن زمان را بخوریم.

۶. در این آیه بیان شده الگوبودن پیامبر (ص) برای کسانی است که سه شرط را دارا باشند و این زمینه‌ها را در خود آماده سازند:

اول آنکه امید به خدا و رحمت او داشته باشند.

دوم آنکه امید به رستخیز داشته باشند.

سوم آنکه بسیار به یاد خدا باشند.

آری امید به خدا و معاد عوامل انگیزه ساز و حرکت آفرین هستند؛ و یاد خدا به این حرکت تداوم می‌بخشد.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۲۶

کسی که به خدا و رستخیز ایمان نداشته باشد یا آنقدر آلوده باشد که از رحمت خدا و نعمت‌های رستخیز مأیوس باشد، نمی‌تواند

در مسیر پیامبر (ص) حرکت کند. و کسی که به یاد خدا نباشد، شیاطین رهن، او را منحرف می‌کنند و از ادامه‌ی مسیر باز می‌دارند.

۷. در احادیث از امام صادق (ع) حکایت شده: هر بنده‌ای در روز، پروردگارش را صد بار یاد کند، این مصداق یاد فراوان است

(که در این آیه به آن اشاره شده است). «۱»

۸. مقصود از یاد خدا، فقط گفتن الفاظ نیست بلکه یاد قلبی و عملی را هم شامل می‌شود. یعنی هنگامی که انسان در برابر کار حرامی

قرار می‌گیرد به یاد خدا بیفتد و آن را ترک کند.

به تعبیر دیگر خدا در همه‌ی زندگی انسان حضور داشته باشد.

آموزه‌ها و پیام‌ها

۱. پیام آیه آن است که شما در زندگی نیازمند الگو هستید.
۲. آموزه‌ی این آیه برای ما آن است که رهبر اسلام را الگوی زندگی خود قرار دهید.
۳. پیام آیه آن است که امید به خدا، رستخیز و فراوان به یاد خدا بودن، شرایط الگوپذیری از پیامبر (ص) است.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۲۷

۳. قلمرو جهانی رسالت پیامبر اسلام (ص) و اهداف او

قرآن کریم در آیه‌ی ۲۸ سوره‌ی سبأ به قلمرو جهانی رسالت پیامبر اسلام (ص) و اهداف او اشاره می‌کند و می‌فرماید: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ؛ و تورا جز برای همه مردم نفرستادیم درحالی که بشارتگر و هشدارگری؛ و لیکن بیشتر مردم نمی‌دانند.»

نکات و اشارات

۱. واژه «کافه»، در اصل به معنای کف دست است و از آنجا که انسان وسایل را با دست خود جمع می‌کند یا از خود دور می‌کند، این واژه به معنای «جمع کردن» یا «منع کردن» آمده است. و هر دو معنا در آیه‌ی فوق به این ترتیب تصور می‌شود: الف: بنابر معنای جمع کردن، آیه‌ی فوق به جهانی بودن رسالت پیامبر اشاره کرده و می‌فرماید: «متورا جز برای مجموع مردم جهان نفرستادیم.» (۱)

ب: بنابر معنای منع کردن، معنای آیه فوق اینگونه می‌شود: «ما تورا فقط بعنوان پیامبری بازدارنده برای مردم فرستادیم.» (۲) البته معنا و تفسیر اول با ظاهر آیه «۳» و احادیث سازگارتر است.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۲۸

۲. از اهل بیت (ع) حکایت شده که با استشهاد به آیه‌ی فوق فرمودند:

پیامبر (ص) برای اهل شرق و غرب و اهل آسمان و زمین و جنیان و انسان‌ها و سفید و سیاه فرستاده شده است. (۱)

۳. در این آیه آمده: هدف رسالت پیامبر (ص) هشدارگری و مژده‌رسانی است چرا که انسان دارای دو غریزه‌ی «جلب منفعت» و «دفع زیان» است، از این رو با «مژده» به بهشت و نعمت‌های الهی و «هشدار» نسبت به دوزخ و عذاب‌های آن، هر دو غریزه‌ی انسان را تحریک می‌کند؛ و او را متعادل می‌سازد.

۴. جهانی بودن رسالت پیامبر اکرم (ص)، با کامل بودن دین اسلام و خاتمیت پیامبر (ص) در ارتباط است. یعنی دین اسلام با هر شرایط زمانی و مکانی و با اقتضائات همه‌ی افراد بشر منطبق می‌شود. و سعادت دنیوی و اخروی آنان را تأمین می‌کند.

آموزه‌ها و پیام‌ها

۱. پیام آیه آن است که رسالت پیامبر اکرم مرزهای جغرافیایی و زمانی ندارد بلکه جهانی است.
۲. آموزه‌ی آیه آن است که در تبلیغات دینی مژده‌رسانی و هشداردهی، هر دو لازم است.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۲۹

۳. پیام دیگر آیه آن است که بیشتر مردم، نسبت به حقیقت رسالت جهانی اسلام، آگاهی ندارند.

۴. پیروزی نهایی پیامبر اسلام (ص) بر همه‌ی ادیان و جهانی‌سازی اسلامی

قرآن کریم در آیه‌ی ۲۸ سوره‌ی فتح به پیروزی نهایی اسلام بر همه‌ی ادیان و جهانی‌سازی اسلامی اشاره می‌کند و می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا؛ او کسی است که فرستاده‌اش را با هدایت و دین حق فرستاده تا آن را بر همه دین [ها] پیروز گرداند؛ و گواهی خدا کافی است.» نکات و اشارات

۱. در آیه‌ی قبل این سوره، وعده‌ی پیروزی کوتاه مدت مسلمانان در مورد فتح خیر بیان شده، در این آیه پیروزی دراز مدت اسلام بر جهان را وعده می‌دهد؛ پیروزی‌هایی که بدنبال صلح حدیبیه یکی پس از دیگری تحقق می‌یابد و روشن می‌سازد که این صلح فتح المبین اسلام بود.

۲. در اینجا این پرسش مطرح است که پیروزی اسلام چگونه خواهد بود و چه زمانی تحقق می‌یابد؟! مفسران در این مورد دو گونه پاسخ داده‌اند:

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۳۰

اول آنکه مقصود پیروزی منطقی و استدلالی اسلام بر ادیان دیگر است که هم اکنون تحقق یافته است.

دوم آنکه پیروزی نظامی و ظاهری بر ادیان دیگر است که تاکنون مناطق وسیعی از جهان و بیش از یک میلیارد نفر تحت پرچم اسلام قرار گرفته‌اند، و در آینده تمام جهان و جهانیان زیر پرچم اسلام می‌آیند همانطور که در آیات قرآن مکرر بر این مطلب تأکید شده است. «۱» این کار در زمان امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تکمیل خواهد شد و نوعی جهانی‌سازی اسلامی تحقق می‌یابد که برای بشریت نتایج مثبتی به بار می‌آورد.

۳. در حدیثی از پیامبر اکرم (ص) حکایت شده: «در روی زمین خانه‌ای و خیمه‌ای باقی نمی‌ماند مگر آنکه خدا اسلام را در آن وارد می‌کند.» «۲»

۴. آیه‌ی فوق نوعی پیشگویی پیروزی نهایی اسلام است، و هر پیشگویی نیاز به گواه و شاهد صدق دارد، که در اینجا خدای متعال خود شاهد و گواه است. و نیاز به شاهد دیگری ندارد.

آموزه‌ها و پیام‌ها

۱. پیام این آیه آن است که پیروزی نهایی از آن اسلام است.

۲. آموزه‌ی آیه برای مسلمانان آن است که به آینده‌ی پیروزمند خویش امیدوار باشید.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۳۱

۳. پیام دیگر آیه آن است که در عصر کنونی پیامبر اکرم (ص)، صاحب هدایت و دین حق است.

۴. پیام دیگر آیه آن است که گواه پیروزی اسلام، خداست.

۵. آموزه دیگر آیه آن است که بدنبال جهانی‌سازی اسلامی باشید.

۵. رسالت پیامبر اسلام (ص)

قرآن کریم در آخرین آیه‌ی سوره‌ی فتح به رسالت پیامبر اکرم و صفات مسلمانان در تورات و انجیل اشاره می‌کند و می‌فرماید: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيَّمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ

مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَرَزَعٍ أُخْرِجَ شَطَأُهُ فَأَزْرَهُ فَأَسَدَتْغَلْظَ فَأَسَدَتْتَوَى عَلَى سَوْقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا؛ محمد (ص) فرستاده خداست؛ و کسانی که با او هستند بر کافران سخت گیر (و) در میان خود مهرورزند؛ آنان را رکوع کنان [و] سجده کنان می‌بینی، درحالی که بخشش و خشنودی‌ای از خدا می‌جویند؛ نشانه آنان در چهره‌هایشان از اثر سجده [نمایان است؛ این مثال آنان در تورات است و مثال آنان در انجیل است، همانند زراعتی که جوانه‌اش را بیرون آورده، پس آن را تقویت کرده و محکم

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۳۲

گرداند، پس بر ساقه‌های خود راست قرارگیرد، در حالی که کشاورزان را شگفت زده کند؛ تا کافران را بخاطر آنان به خشم آورد! خدا به کسانی از آنان که ایمان آوردند و [کارهای شایسته انجام دادند، آمرزش و پاداش بزرگی را وعده داده است.]] نکات و اشارات

۱. در این آیه نام پیامبر اکرم (ص) صریحاً برده شده و او را به عنوان رسول خدا معرفی کرده است، آری او رسول خداست و خدا به این امر گواهی می‌دهد چه مشرکان و مخالفان اسلام بپسندند یا نپسندند.

۲. در این آیه بیان شده که همراهان و پیروان پیامبر (ص) یعنی مسلمانان، در برابر دشمنان اسلام همچون سدی فولادین ایستاده‌اند، اما در میان خودشان به مهر رفتار می‌کنند و با برادران مسلمان خود مهربان هستند و سخت‌گیری نمی‌کنند.

بر سر اغیار چون شمشیر باش

هین! مکن روباه بازی، شیر باش

آتش اندر زن به گرگان چوسپند

ز آن که آن گرگان عدو یوسف‌اند (مولوی)

۳. یکی از ویژگی‌های مسلمانان عبادت آنها است که دورکن اصلی آن رکوع و سجود است که این دو رمز تسلیم در برابر خدا و نفی کننده‌ی غرور و خودخواهی است.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۳۳

آری مسلمان در برابر خدا کرنش و سجده می‌کند تا در برابر غیر او کرنش نکند.

۴. یکی دیگر از صفات مسلمانان آن است که به دنبال خشنودی خدا هستند و پاداش و رزق خود را از او می‌خواهند، نه برای ریاکاری قدم بر می‌دارند و نه انتظار پاداش از مردم دارند، بلکه چشمشان به سوی خدا است.

۵. در این آیه یکی از نشانه‌های پیروان پیامبر (ص) را چهره‌ی عبادی آنها معرفی می‌کند، که اثر سجده در آن است؛ مقصود از اثر سجده یا همان اثر ظاهری سجده در پیشانی است و یا مفهوم گسترده‌تری دارد، یعنی آنان چهره‌ای الهی دارند که بخوبی نشان می‌دهد در برابر خدا، حق، قانون و عدالت تسلیم هستند و این علامت در تمام وجود و زندگی آنان منعکس است. «۱»

و در حدیثی از امام صادق (ع) حکایت شده که مقصود آیه، بیداری شب برای نماز است (که نورانیت آن در روز در چهره نمایان می‌شود).

البته مانعی ندارد که همه‌ی این معانی مقصود آیه باشد.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۳۴

۷. در این آیه بیان شده که مثال و وصف پیروان پیامبر اسلام (ص) در تورات و انجیل آمده است و همین اوصافی که در این آیه بیان شده، قبلاً به موسی و عیسی گفته شده است.

البته ممکن است این اوصاف در تورات و انجیل کنونی یافت نشود، چراکه این دو کتاب دستخوش تغییر و تحریف شده است.

۸. در مثال انجیل پنج وصف برای مسلمانان بیان شده است:

اول آنکه آنان جوانه می‌زنند و رشد می‌کنند و زیاد می‌شوند.

دوم آنکه مسلمانان تقویت می‌شوند و به رشد آنان کمک می‌شود.

سوم آنکه مسلمانان محکم می‌شوند و از حالت ضعف خارج می‌شوند.

چهارم آنکه آنان برپای خود می‌ایستند و بر دیگران تکیه نمی‌کنند و استقلال خود را حفظ می‌کنند.

پنجم آنکه مسلمانان به طور چشمگیر و تعجب آور رشد خواهند کرد که دوستان را به شگفت وامی‌دارند و دشمنان را به خشم می‌آورند.

۹. در این آیه اشاره شد که یاران پیامبر (ص) و مسلمانان به دو گروه مومنان شایسته کردار و غیر آنها تقسیم می‌شوند، «۱» یعنی برخی مسلمانان بر ایمان و عمل صالح پا برجا نمی‌مانند اما گروهی از آنان پا برجا می‌مانند که در این صورت آموزش و پاداش بزرگی در انتظار آنان است.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۳۵

۱۱. تعبیر «کسانی که با پیامبر اسلام (ص) هستند» اشاره به کسانی دارد که در فکر، اخلاق و عمل همراه با پیامبر بودند، که این مطلب شامل اصحاب هم عصر پیامبر و مسلمانان بعد از او می‌شود که خط فکری و عملی و اخلاقی او را ادامه می‌دهند. ولی شامل افراد منافق صفت نمی‌شود که همزمان و همراه ظاهری پیامبر بودند ولی خط فکری و عملی آنها با پیامبر متفاوت بود. آری قرآن بارها اشاره کرده که گروهی از اصحاب پیامبر منافق بودند «۱» و تاریخ بعد از پیامبر هم نشان می‌دهد که همه‌ی اصحاب یکسان و در یک راه نبودند و حتی برخی در جنگ جمل و صفین و نهروان با صحابه‌ی بزرگ پیامبر یعنی علی (ع) جنگیدند، پس نمی‌توان همه‌ی اصحاب پیامبر را عادل و معصوم دانست.

آموزه‌ها و پیام‌ها

۱. آموزه‌ی آیه‌ی فوق برای ما آن است که با کافران سخت گیر و با مسلمانان مهربان باشید.

۲. آموزه‌ی دیگر آیه آن است که عبادت، خدا خواهی، سیمای صالحان داشتن و رشد زیاد از نشانه‌های مسلمانان است.

۳. پیام آیه آن است که مسلمان، باید تقویت شود تا مستقل گردد.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۳۶

۴. آموزه‌ی دیگر آیه آن است که رشدی اعجاب آور داشته باشید تا دوستان را شاد و دشمنان را خشمگین سازید.

۵. پیام دیگر آیه آن است که مؤمنان شایسته کردار، در انتظار آموزش و پاداش بزرگ الهی باشند.

۶. پیام دیگر آیه آن است که همراهی با رسول خدا، مهر و قهر می‌طلبد.

۶. یادآوری اخلاق نیکوی پیامبر (ص)، فرمان عفو عمومی، مشورت و توکل

قرآن کریم در آیه‌ی ۱۵۹ سوره‌ی آل عمران، با یادآوری اخلاق نیکوی پیامبر (ص)، فرمان عفو عمومی، مشورت و توکل را صادر می‌کند و می‌فرماید:

«فِيمَا رَحِمَهُ مِنَ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ؛ و به سبب رحمتی از جانب خدا با آنان نرم خو شدی؛ و اگر (بر فرض) تندخویی سخت دل بودی، حتماً از پیرامونت پراکنده می‌شدند. پس، از آنان درگذر، و برای شان آموزش بخواه؛ و در کار [ها] با آنان مشورت کن؛ و

هنگامی که تصمیم گرفتی، پس بر خدا توکل کن؛ چرا که خدا توکل کنندگان را دوست می‌دارد.»

شأن نزول

داستان نزول آیه‌ی فوق اینگونه حکایت شده که پس از آنکه مسلمانان از جنگ احد به مدینه بازگشتند، برخی از کسانی که از صحنه‌ی جنگ گریخته

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۳۷

بودند، گرد پیامبر اسلام (ص) حلقه زدند و ضمن اظهار ندامت، تقاضای بخشش داشتند. در این هنگام آیه‌ی فوق فرو فرستاده شد و دستور عفو عمومی را صادر کرد، و پیامبر با آغوش باز، خطاکاران را پذیرفت. «۱»

نکات و اشارات

۱. آیه‌ی فوق گرچه به مناسبت جنگ احد فرو فرستاده شده است اما شامل یک سلسله دستورات کلی به پیامبر (ص) است که از نظر محتوا شامل برنامه‌های کلی و اصولی است و منحصر به یک واقعه‌ی خاص نمی‌شود.

۲. در این آیه به دو نوع خشونت اشاره شده است یکی خشونت در سخن و دیگری خشونت در عمل؛ «۲» که هیچکدام از آنها در رفتار پیامبر (ص) نبود و در برابر افراد جاهل و خطاکار نرمش کامل از خود نشان می‌داد. «۳»

۳. از آیه‌ی فوق استفاده می‌شود که نرمش که هدیه الهی است. و کسانی که نرمش ندارند، از این رحمت الهی محرومند. «۴»

۴. تعبیر «آنها را عفو کن و برای آنان طلب آمرزش نما» که در آیه‌ی فوق آمده است اشاره می‌کند که نسبت به بی‌وفایی‌های یاران و مصیبت‌هایی که

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۳۸

برای تو فراهم کردند از حق خود بگذر، یعنی در این مورد من از آنان نزد تو شفاعت می‌کنم، و در مورد نافرمانی‌هایی که نسبت به من کردند، تو نزد من شفیع آنان باش، و آمرزش آنها را از من طلب کن!

این تعبیر اوج محبت خدا را نسبت به بندگان گناهکار نشان می‌دهد.

۵. آیه‌ی فوق به یکی از صفات مهم رهبری اشاره می‌کند که مسئله «گذشت، نرمش و انعطاف» در برابر متخلفانی است که از عملکرد خود پشیمان شده‌اند و از علی (ع) حکایت شده: وسیله‌ی رهبری گشادگی سینه (یعنی صبر و تحمل) است. «۱»

۶. پیامبر (ص) قبل از جنگ احد با مردم مشورت کرد و نظر اکثریت را پذیرفت و برای جنگ به بیرون شهر رفتند، پس از شکست احد، بسیاری فکر می‌کردند که پیامبر دیگر نباید با کسی مشورت کند، ولی آیه‌ی فوق به این طرز تفکر پاسخ داد و باز هم به

پیامبر (ص) دستور داد که با مردم مشورت کن اگر چه در برخی موارد نتایج آن مطلوب نباشد چرا که نتایج سودمند مشورت بیشتر از ضرر آن است.

۷. مشورت و مشاوره در اسلام آنقدر با اهمیت است. که حتی به پیامبر اسلام که عقلی نیرومند داشت و به وحی متصل بود، دستور می‌دهد مشورت کند، مشورت دارای فواید زیادی است که به برخی آنها اشاره می‌کنیم:

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۳۹

الف: نیروی تفکر افراد را در پرورش می‌دهد.

ب: افرادی که مشورت می‌کنند کمتر گرفتار لغزش می‌شوند.

ج: کسانی که در کارها مشورت می‌کنند پس از پیروزی کمتر مورد حسد واقع می‌گردند.

د: کسانی که در کارها مشورت می‌کنند اگر شکست بخورند، زبان اعتراض و ملامت دیگران بر آنان بسته می‌شود. و در عوض دیگران برای او دلسوزی و با او همراهی می‌کنند.

ه- انسان از راه مشورت می‌تواند ارزش شخصیت افراد و میزان دوستی و دشمنی آنها را درک کند.

و: عدم مشورت و استبداد رأی، شخصیت توده‌ی مردم را از بین می‌برد و استعدادهای آماده را نابود می‌کند.

در حدیثی از امام علی (ع) حکایت شده: «هر کس استبداد به رأی داشته باشد، هلاک می‌شود و کسی که با افراد بزرگ مشورت کند در عقل آنان شریک شده است.» (۱)

این خردها چون مصابیح انور است

بیست مصباح از یکی روشنتر است (مولوی)

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۴۰

۸. واژه‌ی «الامر» مفهوم وسیعی دارد و شامل همه کارها می‌شود. پیامبر اکرم (ص) در مورد احکام و قوانین الهی با مردم مشورت نمی‌کرد، بلکه در مورد شیوه‌های اجرائی قوانین و مسائل مربوط به دفاع و جنگ و مانند آن مشورت می‌کرد. و حتی مسلمانان در مقابل پیشنهادات پیامبر، ابتدا سؤال می‌کردند که آیا این یک حکم الهی و قانون است یا نظر شخصی شماست. که در صورت اول جای اظهار نظر نیست. (۱)

پس نتیجه می‌گیریم که اموری مانند عقاید ثابت دینی، احکام شریعت و نصب امام معصوم که از طریق قرآن و دستورات الهی پیامبر به ما رسیده است قابل مشورت و رأی‌گیری نیست. و گر نه اصل تشریح و قانون‌گذاری از طرف خدا لغو و بیهوده خواهد بود. (۲)

۹. نکته‌ی جالب آیه آن است که مشاوره به صورت جمع آمده اما تصمیم‌نهایی به صورت مفرد آمده و به عهده‌ی رهبر اسلام گذاشته شده است.

۱۰. آیه‌ی فوق اشاره می‌کند که در کنار مشورت (و تفکر)، توکل بر خدا فراموش نشود که خدا توکل‌کنندگان را دوست دارد. مقصود از توکل این نیست که انسان وسائل و اسباب عادی را فراموش کند بلکه منظور آن است که انسان خود را در جهان محدود مادی، محصور نکند، بعد از اقدامات عادی و فراهم کردن وسایل، چشم به لطف و حمایت پروردگار بدوزد.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۴۱

آری توکل نوعی آرامش و نیروی روحی و معنوی به انسان می‌بخشد که بهتر می‌تواند با مشکلات روبرو شود.

و حتی از پیامبر اکرم (ص) حکایت شده که به یک نفر فرمود: «اول پای شتر را ببندد سپس توکل کن.» (۱)

گفت پیغمبر به آواز بلند

با توکل زانوی اشتر ببند (مولوی)

۱۱. از این آیه استفاده می‌شود که نظام اجتماعی اسلام بر سه محور: خدا- مردم- رهبری، پایه‌گذاری شده است. یعنی مشورت مردم و اراده‌ی مدیریت جامعه در تصمیم‌سازی‌ها نقش اساسی دارند ولی برای اجرای تصمیمات نباید خدا را فراموش کرد و فقط بر امور مادی تکیه نمود.

آموزه‌ها و پیام‌ها

۱. آموزه‌ی روانشناختی و جامعه‌شناختی برای رهبران الهی و مبلغان دینی آن است که با اخلاق نیکو و عطوفت، مردم را جذب کنید.

۲. پیام این آیه آن است که مهربانی، بخشش، آرمزش خواهی و مشورت، لازمه‌ی رهبری جامعه است.

۳. پیام دیگر آیه آن است که اول مشورت کنید سپس تصمیم بگیرید.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۴۲

۴. آموزه‌ی دیگر آیه آن است که تصمیم نهایی در امور اجتماعی با رهبر و مدیر است.

۵. آموزه‌ی دیگر آیه آن است که در امور اجتماعی با توجه به سه محور، «مردم»، «اراده‌ی رهبری» و «توکل بر خدا» تصمیم‌سازی کنید.

۷. وظیفه‌ی پیامبر (ص) در برابر مخالفان

قرآن کریم در آیه‌ی ۱۵ سوره‌ی شوری با بیان چند برنامه‌ی سازنده، وظیفه‌ی پیامبر (ص) را در برابر مخالفان روشن می‌سازد و می‌فرماید:

«فَلِذَلِكَ فَادُعُ وَاذِيعْتُمْ كَمَا أَمَرْتُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَقُلْ آمَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَأُمرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمْ اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ لِمَا حُجَّجَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ؛ و به همین خاطر، پس تو (مردم را به سوی دین) فراخوان، و همان گونه که فرمان داده شدی پایداری کن، و از هوس‌هایشان پیروی مکن، و بگو: «به کتابی که خدا فرو فرستاده ایمان آوردم و فرمان داده شدم تا در میان شما عدالت (پیشه) کنم؛ خدا پروردگار ما و پروردگار شماست؛ کردارهای ما تنها برای ماست و کردارهای شما تنها برای شماست. هیچ حجت (و بحثی) بین ما و بین شما نیست؛ خدا بین ما و شما جمع می‌کند و فرجام (همه شما) فقط به سوی اوست.»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۴۳

نکات و اشارات

۱. در این آیه اشاره شده که به خاطر اینکه اصول ادیان الهی واحد است، یا بخاطر مخالفت‌های مشرکان با دین و وحدت، مردم را به سوی آیین الهی فراخوان و از تفرقه نجات ده. «۱» و این وظیفه‌ی هر رهبر الهی و مبلغ دینی است.

۲. از این آیه استفاده می‌شود که به پیامبر (ص) دستور استقامت داده شده است، و این یا اشاره به مرحله‌ی عالی استقامت است و یا اشاره به اینکه استقامت باید منطبق با برنامه‌های الهی باشد.

۳. یکی از برنامه‌های رهبران الهی آن است که به تمایلات و منافع شخصی مشرکان توجه نکنند و پیرو آنها نشوند.

۴. در این آیه، به برنامه‌ی سازنده پیامبر (ص) اشاره شده است که:

اول: دعوت مردم به راه خدا.

دوم: استقامت در این راه.

سوم: رفع موانع و عدم پیروی از هوای نفس دیگران.

چهارم: شروع از خود است که بگو من به کتاب‌های آسمانی ایمان آورده‌ام؛ و ادیان الهی دیگر را نفی نمی‌کنم چرا که اصول همه‌ی آنها یکسان است.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۴۴

پنجم: اصل عدالت اجتماعی را رعایت می‌کنم، عدالت در داوری، عدالت اقتصادی و عدالت در حکومت و مانند آن.

آموزه‌ها و پیام‌ها

۱. پیام این آیه آن است که هر چه مخالفان دین و وحدت، تلاش می‌کنند؛ شما مردم را به سوی خدا دعوت کنید و شکیباً باشید.

۲. آموزه‌ی این آیه برای رهبران الهی و مبلغان دینی آن است که در راه دین استقامت ورزید و به دنبال هوای نفس مخالفان نروید.

۳. پیام دیگر آیه آن است که ایمان، عدالت و رستاخیز را به یاد داشته باشید.

۴. آموزه‌ی دیگر آیه آن است که با مخالفان دین اتمام حجت کنید و کار را به قیامت وا گذارید.

سوم: نام‌های پیامبر (ص)

۱. صفات هفتگانه پیامبر اکرم (ص) و آزادی و رستگاری پیروان او

قرآن کریم در آیه‌ی ۱۵۷ سوره‌ی اعراف، به صفات هفتگانه پیامبر اکرم (ص) و آزادی و رستگاری پیروان او اشاره می‌کند و می‌فرماید:

«الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْمَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (همان) کسانی که از فرستاده (خدا)،

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۴۵

پیامبر درس نخوانده پیروی می‌کنند؛ آن (پیامبری) که (صفات) او را در تورات و انجیل نزدشان، نوشته می‌یابند؛ در حالی که آنان را به [کار] پسندیده فرمان می‌دهد، و آنان را از [کار] ناپسند منع می‌کند، و برایشان [خوارکی‌های پاکیزه را حلال می‌شمرد، و پلیدی‌ها را بر آنان حرام می‌کند؛ و تکلیف سنگینشان، و غل‌هایی را که بر آنان بوده، از (دوش) آنها بر می‌دارد؛ و کسانی که به او ایمان آوردند و گرامی‌اش داشتند (و دشمنانش را از او باز داشتند) و یاری‌اش کردند، و از نوری که با او فرود آمده پیروی نمودند، تنها آنان رستگارانند.»

نکات و اشارات

۱. «نبی» به کسی گفته می‌شود که بر او وحی نازل می‌شود و پیام خدا را بیان می‌کند، هر چند که مأمور به تبلیغ نباشد، اما واژه‌ی «رسول» به کسی گفته می‌شود که علاوه بر مقام نبوت، مأمور به تبلیغ آیین الهی، و ایستادگی در این مسیر باشد. پس رسالت مقامی بالاتر از نبوت است. و در آیه‌ی فوق «نبی» به عنوان توضیح «رسول» آورده شد. «۱»

۲. در مورد واژه‌ی «امی» سه احتمال وجود دارد:

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۴۶

نخست آنکه از ماده‌ی «ام» به معنای مادر باشد، یعنی کسی که به همان حالتی باقی است که از مادر متولد شده است و مکتب و استاد ندیده و درس نخوانده است. دوم آنکه از ماده‌ی «امت» باشد، یعنی کسی که از میان توده‌ی مردم برخاسته است و از میان اشراف و ستمگران نیست. و سوم آنکه «امی» به کسی می‌گویند که منسوب به «امّ القری» مکه است، یعنی کسی که اهل مکه است. در احادیث اسلامی نیز واژه‌ی امی به درس نخوانده و مکی معنا شده است. «۱» و مانعی ندارد که یک لفظ به چند معنا آمده باشد.

۳. قرآن کریم در موارد متعددی تصریح کرده است که پیامبر اکرم (ص) خط نوشت و درس خوانده نبود، «۲» و این که در محیط حجاز تعداد افراد باسواد کم بود، به طوری که در شهر مکه مردان و زنان با سواد را ۱۸ نفر شمرده‌اند. «۳» و اگر پیامبر (ص) نیز به مکتب رفته و باسواد بود، همگان می‌دانستند. اما هنگامی که چنین فرد درس نخوانده و استاد ندیده‌ای بتواند کتابی به عظمت قرآن بیاورد، تردیدی باقی نمی‌ماند، که این مطلب از طریق عادی ممکن نیست، بلکه از طریق وحی و ارتباط با غیب بوده است. آری:

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۴۷

نگار من که به مکتب نرفت و خط نوشت

به غمزه مسأله آموز صد مدرس شد (حافظ)

۴. پیامبر اکرم (ص) «درس نخوانده» بود، اما این بدان معنا نیست که «بی سواد» بود. واژه‌ی «بی سواد» علاوه بر آن که در زبان فارسی بار منفی و ضد ارزشی دارد، و لایق مقام پیامبر (ص) نیست، با احادیث اسلامی هم سازگار نیست، چون بر طبق احادیث اهل بیت (ع) پیامبر می توانست بخواند و یا توانائی خواندن و نوشتن داشت، «۱» اما از این قدرت استفاده نمی کرد. پس معنای امی بی سواد نیست بلکه معنای آن «مکتب ندیده و درس نخوانده» است. «۲»

۵. در تورات و انجیل بشارت‌هایی در مورد پیامبر اسلام (ص) و صفات او وجود دارد، و حتی برخی از این بشارت‌ها در تورات و انجیل تحریف شده‌ی کنونی نیز موجود است. همان‌طور که در سفر پیدایش تورات، آمده است: «و ابراهیم به خدا گفت که ای کاش اسماعیل در حضور تو زندگی نماید ... و در حق اسماعیل (دعای) ترا شنیدم، اینک به او برکت دادم و او را بارور پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۴۸

گردانیده به غایت زیاد خواهم نمود، و دوازده سرور تولید خواهد نمود و او را امت عظیمی خواهم نمود.» «۱»

۶. مقصود از «معروف و منکر» در آیه‌ی فوق که در مکه نازل شده است، چیزهایی است که نزد خرد انسان شناخته شده و معروف، و یا نزد عقل زشت و ناشناخته است. و این تعبیرات می تواند اشاره به آن باشد که محتوای دعوت پیامبر اکرم (ص) با عقل کاملاً سازگار است. «۲»

۷. در آیه‌ی فوق می فرماید: «چیزهای پاکیزه را حلال و چیزهای تنفرآمیز را حرام می سازد.» از این جمله استفاده می شود که محتوای دعوت پیامبر اسلام، با فطرت سلیم انسان هماهنگ است. و چیزهای ناسالم و تنفرآمیز و مضر را ممنوع می کند. و چیزهای نیکو را حلال می شمرد.

۸. واژه‌ی «اصیر» در اصل به معنای نگهداری و حبس کردن است. و به هر چیز سنگینی که انسان را از فعالیت باز می دارد گفته می شود. یعنی پیامبر اکرم غل و زنجیرهای مردم را می شکنند.

آری پیامبر اسلام: زنجیر جهل و نادانی را بوسیله‌ی دعوت به علم و دانش شکست؛ زنجیر بت پرستی و خرافات را با فراخوان به توحید شکست. زنجیر

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۴۹

تبعیض‌ها و زندگانی طبقاتی را از طریق دعوت به برادری اسلامی و مساوات در برابر قانون، شکست. «۱»

۹. در این آیه چهار شرط برای سعادت و کامرانی و رستگاری افراد مشخص شده است. اول ایمان به پیامبر اکرم (ص) و دوم گرمی داشتن او و دفع دشمنانش «۲» و سوم حمایت و یاری ایشان و چهارم پیروی از نور او.

۱۰. در مورد نوری که با پیامبر (ص) فرود آمده است، دو احتمال وجود دارد:

- ممکن است مقصود قرآن کریم باشد. که همراه نبوت پیامبر بر شخص رسول الله (ص) نازل گشت.

- و یا مقصود امام علی (ع) باشد که همراه پیامبر (ص) برای هدایت انسان‌ها فرستاده شدند.

همانگونه که در برخی احادیث از امام باقر و امام صادق (ع) آمده است که مقصود از نور، امام علی (ع) و ائمه (ع) هستند. «۳» البته در اینگونه موارد می توان گفت نور معنوی یک مفهوم وسیع دارد که قرآن و علی (ع) و ائمه (ع) از مصادیق آن هستند. پس آیه می تواند شامل همه‌ی این موارد باشد.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۵۰

۱۱. در آیه‌ی فوق به پنج گواه برای نبوت پیامبر اکرم (ص) اشاره شده است:

نخست آنکه درس ناخوانده بود؛ (و با این حال این قرآن و تعلیمات عظیم را برای بشر به ارمغان آورد).

دوم آنکه دلایل نبوت او در کتاب‌های تورات و انجیل آمده است.

سوم آنکه محتوای دعوت او با عقل سازگار است.

چهارم آنکه محتوای دعوت او با طبع سلیم و فطرت انسان سازگار است.

پنجم آنکه نه تنها زنجیرهای تازه‌ای به دست و پای بشر نیست، بلکه زنجیرهای بشریت را شکست و او را آزاد کرد. چرا که دعوت به سوی خدا می‌کرد نه دعوت به خود.

۱۲. بزرگداشت پیامبر (ص) و یاری او جایگاه ویژه‌ای در رستگاری انسان دارد. و این بزرگداشت و یاری، مخصوص زمان حیات پیامبر (ص) نیست؛ بلکه هم اکنون نیز با بزرگداشت نام و راه و آثار پیامبر (ص) و یاری دین او، ممکن است. آموزه‌ها و پیام‌ها

۱. پیام آیه آن است که پیامبر اسلام برای آزادی انسان‌ها از اسارت‌ها آمده است.

۲. پیام دیگر آیه آن است که امر به معروف و نهی از منکر، از برنامه‌های اساسی پیامبر اکرم است. که با خرد انسان همخوانی دارد.

۳. پیام دیگر آیه آن است که رستگاری مردم، در گرو ایمان، بزرگداشت و یاری پیامبر و پیروی از ولایت و قرآن است.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۵۱

۴. پیام دیگر آیه آن است که غذاهای حلال و حرام در اسلام، فلسفه و حکمت دارد، و در راستای فطرت و طبع سلیم آدمی است.

۵. پیام دیگر آیه آن است که نبوت پیامبر اسلام، سند مکتوب و جهانی دارد و قبلاً در تورات و انجیل، ثبت گشته و مژده داده شده است.

۶. آموزه‌ی آیه آن است که پیرو پیامبر اکرم (ص) باشید تا مشمول رحمت الهی گردید.

۷. آموزه‌ی آیه برای رهبران الهی و مبلغان دینی آن است که زنجیرهای (جهل و خرافات) را از دست و پای مردم باز کنید و در راه آزادی آنها بکوشید.

۸. آموزه‌ی دیگر اینکه رهبران الهی را بزرگ بدارید و یاری کنید، تا رستگار شوید.

۲. سرگذشت عیسی (ع)، و مژده‌ی آمدن پیامبر اسلام (ص) و برخورد بنی اسرائیل با او

قرآن کریم در آیه‌ی ۶ سوره‌ی صاف به سرگذشت عیسی (ع)، و مژده‌ی آمدن پیامبر اسلام (ص) و برخورد بنی اسرائیل با او اشاره می‌کند و می‌فرماید:

«وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُّصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سَجَرَ مُّبِينٌ؛ و (یادکن) هنگامی را که عیسی پسر مریم گفت: «ای بنی اسرائیل (: فرزندان یعقوب)! در

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۵۲

واقع من فرستاده خدا به سوی شما، در حالی که مؤید آنچه از تورات که پیش از من بوده، و مژده آور فرستاده‌ای هستم که بعد از من می‌آید [و] نام او احمد است.» و [لی هنگامی که با دلیل‌های روشن (معجزه آسا) به سراغشان آمد، گفتند: «این سحری آشکار است.»

نکات و اشارات

۱. قرآن کریم معمولاً عیسی (ع) را به نام مادرش یعنی «عیسی بن مریم» می‌خواند تا روشن شود که او انسانی متولد شده از یک زن است و هرگونه شبهه‌ای در مورد خدا بودن او از بین برود.

۲. در این آیه به پیامبر بودن عیسی (ع) اشاره شده و او را ادامه دهنده‌ی خط رسالت موسی (ع) و تأیید کننده‌ی تورات معرفی می‌کند. همانطور که بشارتگر پیامبر بعدی معرفی می‌کند.

این مطالب روشن می‌سازد که عیسی (ع) حلقه‌ی واسطه بین سلسله‌ی پیامبران است؛ که پیامبران قبل و بعد خود را معرفی و تأیید کرده است.

بنابراین کسانی که او را خدا یا پسر خدا می‌دانند به او تهمت زده‌اند.

۳. حضرت عیسی (ع) آمدن پیامبر اسلام (ص) و حتی نام او را برای بنی اسرائیل بشارت داده بود، از این رو گروهی از مسیحیان و یهودیان قبل از اسلام به سرزمین مدینه آمدند و منتظر ظهور پیامبر اسلام (ص) شدند.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۵۳

اما پس از آنکه پیامبر اسلام با همان نام و نشانه‌ها و معجزات، ظهور کرد گروهی از آنان به خاطر تعصب و به خطر افتادن منافع شخصی در برابر او ایستادند و وی را ساحر خواندند. «۱»

۴. پیامبر اکرم از کودکی دو نام «محمد و احمد» داشت، یعنی جدش عبدالمطلب او را محمد خواند و مادرش آمنه او را احمد نامید. و به هر دو نام مشهور بود و خوانده می‌شد، و حتی در اشعار ابوطالب و حسان بن ثابت نام احمد آمده است. «۲»

و هنگامی که نام احمد در آیه‌ی فوق اعلام شد، اهل کتاب مدینه آن را انکار نکردند.

۵. در انجیل یوحنا در سه مورد بر کلمه‌ی «نارقلیط» تکیه شده است «۳» که در متن یونانی «پیرکلتوس» و در متن سریانی «پارقلیط» آمده است؛ که به معنای شخص مورد ستایش (معادل احمد) است. ولی در ترجمه‌های جدید به نام تسلی دهنده ترجمه شده است.

«۴»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۵۴

یکی از این بشارت‌ها این است: «من از پدر خواهم خواست و او «تسلی دهنده» دیگر به شما خواهد داد که تا ابد با شما خواهد ماند.» «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها

۱. پیام آیه آن است که پیامبر اسلام (ص) موعود عیسی (ع) است که او را با نام و نشان معرفی کرده بود.

۲. پیام دیگر آیه آن است که بنی اسرائیل آگاهانه پیامبر اسلام، را انکار کردند (پس امیدی به آنان نیست).

۳. آموزه‌ی آیه آن است که همچون بنی اسرائیل، آگاهانه حق را انکار نکنید.

۳. دعوت کننده به سوی اسلام

قرآن کریم در آیه‌ی ۷ سوره‌ی صف به ستمکاران دروغ پرداز، و ناسپاسی آنان در برابر نعمت اسلام و فرجام آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید:

«وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُوَ يُدْعَىٰ إِلَى الْإِسْلَامِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ؛ و چه کسی ستمکارتر است از کسی که برخدا دروغ بسته در حالی که او به سوی اسلام فراخوانده می‌شود؟! و خدا گروه ستمکار را راهنمایی نمی‌کند.»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۵۵

نکات و اشارات

۱. بنی اسرائیل با اینکه بشارت آمدن پیامبر اسلام به آنان رسیده بود، و حتی نام او را می‌دانستند؛ و پیامبر اسلام (ص) با معجزات و دلایل به سراغ آنان آمد و آنها را به اسلام دعوت کرد، ولی او را انکار کردند و لجابت نمودند، و با این کار به خود و دیگران

ستم کردند.

۲. بنی اسرائیل به دروغ برخدا تهمت بستند، چرا که می‌دانستند پیامبر اسلام (ص) از طرف خداست و آنچه می‌گوید وحی است و معجزات او واقعی است؛ ولی آنها را سحر خواندند؛ این تهمت نه تنها به پیامبر اسلام بود بلکه تکذیب مصدر وحی و معجزات نیز بود؛ از این رو قرآن کریم آن را دروغ بستن و تهمت به خدا خواند.

۳. ستم بنی اسرائیل به خودشان آن بود که از رشد و کمال و سعادت و هدایت بازماندند؛ و ستم آنان به جامعه آن بود که با تهمت زدن و انکار نبوت پیامبر اسلام، برخی از مردم را به تردید انداختند و از نور هدایت محروم کردند. از این رو این بنی اسرائیل ستمکارترین مردم شدند.

۴. از این آیه استفاده می‌شود که هدایت به دست خداست اما اگر کسی ستمکاری کند زمینه‌ی استفاده از نور هدایت الهی را از بین می‌برد و هدایت نمی‌شود و در گمراهی باقی می‌ماند.

۵. از این آیه استفاده می‌شود که استفاده نکردن از نعمت اسلام و تهمت زدن به خدا و پیامبر، بزرگترین ستم است که موجب محرومیت انسان از نور هدایت می‌شود.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۵۶

۶. در قرآن کریم پانزده بار تعبیر «ستمکارترین» به کار رفته است، که شاید محور جامع همه‌ی آنها، تکذیب آیات الهی و مانع شدن مردم از راه حق باشد که ستمی بالاتر از اینها نیست. «۱» ***

۴. خاتمیت پیامبر اسلام (ص) و بی‌پسر بودن او

قرآن کریم در آیه‌ی ۴۰ سوره‌ی احزاب به خاتمیت پیامبر اسلام (ص) و بی‌پسر بودن او اشاره می‌کند و می‌فرماید: «مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا؛ محمد پدر هیچ یک از مردان شما نیست؛ و لیکن فرستاده خدا و پایان بخش پیامبران است؛ و خدا به هر چیزی داناست.»

نکات و اشارات

۱. پیامبر اکرم (ص) چهار پسر به نام‌های «قاسم، طیب، طاهر و ابراهیم» داشت که همگی قبل از بلوغ و در زمان حیات پیامبر از دنیا رفتند. «۲»

از این رو نام «رجال» (: مردان) بر آنان صادق نبود. و نیز پیامبر (ص) پسرخوانده‌ای به نام «زید» داشت که فرزند حقیقی حضرت نبود.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۵۷

۲. رسول اکرم (ص) فرزند پسری نداشت تا جانشین ایشان شود و نبوت را به ارث برد و نبوت سلطنتی گردد. و فقط فرستاده‌ی خدا و پایانگر نبوت بود. و شاید اشاره به علم بی‌کران الهی در پایان آیه برای همین است که خدا مصالح بشر را می‌دانست. از این رو به پیامبر اسلام فرزند پسری نداد تا شبهه‌ای در مورد خاتمیت او پیدا نشود.

۳. در این آیه رابطه‌ی نسبی پیامبر اسلام (ص) با مردم قطع شده است، ولی رابطه‌ی معنوی و روحانی ایشان از طریق رسالت وصل شده است. یعنی پیامبر اکرم پدر جسمانی مردم نبود، اما پدر روحانی آنان بود. از این رو در حدیثی حکایت شده که فرمودند: «من و علی پدران این امت هستیم.» «۱» «۴» واژه‌ی «خاتم» به معنای چیزی است که به وسیله‌ی آن پایان داده می‌شود. از این رو به انگشتی یا مهری که در پایان نامه‌ها یا روی قفل‌ها و مانند آن می‌زنند تا کسی آن را باز نکند، خاتم گفته می‌شود. «۲» پیامبر اسلام پایانگر پیامبران و رسولان الهی بود و مهر پایانی به خط نبوت زد.

۵. از آیه‌ی فوق و برخی آیات دیگر قرآن استفاده می‌شود «۳»

که پیامبر اسلام (ص) برای همه‌ی مردم جهان آمده است و بعد از او پیامبری نیست چرا

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۵۸

که کلاس‌های تربیتی و دینی بشر در طول تاریخ به وسیله‌ی پیامبران کامل شده است. و آخرین کلاس، توسط پیامبر اسلام برگزار شد.

۶. در احادیث اسلامی نیز مسئله‌ی خاتمیت پیامبر اسلام بیان شده، و روشن گشته که احکام ثابت دین اسلام تا روز رستاخیز پابرجاست. «۱» ۷. خاتمیت پیامبر (ص) به خاطر کامل شدن دین توسط ایشان، و بلوغ فکری بشر است. یعنی اسلام برنامه‌ای جامع است که می‌تواند سعادت بشر را در دنیا و آخرت، تا ابد تأمین کند، و مردم نیز به آن حد از بلوغ فکری و فرهنگی رسیده‌اند که دین اسلام و قرآن را حفظ کنند و به اصول و برنامه‌های آن عمل کنند. و مسیر تکاملی خویش را بدون نیاز به وحی جدید و شریعت تازه ادامه دهند.

به عبارت دیگر پیامبران پیشین هر کدام قسمتی از نقشه‌ی سعادت بشر را به اندازه‌ی ظرفیت فکری مردم عصر خویش، آوردند ولی پیامبر اسلام نقشه‌ی کامل سعادت بشر را آورد.

۸. در اینجا پرسشی مطرح می‌شود که نقش امامت و رهبری دینی بعد از پایان یافتن نبوت، چیست؟

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۵۹

پاسخ آن است که نیاز به امام در چند مورد است:

اول: نظارت بر اجرای دین.

دوم: بیان جزئیات دین

و سوم: راهنمایی مردم و دستگیری در راه ماندگان.

بنابر این نیاز به امامت ضروری است و ادامه می‌یابد. «۱» ۹. در اینجا پرسش دیگری مطرح می‌شود که چگونه دین ثابت اسلام با نیازهای متغیر بشر تا رستاخیز سازگار می‌شود؟

پاسخ:

اولاً: اسلام یک سلسله اصول کلی بیان کرده که می‌تواند بر نیازهای متغیر بشر منطبق شود و پاسخگوی آنها باشد. برای مثال اصل «وفای به عقد و پیمان»، شامل معاملات قدیمی و نیز مسائلی همچون بیمه و مصادیق جدید دیگر می‌شود.

ثانیاً: اختیارات حکومت اسلامی از طریق اصل مترقی ولایت فقیه، بسیاری از مشکلات جامعه را در چهار چوب کلی اسلام، حل می‌کند.

ثالثاً: باز بودن راه اجتهاد و استنباط احکام از منابع اسلامی، می‌تواند پاسخگوی پرسش‌های جدید بشر باشد. «۲» پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۶۰

رابعاً: آیات قرآن کریم دارای بطن‌ها و لایه‌ها و مصادیق مختلف است که در هر زمان مطالب جدید از آن کشف می‌شود و بر رخدادهای آن عصر تطبیق می‌گردد و پاسخگوی نیازهای زمان است و بدیهی است که این کشف روشمند می‌باشد و باید به دست متخصصان آن صورت گیرد. «۱» ۱۰. هر چند نبوت در عصر ما خاتمه یافته است و فرشته‌ی وحی بر کسی نازل نمی‌شود تا وحی تشریحی و شریعت تازه بیاورد، ولی ارتباط انسان‌ها با عالم غیب قطع نشده است و گاهی سروش الهامات و اشراقات الهی بر قلب‌های مستعد فرود می‌آید. و ارتباط معنوی بشر را با ماوراء الطبیعه برقرار می‌سازد.

آموزه‌ها و پیام‌ها

۱. پیام آیه‌ی فوق برای ما آن است که پیامبر اسلام فرزند پسری نداشت (تا نبوت سلطنتی گردد).
۲. آموزه‌ی آیه آن است که پیامبر اسلام را، پایانگر نبوت بدانید، (ولی اسلام را متوقف و جامد ندانید)

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۶۱

چهارم: حقایق پیامبر (ص)

قرآن کریم در آخرین آیه‌ی سوره‌ی رعد، به تهمت مشرکان پاسخ می‌دهد و می‌فرماید:

«وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسِيًّا قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ؛ و کسانی که کفر ورزیدند می‌گویند: «(تو) فرستاده شده نیستی.» (ای پیامبر) بگو: «گواهی خدا، و کسی که علم کتاب (قرآن) نزد اوست، بین من و بین شما کافی است.» نکات و اشارات

۱. این آیه پاسخی قاطع به افراد لجوجی می‌دهد که علی‌رغم معجزات، پیامبر اکرم (ص) را فرستاده‌ی خدا نمی‌دانند. از این رو به آنان می‌گوید: گواهی خدا و کسانی که دانش قرآنی دارند کافی است.
۲. در اینجا اشاره شده که هر کس به قرآن آگاهی کافی دارد، اعجاز آن را درک می‌کند و می‌داند که این ساخته و پرداخته‌ی مغز بشر نیست و حتماً از سوی خدا فرود آمده است. پس به حقایق پیامبر (ص) پی می‌برد.
۳. در برخی احادیث حکایت شده: مقصود از کسانی که به قرآن آگاهی دارند، امام علی (ع) و امامان اهل بیت (ع) هستند. «۱»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۶۲

روشن است که اینگونه احادیث مصداق‌های کامل این آیه را بیان می‌کند، و گرنه مفهوم آیه وسیع است.

آموزه‌ها و پیام‌ها

۱. آموزه‌ی آیه آن است که رهبران الهی در برابر لجاجت مخالفان، به گواهی خدا و دانشمندان قرآنی دلخوش دارند.
 ۲. پیام آیه آن است که مقام دانشمندان قرآنی بسی بلند است. و گواهی آنان در ردیف گواهی خدا مطرح است.
 ۳. پیام دیگر آیه آن است که قرآن شاهد صدق رسالت پیامبر (ص) است و در این مورد شهادت متخصصان قرآنی کافی است. «۱»
- پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۶۳

قرآن کریم از رسول اکرم (ص) با چه «نام‌ها و صفاتی» یاد کرده است؟

اشاره

پرسش:

قرآن کریم از رسول اکرم (ص) با چه «نام‌ها و صفاتی» یاد کرده است؟

پاسخ:

مقدمه

از زمانی که خورشید درخشان اسلام در سرزمین حجاز سر برآورد و تاریکی‌های جهل و گمراهی را در پرتو درخشش خود زدود و جهان را به نور وحی و معارف عالی اعتقادی، اخلاقی و اجتماعی و ... روشن نمود، و بشر آن روز با مشاهده، و انسان امروز با مطالعه، نظاره‌گر تأثیر شگفت‌انگیز این ارمغان الهی گردید، دوست و دشمن، به تحسین این عصاره‌ی عالم هستی زبان گشود، و با

قلم به ترسیم سیمای آخرین سفیر الهی پرداخت و هرچه در توان داشتند درباره‌ی او گفتند و نوشتند که هر کدام در جای خود بسی ارزشمند است؛ اما این گفتارها و نوشتارها نمی‌تواند آئینه‌ی تمام نمای چهره‌ی پرفروغ نبوی باشد، از این رو سزاوار است به خدمت قرآن برویم و با سیری در آیات آن در معرفی این فرودگاه آیات الهی از کلام وحی کمک بگیریم چرا که تنها فرستنده است که از تمام احوال فرستاده‌ی خود آگاه

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۶۴

است و در آیات قرآن به معرفی پیامبرش پرداخته و حقیقت محمدیه را بر همگان آشکار کرده است. ی ادآوری

۱. اهل ادب در مورد فرق بین اسم و صفت گفته‌اند: «اسم» آن است که ذات شیئی را معرفی می‌کند و این بدان جهت است که هر اسمی در آغاز موجب رفعت و بلندی نام و یاد مسمی می‌شود، و در نهایت وسیله‌ای برای معرفی و شناخت آن می‌باشد اما «وصف» به بیان زیبایی‌ها، نشانه‌ها، و چگونگی‌های آن ذات می‌پردازد.

۲. در کنار اسم و صفت، «نعت» نیز جلب توجه می‌کند. که همواره گویای حالت و هیئت پایدار در صورت و سیرت است، و تنها اوصاف نیک را بیان می‌کند. از این رو بهتر است همه‌ی صفات پیامبر (ص) را «نعت» بخوانیم چرا که اوصاف آن حضرت همگی زیبا و نیکو هستند.

۳. در به کار بردن اسم، رعایت معنای آن لزومی ندارد و چه بسا ممکن هم نباشد؛ اما این قاعده درباره‌ی اسامی خداوند، پیامبر و ائمه استثناء شده است. بدین معنا که در این اسامی، همانند صفات رعایت معنا شده است اگرچه به صورت علم درآمده باشد.

۴. نام‌ها و صفات پیامبر (ص) که در قرآن بیان شده همگی یکسان نیستند، برخی به صراحت اعلام شده و برخی دیگر به وسیله‌ی وارثان علوم قرآن به وجود آن حضرت تفسیر و یا تاویل شده است، از سوی دیگر برخی از

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۶۵

اوصاف در ارتباط با رسالت و نبوت وی می‌باشد و دسته‌ای از صفات، اگرچه بدان تصریح نشده و نیازمند تفسیر و تاویل نیز می‌باشد، اما از نوع فعالیت و مأموریت ایشان گرفته می‌شود.

اکنون برخی از این نام‌ها و صفات را بر می‌شماریم:

الف. نام‌های خاص و علم

۱. محمد (ص)

این واژه به معنای صاحب خصلت‌های حمیده و نیکو می‌باشد «۱»

و در قرآن چهار بار تکرار شده است:

در سوره‌ی آل عمران می‌فرماید: «وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ» (۲) در سوره‌ی احزاب می‌فرماید: «مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ؛» (۳)

محمد پدر هیچ یک از مردان شما نیست»

در سوره‌ی محمد می‌فرماید: «وَأَمَّنُوا بِمَا نَزَّلَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَهُوَ الْحَقُّ؛» (۴)

و به آنچه بر محمد صلی الله علیه و آله فرو فرستاده شده ایمان آوردند، در حالی که آن حقی از جانب پروردگارشان بود»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۶۶

در سوره‌ی فتح می‌فرماید: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ؛» (۱)

محمد صلی الله علیه و آله فرستاده خداست؛ و کسانی که با او هستند بر کافران سخت گیر (و) در میان خود مهرورزند»

واژه‌ی «محمد»، اگرچه مشتق از «حمد» است اما به اقتضای تحمید (باب تفعیل و مبالغه‌ی آن) از حمد، برتر است و به معنای غوطه‌ور در محامد و نیکویی‌ها می‌باشد.

۲. احمد

این واژه به معنای پسندیده در اخلاق و حالات است، تنها یک بار در قرآن آمده است. آنجا که خداوند از زبان حضرت عیسی (ع) می‌فرماید: «مُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ.» (۲) «احمد» صفت برتر است بدین معنا که موصوفی در صفتی مشترک، با موصوف دیگر سنجیده شود یکی را بر دیگری برتری دهیم، از این رو «احمد» بودن پیامبر به این معناست که آن حضرت از دیگر انبیاء در نیکویی‌ها برتر است؛ و اگر «احمد» را به معنای اسم فاعل بدانیم یعنی «محمد» حامدتر از دیگر انبیاء است و اگر به معنای اسم مفعول بدانیم یعنی وی از سایر پیامبران محمودتر است.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۶۷

در روایتی می‌خوانیم: که عده‌ای از یهود از رسول خدا (ص) پرسیدند: چرا به «احمد» و «محمد» نامیده شدی؟ حضرت فرمود: «اما محمد فانی فی الارض محمود و اما احمد فانی فی السماء احمد منی فی الارض» (۱) بنابر آیه، پیامبر اسلام از دیگر انبیاء برتر است؛ و بنابر روایت، وجود آن حضرت نزد ساکنان آسمان احمد است تا نزد ساکنان زمین. ابوطالب عموی آن حضرت در شعر خود به هر دو نام پیامبر اشاره کرده و می‌گوید:

لقد اكرم الله النبي محمدا

فاكرم خلق اليه في الناس احمد (۲) یعنی خداوند پیامبر خود محمد را گرامی داشت و لذا گرامی‌ترین خلق خدا در میان مردم احمد است.

نکته

خداوند متعال نام «احمد و محمد» را از صفات خود گرفت و بر پیامبرش نهاد، چرا که خداوند هم «حمید» است که می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَهُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» (۳)

و «تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ» (۴)

و هم «حامد» و «محمود» می‌باشد چرا

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۶۸

که خود می‌فرماید: الْحَمْدُ لِلَّهِ ... (۱) ی عنی خدا ذات خود را ستایش می‌کند پس هم حامد است و هم محمود. چنان که در دعای

جوشن کبیر می‌خوانیم: «یا خیر حامد و محمود» (۲)

۳. عبدالله

یکی از عالی‌ترین اوصافی که خداوند سبحان در معرفی پیامبرش به کار برده است واژه‌ی «عبد» است، عبادت و عبودیت به معنای تذلل، خضوع و فروتنی، انقیاد و فرمانبری در برابر حضرت حق (جل و علا) می‌باشد. «۳» این وصف حدود ده مرتبه درباره‌ی پیامبر اکرم به کار رفته است.

«عبدالله» یک بار که می‌فرماید: «وَأَنَّهُ لَمَّا قَامَ عَبْدُ اللَّهِ يَدْعُوهُ؛» «۴»

و اینکه هنگامی که بنده خدا (: محمد (ص)) برخاست در حالی که او را می‌خواند «عبدنا» دو بار که فرمود: «وَإِن كُنتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا؛» «۵»

و اگر از آنچه که بر بنده خود (: پیامبر) فرو فرستادیم در تردید هستید» پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۶۹

عبد شش بار که از جمله فرمود: «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَىٰ بِعَبْدِهِ لَيْلًا...؛» «۱»

منزه است آن (خدایی) که بنده‌اش را شبانگاهی....»

در این کاربردها، واژه‌ی «عبدالله» در ارتباط با عبادت خداوند آمده؛ و واژه‌ی «عبد» در ارتباط با نزول قرآن، فرقان، وحی، آیات بینات و اسراء به کار رفته است و در یک مورد اعلان حمایت بی دریغ خدا از بنده‌اش می‌باشد.

معلوم می‌شود این همه مقام، گزینش و حمایت، به خاطر ویژگی عبودیت وی است.

دو نکته

۱. واژه‌ی عبد اگر چه اسم جامد است، اما به معنای اسم مشتق و معنای وصفی آن یعنی (عابد) است؛ و اگر به صورت مصدر به کار رفته برای مبالغه می‌باشد.

۲. عبد بودن پیامبر آن چنان از اهمیت برخوردار است که در تشهد نماز قرین رسالت شده و نماز گزار می‌بایست قبل از شهادت بر رسالت پیامبر به عبودیت وی نیز گواهی دهد.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۷۰

ب. اسامی تفسیری و تأویلی آن حضرت**اشاره**

در قرآن کریم واژه‌هایی وجود دارد که اگر چه به حسب ظاهر مبهم و مجمل است اما به بیان وارثان علوم قرآن به وجود پیامبر (ص) و یا تأویل شده است.

۱. طه

«طه* مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى؛ (۱)»

طاه. ها. قرآن را بر تو فرو نفرستادیم تا به زحمت افتی.»

در روایتی از امام صادق (ع) حکایت شده: اما طه فاسم من اسماء النبی (ص) و معناه یا طالب الحق الهادی الیه. «۲»

ضمیر و فعل (علیک و تشقی) که خطاب به پیامبر است تأییدی بر این معنا می‌باشد.

نکته: این که در دعای شریف ندبه درباره‌ی حضرت مهدی (عج) می‌خوانیم: «یا بن طه و المحکمات» شاید اشاره به این مطلب باشد.

۲. یس

«یس* وَالْقُرْآنِ الْحَکِیمِ* إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِینَ؛ (۳)»

یا، سین. سوگند به قرآن حکمت آمیز»

در روایتی از امام صادق (ع) می‌خوانیم: «اما یس فاسم من اسماء النبی (ص) و معناه یا ایها السامع الوحی؛ «۴» یاسین نامی از نام‌های پیامبر (ص)

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۷۱

است به معنای: «ای شنونده‌ی وحی.» و در روایت دیگری نقل شده: یس اسم رسول الله (ص) والدلیل علی ذلك قوله: انک لمن

المرسلین؛ «۱» یاسین اسم رسول خدا است و دلیل آن هم تعبیر «انک لمن المرسلین است» که خطاب به رسول اکرم است.

۳. نون

«ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ* مَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ» «۲» در حدیثی از امام کاظم (ع) حکایت شده: فالنون اسم الرسول الله «۳» و در

روایتی دیگری از امام باقر (ع) می‌خوانیم: ان لرسول الله عشرة اسماء خمسة فی القرآن ... فمحمد، و احمد و عبدالله و یس و نون؛

«۴» به درستی که رسول خدا ده نام دارد که پنج نام آن در قرآن است ... محمد و احمد و عبدالله و یاسین و نون.»

نکته

در معنای حروف مقطعه نظرها و تفسیرهای مختلفی وجود دارد که مجال بحث از آن نیست و آنچه بیان شد یکی از مصادیق تأویلی آنهاست.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۷۲

ج. صفاتی که در رابطه با نبوت به کار رفته

۱. نبی

«إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ...؛ (۱)»

در حقیقت خدا و فرشتگانش بر پیامبر دعا (: صلوات) می‌فرستند....»

واژه‌ی «نبی» بر وزن «نبیل» از ریشه‌ی نبأ به معنای خبر دادن است، از این رو نبی کسی است که از سوی خداوند متعال خبر

می‌آورد. این احتمال نیز وجود دارد که «نبی» از ریشه‌ی نبوت به معنای رفعت باشد، پس به این جهت به پیامبر نبی گفته می‌شود که

منزلتش از دیگران برتر است. «۲» به هر صورت نبی در اصطلاح قرآن و حدیث کسی است که از سوی خداوند وحی دریافت می‌کند، و این واژه در قرآن کریم ۳۴ بار درباره پیامبر اکرم به کار رفته است، که ۱۳ بار آن به صورت خطاب «یا ایها النبی...» می‌باشد.

۲. خاتم النبیین

«مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ ...» (۳)؛ محمد پدر هیچ یک از مردان شما نیست؛ و لیکن فرستاده خدا و پایان بخش پیامبران است.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۷۳

«خاتم» بر وزن «خاتم» به معنای وسیله‌ی پایان دادن است؛ و اگر به انگشتر نیز خاتم می‌گویند به این خاطر است که در گذشته نامه‌ها را با آن مهر کرده و بدین وسیله پایان نامه را اعلام می‌کردند.

صفت خاتمیت از صفات منحصر به فرد پیامبر (ص) است و اختلاف پیروان ادیان بر سر همین مسئله است، یهودی‌ها ادعا دارند موسی (ع) خاتم الانبیاء است، و مسیحیان معتقدند که عیسی (ع) خاتم الانبیاء است و مسلمانان اعتقاد دارند حضرت محمد (ص) پیامبر خاتم است.

لقب خاتم الانبیاء دارای دو پیام است یکی نسبت به انبیاء گذشته یعنی آنها خاتم نبوده‌اند و دیگری نسبت به آینده که پیامبری نخواهد آمد.

علی (ع) می‌فرماید: «فَقَفِّي» به السل و ختم به الوحی «۱» خداوند او را بعد از همه انبیاء آورد و وحی را به آن حضرت ختم نمود. نکته: خاتم النبیین بودن «محمد» (ص) به معنای خاتم المرسلین بودن نیز هست، زیرا مرحله‌ی رسالت مرحله‌ی فراتر از مرحله‌ی نبوت است، وقتی نبوت اعلام شد، به طریق اولیه رسالت نیز ختم شده است، و وقتی وحی دریافت نشد رسالت نیز معنا نخواهد داشت.

۳. نبی امی

«فَأَمَّا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمَاتِهِ ...» (۲)

پس ایمان آورید به خدا و فرستاده‌اش، پیامبر درس نخوانده‌ای که به خدا و کلماتش ایمان دارد...».

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۷۴

«امی»، یکی از صفاتی است که خداوند درباره‌ی پیامبر خود به کار برده و دو مرتبه در قرآن تکرار شده است. «امی» منسوب به «ام»، و در لغت یعنی درس ناخوانده. گویا فرد بی‌سواد بر همان حالتی که از مادر متولد شده و هیچ قدرت خواندن و نوشتن نداشته، باقی مانده است.

در این که مقصود از امی بودن پیامبر چیست نظرات گوناگونی ارائه شده است.

۱. یعنی منسوب به جمعیت امی، زیرا قوم پیامبر، مردمی امی و بی‌سواد بودند، قرآن می‌فرماید:

«هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ» (۱)

او کسی است که در میان درس ناخواندگان فرستاده‌ای از خودشان برانگیخت.

۲. منسوب به «ام» به معنای قصد، یعنی پیامبری که مقصود و مورد توجه همگان است، «۲» کلمه‌ی ام در نسبت، به ام تغییر حرکت

داده است.

۳. منسوب به ام القری، یعنی مکه؛ «وَلْتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ ...» (۳)

در این صورت امی مترادف با «مکی» است.

۴. به معنای لغوی آن یعنی درس ناخوانده، قرآن کریم به این حقیقت اشاره کرده و می‌فرماید:

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۷۵

«وَمَا كُنْتُمْ تَتْلُوا مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتَابٍ وَلَا تَخُطُّهُ بِيَمِينِكُمْ إِذَا لَارْتَابَ الْمُبْطِلُونَ» (۱) در روایات نیز این معنا حکایت شده است، در روایتی

از امام ششم می‌خوانیم: کان مما من الله عزوجل به علی نبیه انه کان امیاً لایکتب و یقرء الکتاب (۲)

اگرچه ممکن است همه‌ی این معانی را به نحوی با هم سازش داد و گفت پیامبر هم منسوب به امت عرب بود، و هم مکی است و هم مقصود و مورد توجه همه، و هم درس ناخوانده اما معنای اخیر از همه مناسب‌تر است و آیات قرآن و روایات و تاریخ مؤید آن است.

ی ادآوری

نوشتن و نخواندن پیامبر خواه نمی‌خواست و یا نمی‌توانست، نقص و عیبی برای آن حضرت به حساب نمی‌آید چرا که فرق است بین علم، و سواد، آنچه مذموم است جهل است نه عدم قدرت بر خواندن و نوشتن، و آنچه ممدوح است علم است نه صرف خواندن و نوشتن؛ زیرا خواندن، نوشتن و دانستن زبان‌های بیگانه ابزاری است برای کسب علم و معرفت. حال اگر کسی بتواند بدون استفاده از ابزار عادی و با کمک نیروی فوق العاده‌ی وحی از علم بهره‌مند شود خود بالاترین فضیلت است.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۷۶

د. رسالت و اوصاف رسالی پیامبر

۱. رسول الله

«لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ؛» (۱)

بیقین برای شما در (روش) فرستاده خدا، (الگوی برای) پیروی نیکوست.

«رسول» صیغه‌ی مبالغه یا صفت مشببه، به معنای اسم مفعول یعنی فرستاده شده است. و در اصطلاح قرآن و حدیث به کسی گفته می‌شود که فرشته بر او فرود آمد و با وی سخن بگوید. (۲)

واژه‌ی رسول در قرآن بیش از یک صد و پنجاه مرتبه، درباره‌ی پیامبر به صورت‌های مختلف الرسول، رسولما، رسوله، رسولنا، ورسولکم، به کار رفته است.

فرق رسول یا نبی

از قرآن کریم چنین استفاده می‌شود که «رسول» و «نبی» با هم تفاوت دارند چرا که می‌فرماید: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ ...» (۳) و پیش از تو هیچ فرستاده و پیامبری نفرستادیم، ... اگرچه در این آیه، رسول و نبی، فرستاده‌ی خدا معرفی شده است، اما با توجه به عطف نبی بر رسول به خوبی روشن می‌شود که نبی غیر از رسول است.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۷۷

در فرق بین «رسول» و «نبی» گفته‌اند:

۱. رسول، ماموریت و رسالتی بر عهده‌ی او گذارده شده تا ابلاغ کند و نبی کسی است که وحی دریافت می‌کند و اگر مردم

بخواهند در اختیار آنها می‌گذارد. «۱»

۲. رسول صاحب شریعت مستقل می‌باشد، و نبی مبلغ و پیرو شریعت دیگری است. «۲»

۳. رسول کسی است که وحی الهی را دریافت می‌کند و به مردم نیز ابلاغ می‌کند و نبی کسی است که وحی را دریافت می‌کند ولی مأمور به تبلیغ نیست، رسول مانند طیب سیار است، و نبی همانند طیبی دارای مطلب می‌باشد. «۳»

۴. رسول علاوه بر دریافت وحی، فرشته‌ی وحی را نیز می‌بیند و با وی سخن می‌گوید، اما نبی کسی است که حقایق وحی را تنها در حال خواب می‌بیند. «۴»

روایات رسیده در این زمینه مؤید نظر اخیر است. «۵» با تدبیر در کاربرد واژه‌های رسول و نبی در قرآن به دست می‌آید: که رسول در رابطه با

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۷۸

مسئولیت‌هایی چون تشریح دین، تصدیق ادیان پیشین، تنزیل کتاب، تبلیغ اوامر الهی، ایمان و اطاعت، به کار رفته است. «۱» در حالی که واژه‌ی نبی، در رابطه با مسائل خانوادگی، اخلاقی و مسایل داخلی مسلمانان و امور شخصی پیامبر و ... به کار رفته است. «۲»

نکته: اگر می‌فرماید: «رسولنا» یا «رسوله»، باعتبار مرسل (فرستنده) است، واگر می‌فرماید: «رسولکم» به اعتبار مرسل الیه (کسانی که به سویشان فرستاده شده) است.

۲. رسول کریم

«إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ؛ «۳»

که قطعاً آن (قرآن) گفتار فرستاده ارجمندی است»

کریم صفت مشبیه از ریشه‌ی (کرم) است، این واژه، اگر صفت وجه و صورت قرار گیرد و به معنای زیبا و بها است، و اگر صفت قول واقع شود به معنای خوب و ارزشمند است، و اگر وصف انسان قرار گیرد به معنای بزرگوار خواهد بود، که در آیه به این معنا است.

این صفت، تنها یک بار در باره‌ی پیامبر به کار رفته است، و با همین تعبیر در باره‌ی جبرئیل نیز به کار رفته است.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۷۹

نکته: از آنجا که قرآن خود کریم است و از رب کریم، به وسیله‌ی پیکری کریم و در زمانی کریم نازل شده لازم است دریافت کننده نیز کریم باشد تا انسان (لقد کرمنه) را به پاداش اجر کریم رساند. «۱»

۳. حق

«وَشَهِدُوا أَنَّ الرَّسُولَ حَقٌّ؛ «۲»

گواهی می‌دادند که فرستاده [خدا] حق است.»

حق در اصل به «مطابق با واقع» است که گاه وصف سخن به کار می‌رود، و گاه وصف اعتقاد و یا عمل قرار می‌گیرد و در مقابل معنای آن باطل است.

در این آیه خداوند سبحان رسولش را به «حق» توصیف می‌کند، به این معنا که اهل کتاب با نشانه‌هایی که در دست داشتند و در

کتاب‌های خود مشاهده کرده بودند می‌دانستند که حضرت محمد (ص) همان پیامبر موعود و برحق است چرا که قرآن می‌فرماید:

«يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ؛» (۳)

همان گونه که پسران خود را می‌شناسند، او [محمد] را می‌شناسند.»

۴. مصدق

«جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَهُمْ...؛» (۴)

و آنگاه که فرستاده‌ای از جانب خدا به سراغشان آمد، که مؤید آن چیزی [از نشانه‌ها] بود که نزد آنان بود.»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۸۰

«مصدق» به معنای گواهی دهنده است، و از آنجا که قرآن کریم و پیامبر به حقانیت انبیاء گذشته و کتبشان گواهی دادند مصدق نامیده شده‌اند.

این وصف اگرچه درباره‌ی قرآن مکرر به کار رفته است، اما در مورد پیامبر، تنها سه بار آمده است (۱)

۵. رسول مبین

«ق--- د ج--- اءَهُمْ رَسٌ--- وُلٌّ مُبِينٌ؛» (۲)

در حالی که فرستاده‌ای روشنگر به سراغ آنان آمد.»

«مبین» یکی از اوصاف تبعی می‌باشد که برای پیامبر بیان شده است؛ مبین اگرچه اسم فاعل و از باب افعال است و بنابر قاعده باید به معنای بیان کننده و آشکار کننده باشد، اما درباره‌ی پیامبر و قرآن بیشتر به معنای لازم به کار رفته است؛ از این رو «مبین» به معنای روشن و آشکار است. یعنی پیامبری آن حضرت کاملاً آشکار است و جای هیچ شک و شبهه نیست چنان که در جای دیگر، این واژه، وصف تبعی «نذیر» واقع شده است «وَمَا أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُبِينٌ؛» (۳) من جز هشدارگری روشنگر نیستم.»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۸۱

۵. اوصافی که گویای نوع مأموریت آن حضرت است.

اشاره

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ يَازْنَهُ وَسِرَاجًا مُنِيرًا؛» (۱)

ای پیامبر! در حقیقت ما تو را گواه و مژده‌آور و هشدارگر فرستادیم؛ و (تو را) فراخوان به سوی خدا، با رخصت او، و چراغی روشنی بخش (فرستادیم).»

۱. شاهد

«شاهد» یعنی گواه، از آنجا که پیامبر در این دنیا شاهد بر اعمال امت است و در آخرت، گواهی دهنده است شاهد می‌باشد.

۲. مبشر

«مبشر» یعنی بشارت دهنده، این واژه اگرچه هم درباره خبر خوش به کار می‌رود و هم در مورد خبر ناخوش. اما در اینجا به قرینه‌ی وجود نذیر، به معنای بشارت دهنده به بهشت و نعمت‌های آن می‌باشد. این واژه، چهار بار درباره‌ی پیامبر به کار رفته است. (۲)

۳. نذیر

«نذیر» به معنای ترساندن و برحذر داشتن است و چون پیامبر مردم را از جهنم و عذاب آن بیم می‌دهد نذیر می‌باشد. پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۸۲ این وصف علاوه بر آنکه از (تندر) و امثال آن نیز گرفته می‌شود، بیش از ۲۰ بار درباره‌ی پیامبر به کار رفته است. (۱)

۴. داعی

«داعی» یعنی دعوت کننده و فراخوان، از آنجا که پیامبر مردم را به سوی خدا فرا می‌خواند داعی الی الله می‌باشد که فرمود:
 «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ؛ (۲)
 با حکمت و پند نیکو، به راه پروردگارت فرا خوان.»
 چنان که در جای دیگر می‌فرماید: «أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ...؛ (۳) ای قوم ما! فرا خواننده خدا را پاسخ دهید...»

۵. سراج منیر

«سراج منیر» یعنی چراغ فروزان، خداوند وجود پیامبر (ص) را به چراغ نور افشان تشبیه کرده است، یعنی همان گونه که، انسان به وسیله‌ی چراغ، راه را از چاه تشخیص می‌دهد، به وسیله‌ی چراغ نبوت نیز هدایت را از ضلالت باز می‌شناسد و نیز همان طور که چراغ، به بصر نور می‌دهد، نبوت و رسالت نیز به بصیرت نور می‌دهد. پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۸۳ این اوصاف پنجگانه به صورت حال و برای بیان هیئت و چگونگی مفعول (کاف خطاب) که همان نبی رسول است آورده شده، و نزدیک به ۱۰ بار در قرآن تکرار شده است. (۱)

۶. شهید

«وَيَكُونُ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا؛» (۲)

و فرستاده [خدا] بر شما گواه باشد.

«شاهد» نیز به معنای گواه بر اعمال در این جهان و ادای شهادت در عالم دیگر است. درباره‌ی گواهی بر اعمال می‌فرماید:

«وَيَكُونُ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا؛ و فرستاده [خدا] بر شما گواه باشد.»

و درباره ادای شهادت می‌فرماید: «وَجِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَى هَؤُلَاءِ؛» (۳)

و تو را (نیز) بر آنان شاهد آوردیم.

شاهد و شاهد اگر چه مترادفند اما اندک تفاوتی بین آنها وجود دارد زیرا شاهد در جایی به کار رفته که تحمل شهادت است و شهید در مواردی به کار رفته که اداء شهادت می‌باشد.

۷. بشیر

«وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا؛» (۴)

و تو را جز برای همه مردم نفرستادیم درحالی که بشارتگر و هشدارگری.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۸۴

«بشیر» نیز مانند «مبشر» به معنای بشارت دهنده به بهشت و نعمت‌های آن می‌باشد و چهار بار در قرآن تکرار شده است. «۱»

۸. منذر

«قُلْ إِنَّمَا أَنَا مُنذِرٌ؛» (۲)

بگو: من فقط هشدار دهنده‌ام.

«منذر» نیز همانند نذیر به معنای ترساننده از عذاب جهنم است و ۷ بار درباره‌ی پیامبر اکرم (ص) به کار رفته است. «۳»

در فرق بین «نذیر» و «منذر» باید گفت: چون منذر اسم فاعل (از باب افعال) و نذیر صیغه‌ی مبالغه از همین باب است از این رو در منذر، «استمرار» و در نذیر «کثرت» نهفته است.

۹. مذکر

«فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ؛» (۴)

پس یادآوری کن که تو فقط یادآوری کننده‌ای.

«مذکر» اسم فاعل از باب تفعیل به معنای یادآوری کننده است و تنها یک بار در قرآن آمده است اگرچه از آیه: «فَذَكِّرْ بِالْقُرْآنِ مَنْ

يَخَافُ وَعَيْدٍ» (۵)

و آیه: «وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذُّكْرَى تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ» (۶)

نیز می‌توان وصف مذکر را گرفت.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۸۵

و. صفات اخلاقی پیامبر (ص)

اشاره

اگرچه سراسر زندگی وجود پیامبر پر است از فضائل اخلاقی، چرا که یکی از اهداف این بعثت اتمام مکارم اخلاقی است «۱» که قرآن به برخی از این اوصاف ویژه اشاره شده است.

۱. صاحب خلق عظیم

منظور از خلق عظیم همان ادب الهی پیامبر است که حکایت شده: ان الله ادب نبیه فاحسن ادبه فلما اکمل له الادب قال: وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ «۲» بنابراین جامع‌ترین توصیفی که قرآن از پیامبر ارائه می‌دهد معرفی آن حضرت به عنوان صاحب خلق عظیم است که فرمود: «وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ؛ «۳» و مسلماً تو بر شیوه (اخلاقی) بزرگوارانه‌ای هستی.» و در پرتو همین خلق عظیم است که پیامبر با خفض جناح، صفح جمیل، هجر جمیل، صبر جمیل، عفو، اغماص و ... با مردم برخورد می‌کند. «۴»

نکته: تعبیر (علی خلق عظیم) اشاره به این است که پیامبر به نوعی بر اخلاق حمیده نیکو استعلاء دارد و بر این صفات نیکو هم چون مرکبی

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۸۶

راهوار تسلط دارد. و در حقیقت این فضایل اخلاقی است که باید بر خود بیابد که در وجود مقدس نبوی است نه این که پیامبر افتخار این اتصاف را داشته باشد.

۲. شرح صدر

منظور از شرح صدر پیامبر، همان بسط و فراخ روحی، فکری، علمی و عرفانی است که به وسیله‌ی آن می‌توان وحی را دریافت کرد و آن را تبلیغ نمود و آمادگی دارد تا ناملايمات و ناگواریها را تحمل کند که در این باره قرآن می‌فرماید: «أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ؛ «۱»

آیا سینه تو را برایت گشاده نساختم»

نکته: پروردگار متعال هم به حضرت موسی شرح صدر عطاء کرد و هم به پیامبر اکرم (ص) اما به موسی بعد از تقاضا که گفت «رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي، «۲»

اما به محمد (ص) قبل از درخواست عنایت کرد و فرمود: «أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ» و این امتیاز حبیب است بر کلیم.

ی ادآوری

همه‌ی صفات اخلاقی پیامبر زیر مجموعه‌ی خلق عظیم است و خلق عظیم خود بخشی از شرح صدر پیامبر است.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۸۷

۳. نرمخویی و مهربانی

«فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ؛» (۱)

و به سبب رحمتی از جانب خدا با آنان نرم خو شدی؛ و اگر (بر فرض) تندخویی سخت‌دل بودی، حتماً از پیرامونت پراکنده می‌شدند.

«لینت» به معنای نرمخویی در مقابل خشونت و تندخویی است. این ویژگی بنا به نص قرآن رمز موفقیت پیامبر اسلام (ص) است زیرا اضافه می‌کند: اگر تند خو و سنگدل بودی مردم از اطراف تو پراکنده می‌شدند.

۴. ناراحت و نگران برای امت

«لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ؛» (۲)

بییقین، فرستاده‌ای از خودتان به سوی شما آمد که رنج‌های شما بر او سخت است؛ (و) بر (هدایت) شما حریص است؛ (و نسبت) به مؤمنان، مهربانی مهرورز است.

از ویژگی‌های پیامبر اسلام این است که آن حضرت از ناراحتی مردم و زیان و ضرری که به آنها برسد به شدت ناراحت و نگران است عزیز علیه ما عتتم.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۸۸

۵. علاقه‌مند به مردم

پیامبر اعظم (ص) آن چنان به هدایت مردم علاقه داشت که بدان عشق می‌ورزید. قرآن می‌فرماید: «حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ» تا جایی که خدوند از روی مهربانی به پیامبر می‌فرماید: «مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى؛» (۱) قرآن را بر تو فرو نفرستادیم تا به زحمت افتی.

۶. دلسوز و مهربان

از ویژگی‌های دیگر پیامبر این است که آن حضرت نسبت به مؤمنین به طور شدید دلسوز و مهربان است که می‌فرماید: «بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ؛» (۲) (و نسبت) به مؤمنان، مهربانی مهرورز است.

۷. روحیه گذشت

در این آیه از میان صفات خداوند، دو صفت را برای پیامبر اکرم (ص) نام می‌برد یکی «رؤف» و دیگری «رحیم». پیامبر هم «رؤف» است نسبت به مطیعان و فرمانبرداران و هم رحیم است نسبت به کسانی که هر چند ایمان دارند اما ممکن است خطایی از آنها سر بزنند.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۸۹

نکته: در مورد فرق بین رؤف و رحیم گفته‌اند: اگرچه هر دو به یک معناست، اما رحمت از فراوانی و کثرت برخوردار است و

رأفت از شدت و قوت، زیرا مهربانی و محبت در رأفت همواره بدون رنج است، ولی مهربانی و محبت در رحمت ممکن است با رنج و درد باشد مانند قطع عضو فاسد که رحمت است اما رأفت نیست.

ز. خطاب‌های قرآنی در مورد پیامبر (ص)

اشاره

خداوند سبحان پیامبر اکرم (ص) را علاوه بر خطاب «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ» «۱» و «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ» «۲» با لقب دیگری نیز مورد خطاب قرار داده است مانند:

۱. مزمل

«يَا أَيُّهَا الْمُزَّمِّلُ قُمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا» «۳»
 ای جامه [به خود] پیچیده! شب را، جز اندکی به پاخیز.
 «مزمل» به معنای پیچیده در جامه؛ اما منظور از جامه چیست؟
 برخی گفته‌اند: منظور لباس و جامه‌ی ظاهری است که آن حضرت خود را در آن پیچیده بوده، و در آن هنگام مورد خطاب قرار گرفت.
 پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۹۰
 بعضی می‌گویند: مراد جامه و عبای نبوت است؛ چرا که آن حضرت با مبعوث شدن به عبای نبوت ملبس شد و بار سنگین رسالت را بر دوش گرفت این نظر با اصل معنای زممل (تحمل) سازگاری بیشتری دارد.

۲. مدثر

«يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ قُمْ فَأَنْذِرْ» «۱»
 ای جامه خواب به خود پیچیده! برخیز و هشدار ده،
 «مدثر» به معنای پیچیده در رختخواب است. هنگامی که پیامبر در بستر خواب آرمیده و جامه‌ی خواب بر سر کشیده بود مورد این خطاب قرار گرفت.
 برخی این احتمال را داده‌اند که مدثر نیز همانند مزمل، به معنای ملبس به لباس نبوت است و یا منظور کسی است که گوشه‌گیری و عزلت را انتخاب کرده است.
 به هر صورت، عد از این دو خطاب، مأموریتی بس سنگین متوجه آن حضرت می‌شود و آن اقدام به قیام است - قم اللیل، قم فاندر - در مزمل قیام برای شب زنده داری، تلاوت قرآن، و آمادگی برای تحمل قول سنگین و ثقیل - إِنْأَسْأَلْنِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا؛ «۲» و قیام در مدثر برای انذار مردم و بزرگ شمردن خداوند (در اعتقاد عمل و سخن).
 پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۹۱

ح. صفات انزاعی (برگرفته شده)

افزون بر نام‌ها، صفات و خطاب‌های گفته شده، دسته‌ی دیگری از اوصاف وجود دارد که از عبادت، ماموریت و فعالیت‌های آن حضرت گرفته می‌شود.

۱. مَطَهَّر (پاکساز) از: «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ؛ (۱)»

از اموال آنان بخشش خالصانه (و مالیات زکات) را بگیر.

۲. مُطَهَّر (پاکیزه) از: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً؛ (۲)»

خدا فقط می‌خواهد پلیدی را از شما خاندان (پیامبر) ببرد و کاملاً شما را پاک سازد.

۳. مَبْلَغ (تبلیغ کننده) از: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ؛ (۳)»

ای فرستاده [خدا]! آنچه را از طرف پروردگارت به سوی تو فرود آمده، برسان؛

۴. مَرْسَل (فرستاده) از: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ؛ (۴)»

او کسی است که فرستاده‌اش را با هدایت و دین حق فرستاد.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۹۲

۵. مَبْعُوث (برانگیخته) از: «وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ؛ (۱)»

بیقین، خدا بر مؤمنان منت نهاد [و نعمت بزرگی بخشید] هنگامی که در میان آنان، فرستاده‌ای از خودشان برانگیخت؛

۶. مَعْلَم و مربی (آموزش و پرورش دهنده) از: «يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ؛ (۲)»

تا آیات تو را بر آنان بخواند [و خود پیروی کند]، و کتاب و فرزاندگی به آنان بیاموزد، و آنها را رشد دهد [و پاک کند]؛

۷. مُبَيِّن (بیان کننده) از: «قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ؛ (۳)»

ای اهل کتاب! بیقین فرستاده ما، پس از فاصله‌ای میان فرستادگان، به سوی شما آمد؛ در حالی که (حقایق را) برای شما روشن بیان می‌کند؛

۸. هَادِي (رهبر و هدایت کننده) از: «إِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ؛ (۴)»

و قطعاً تو به سوی راه راست راهنمایی می‌کنی.

۹. حَاكِم (حکم کننده) از: «لَتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ؛ (۵)»

تا با آنچه خدا به تو نمایانده (و آموخته)، در میان مردم داوری کنی.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۹۳

۱۰. قَاضِي (قضاوت کننده) از: «وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَىٰ اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا؛ (۱)»

و هیچ (حقی) برای مرد با ایمان و زن با ایمان نیست، که هنگامی که خدا و فرستاده‌اش (حکم) چیزی را تمام کنند.

ی ادآوری

تهجد و رسیدن به مقام محمود

قرآن کریم افزون بر آنچه گذشت ویژگی دیگری برای پیامبر بیان می‌کند که آن حضرت را در این جهان و عالم دیگر ممتاز

می‌کند. این ویژگی، تهجد در دنیا و مقام محمود در آخرت است که فرمود:

«وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَّكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا؛ (۲)»

و پاره‌ای از شب را به آن (خواندن قرآن و نماز) بیدار باش؛ در حالی که (عبادت)ی افزون برای توست؛ باشد که پروردگارت تو را

به مقامی پسندیده برانگیزد.

«هجود» و وزن «هجوم» به معنای خواب در شب است، ولی هنگامی که به باب تفعیل و تفعّل برود معنای بیداری در شب یا شب زنده‌داری به خود می‌گیرد.

از این آیه معلوم می‌شود که علاوه بر نمازهای روزانه که بر همگان واجب است برنامه‌ی اضافی دیگری بر پیامبر واجب است. که عبارتند از: تلاوت قرآن

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۹۴

(وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلاً) «۱»

و نماز شب (فتهجد به) ضمیر در «به» به قرآن بر می‌گردد یعنی صلّ بالقرآن.

اما «مقام محمود» خواه مقام به معنای بعث باشد و یا بعث به معنای اقامت، به این معناست که خداوند مقامی به پیامبرش می‌دهد که خود را به محمود توصیف می‌کند، و چون خالی از هر قید اضافی است به خوبی روشن می‌شود که این مقامی است که همگان آن را می‌ستایند.

این مقام در روایات شیعه و سنی به شفاعت کبری تفسیر شده است. «۲»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۹۵

اهمیت و فضیلت صلوات بر پیامبر اسلام (ص) را بیان کنید.

پرسش:

اهمیت و فضیلت صلوات بر پیامبر اسلام (ص) را بیان کنید. پاسخ:

مقدمه

امروزه حاکمان هر کشوری برای احیای شعائر و پاسداشت بزرگان خود، به مجسمه‌ها و تندیس یادبودها و برگزاری جشن‌ها متوسل می‌شوند؛ تا این که خاطره‌ی آن‌ها را در ذهن‌ها زنده نگهدارند.

شاید با قاطعیت بتوان گفت: بیشتر آنها در گوشه‌ای از تاریخ بایگانی شده است. اما در دین اسلام که مشعل داران و مجریان آن، پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) او هستند؛ شیوه‌ای برای زنده نگه داشتن نام پیامبر و اهل بیت او، تعیین شده که همان ذکر صلوات است.

ذکر صلوات، نه فقط برای زنده نگه داشتن نام پیامبر و آل اوست؛ بلکه برای احیای اسلام و معارف قرآنی است.

صلوات، شعار واحد همه‌ی مسلمان در سراسر جهان است.

صلوات، معیار شناخت مسلمان از غیرمسلمان است.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۹۶

صلوات، ذکر قلبی و زبانی است. به عبارت دیگر، صلوات صدقه‌ی زبان است.

ذکر صلوات در هر مجلسی و محفلی، تبلیغ عملی اسلام است.

صلوات، عامل رشد روح و تعالی انسان است.

شاید تصور شود که ذکر صلوات از زمان پیامبر اکرم (ص) به بعد مطرح شده؛ در حالی که از حضرت آدم تا حضرت خاتم، نام محمد و آل محمد (ع) ورد زبان آنها بوده است و در سختی‌ها و مشکلات، خداوند رابه عظمت محمد و آل محمد قسم می‌دادند؛ تا این که از سختی‌ها رهایی یابند.

در عظمت پیامبر و آل او همین بس که اولاً: خداوند و ملائکه برای آنها درود و صلوات می‌فرستند. و ثانیاً: خداوند ذکر صلوات را در تشهد نماز واجب نموده یعنی نماز بی صلوات، نماز نیست.

واژه شناسی

قبل از آن که به مقوله‌ی فضیلت صلوات و انواع آن پرداخته شود؛ لازم است واژه‌ی صلوات را در لغت و اصطلاح بررسی نمائیم:

«صلوات» جمع «صلوه»، و در اصل به معنای دعا، تبریک و تمجید است. «۱»

و برخی آن را «توجه و انعطاف» معنا کرده‌اند. «۲» و بعضی آن را به معنای «تعظیم» گرفته‌اند.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۹۷

نماز را «صلوه» می‌گویند؛ به خاطر این که مشتمل بر تعظیم پروردگار است. اما در عرف شرعی اگر «صلوات» به خدا نسبت داده شود؛ به معنای رحمت و تزکیه و ثناء است. و اگر به غیر خدا نسبت داده شود؛ به معنای دعا، تصدیق و اقرار به فضیلت کسی است.

«۱»

شخصی از امام کاظم (ع) سوال کرد: معنای صلوات خدا و صلوات ملائکه و صلوات مؤمنین چیست؟ امام در پاسخ فرمودند: صلوات خدا رحمتی است از طرف او؛ صلوات ملائکه، یعنی تزکیه و استغفار ملائکه برای کسی؛ و صلوات مومنین، یعنی دعای آنها در حق کسی. «۲»

در ابتدا، کلمه‌ی «صلوه» به معنای دعا بوده ولی بعد از پیامبر اکرم (ص) به سبب استعمال زیاد، در عبادت مخصوص، یعنی نماز، اصطلاح شده است.

صلوات در قرآن

واژه‌ی «صلوه» و «صلوات» ۹۰ بار در قرآن آمده؛ و لفظ «صلوات» بدون الف و لام «۳» بار و با الف و لام یک بار آمده است، و در بیشتر موارد، منظور، عبادت مخصوص، یعنی نماز است اما در برخی آیات به صلوات اصطلاحی نیز اشاره شده است: مانند:

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۹۸

«إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» «۱»

در حقیقت خدا و فرشتگان بر پیامبر دعا (صلوات) می‌فرستند؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بر او دعا (صلوات) بفرستید، و بطور کامل سلام کنید (و کاملاً تسلیم او باشید).

مقام پیامبر (ص) آن قدر والا است که آفریدگار عالم هستی و تمام فرشتگانی که تدبیر این جهان به عهده‌ی آنها گذارده شده؛ بر او درود می‌فرستند، در ادامه به مؤمنین نیز دستور می‌دهد که بر پیامبر اکرم (ص) صلوات و درود بفرستند.

نکات آیه

۱. واژه‌ی «یصلون» به صورت فعل مضارع بیان شده که دلیل بر استمرار دارد. یعنی پیوسته و همیشه خداوند و فرشتگان بر پیامبر اسلام (ص) رحمت و درود می‌فرستند.

۲. خداوند در مرحله‌ی اول، مومنین را برای فرستادن صلوات امر نکرده، بلکه با اشاره به این که خداوندی که تمام هستی در قبضه‌ی قدرت اوست، و همه‌ی فرشتگان که در شبانه روز تسبیح خداوند می‌کنند؛ بر پیامبر صلوات می‌فرستند پس شما نیز صلوات بفرستید. که با این بیان، هم مقام و عظمت پیامبر را معرفی کرده، و هم اذیت به پیامبر اسلام را نهی نموده است.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۱۹۹

(که آیه‌ی بعدی به آن اشاره دارد) و نیز مردم را به تبعیت از خدا در صلوات فرستادن، دعوت می‌کند. «۱»

روش گفتن صلوات

شیوه‌ی فرستادن صلوات، در احادیث بی‌شماری مطرح شده و در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. «ابوحزمه ثمالی» از یکی از یاران پیامبر (ص) به نام «کعب» چنین نقل می‌کند: «هنگامی که آیه‌ی ۵۶ سوره‌ی احزاب نازل شد؛

خدمت رسول الله رسیدیم و گفتیم: سلام به شما را می‌دانیم! ولی صلوات بر شما چگونه است؟ پیامبر اکرم (ص) در پاسخ فرمودند: (هر وقت نام من را شنیدید) بگوئید: «اللهم صل علی محمد و آل محمد کما صلیت علی ابراهیم انک حمید مجید...» (۲)

۲. پیامبر اعظم (ص) درباره‌ی صلوات کامل فرمودند: «هرگز برای من صلوات ناقص نفرستید! اصحاب گفتند: صلوات ناقص چگونه است؟ در پاسخ فرمودند: اینکه فقط بگوئید: «اللهم صل علی محمد» بلکه صلوات کامل آن است که بگوئید: «اللهم صل علی محمد و آل محمد» (۳) پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۲۰۰

علمای شیعه و جمعی از فقهای بزرگ اهل سنت فتوا داده‌اند که در تشهد نماز، واجب است «آل محمد» را بر صلوات اضافه نمایند. (۱)

همه‌ی فقهای شیعه صلوات بر «محمد و آل محمد» را در تشهد اول و دوم نماز واجب می‌دانند و در غیر نماز مستحب می‌شمارند. و از فقهای اهل سنت مانند: شافعی، احمد حنبل و گروه دیگری، آن را در تشهد دوم واجب می‌دانند؛ ولی بعضی دیگر، مانند: ابو حنیفه، آن را واجب نشمرده‌اند. (۲)

زراره از امام صادق (ع) روایت نموده: روزه با پرداخت زکات فطره تمام می‌شود، همان طور که نماز با صلوات بر محمد و خاندانش تمام می‌شود؛ و کسی که روزه بگیرد و عمداً زکات فطره ندهد؛ روزه‌اش روزه نیست. همان طور که کسی نماز بخواند و عمداً صلوات بر محمد و خاندانش را ترک کند، نمازش نماز نیست. (۳)

اهل بیت (ع) براساس آیات قرآن و حدیث متواتر ثقلین، همتای قرآن بوده، تمسک به یکی از آن دو، بدون دیگری، مساوی با ترک هر دو است؛ و دستیابی به دین کامل، در پرتو تمسک به آیات و روایات امکان پذیر است. در حقیقت، پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۲۰۱

قرآن و عترت، عصاره‌ی نبوت و تداوم بخش رسالت هستند و هدایت بشر را تا روز قیامت تضمین می‌کنند. (۱)

آیات فراوانی در شأن و منزلت اهل بیت نازل شده است تا جایی که ابن عباس می‌گوید: درباره‌ی علی (ع) به تنهایی، سیصد آیه نازل شده است. (۲) و برخی دیگر گفته‌اند: ربع آیات قرآن در مورد اهل بیت (ع) می‌باشد. (۳)

بررسی این آیات در این مجال نمی‌گنجد، در اینجا فقط برخی از این آیات را برمی‌شماریم: (۴)

آیه‌ی تطهیر (احزاب/ ۳۳)، آیه‌ی برائت (توبه/ ۱)، آیه‌ی سقایه الحاج (توبه/ ۱۹)، آیه‌ی صالح المومنین (تحریم/ ۴)، آیه‌ی حکمت (بقره/ ۲۶۹)، آیه‌ی بینه (هود/ ۱۷)، آیه‌ی نور (حدید/ ۲۸)، آیه‌ی انذار (شعراء/ ۲۱۴)، آیه‌ی مرج البحرين (الرحمن/ ۱۹ و ۲۲)، آیه‌ی نجوی (مجادله/ ۱۲)، آیه‌ی سابقون (واقعه/ ۱۰ و ۱۱)، آیه‌ی محبت (مریم/ ۹۶؛ مائده/ ۵۴)، آیه‌ی انفاق (بقره/ ۲۷۴)، آیه‌ی حبل الله (آل عمران/ ۱۰۳)، آیه‌ی راسخون در علم (آل عمران/ ۷) آیه‌ی ولایت (مائده/ ۵۵)، آیه‌ی علم الكتاب (رعد/ ۱۳)، آیه‌ی اهل الذکر (نحل/ ۴۳) و ...

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۲۰۲

آن چه ذکر شد، گوشه‌هایی از شأن و منزلت اهل بیت در قرآن است که هیچ کس قادر به انکار این آیات نیست. و علاوه بر حضرت علی و فاطمه و حسن و حسین (ع)، فرزندان آنها نیز تا امام دوازدهم قائم آل محمد، آل محمد می‌باشند. موارد فرستادن صلوات

آنچه از احادیث استفاده می‌شود، ذکر صلوات در همه‌ی زمان‌ها و مکان‌ها توصیه شده و مهمترین آنها عبارتند از:

۱. هر موقعی که نام مبارک پیامبر (ص) برده شود خواه خودش به زبان جاری کند و یا از دیگری بشنود، در چنین مواردی فرستادن صلوات لازم است.

۲. هر کلامی که دارای رتبه و مقامی باشد همانند خطبه‌ها که مشتمل بر حمد و ثنای الهی می‌باشد و اگر در آن صلوات بر رسول

خدا (ص) نباشد، ابتر می‌شود و از خیر و برکت بی‌بهره خواهد بود.

۳. در ابتدای وضو ذکر صلوات بسیار نیکو می‌باشد.

۴. اهل سنت از پیامبر خدا (ص) روایت کرده‌اند که پس از فارغ شدن از وضو بگویند: «اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ام محمد عبده و رسوله» و بعد از آن صلوات بفرستید! که با این ذکر درهای رحمت الهی گشوده خواهد شد.

۵. هنگام ورود و حضور در مسجد، ذکر صلوات بسیار توصیه شده است.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۲۰۳

۶. در تعقیب همه‌ی نمازها عموماً، و در تعقیب نماز مغرب و صبح خصوصاً، ذکر صلوات تأکید شده است.

۷. قبل از شروع دعا و نیایش.

۸. بعد از دعا و نیایش.

۹. در خطبه‌ی نماز، جمعه، در عیدها و نماز طلب باران.

۱۰. در هر روز از روزهای سال ذکر صلوات مفید خواهد بود.

۱۱. هر شب، فرستادن صلوات نیکو است.

۱۲. عصر روز پنج شنبه.

۱۳. شب جمعه.

۱۴. روز جمعه.

۱۵. ماه مبارک رجب و در روز مبعث حضرت رسول اکرم (ص).

۱۶. ماه مبارک شعبان.

۱۷. ماه مبارک رمضان.

۱۸. در وقت بوییدن گل‌ها و ریحانه‌ها.

۱۹. بعد از عطسه زدن خود یا دیگری.

۲۰. در موقع ذکر پروردگار عالم، صلوات فرستاده شود. «۱»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۲۰۴

اهمیت و فضیلت صلوات در روایات

احادی درباره‌ی اهمیت و فضیلت صلوات حکایت شده است، پرداختن به همه‌ی آن‌ها از حوصله‌ی این نوشتار خارج است از این رو به مهمترین آنها اشاره می‌کنیم:

۱. صلوات، بهترین دعا: یکی از اصحاب می‌گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم: من داخل کعبه شدم و دعایی به خاطر نیامد جز

صلوات بر محمد (ص) حضرت فرمود: «آگاه باش! مانند تو در فضیلت و ثواب، کسی از خانه خدا بیرون نیامده است.» «۱»

۲. صلوات زمینه‌ساز استجاب دعا: از امام صادق (ع) حکایت شده «بر هر یک از شما لازم است که هنگام درخواست حاجت از خداوند بزرگ، با ستایش الهی آغاز کند و به تمجید محمد و آل او پردازد و سپس به تقصیرها و گناهان خود اعتراف کند و پس از آن حاجت خود را مطرح نماید.»

۳. رفع نفاق: از رسول خدا (ص) حکایت شده: «الصلاه علیّ و علی اهل بیتی تذهب بالنفاق؛ صلوات و درود بر من و خاندان من

نفاق را از بین می‌برد.» «۲»

امام جعفر صادق (ع) از رسول اکرم (ص) نقل می‌کند: «ارفعوا اصواتکم بالصلاه علیّ فانها تذهب بالنفاق؛ صلوات بر من را با صدای

بلند اداء نمایند، زیرا موجب از بین رفتن نفاق می‌گردد. «۳»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۲۰۵

۴. باعث خلاصی از دشواری‌ها: در ذیل تفسیر آیه «وَإِذْ نَجَّيْنَاكُمْ مِنَ آلِ فِرْعَوْنَ» «۱» آمده است:

«بنی اسرائیل با ذکر صلوات بر محمد و آل او، از مشکلات و دشواری‌ها و بیگاری‌هایی که از سوب عمال فرعون بر آنها تحمیل شده بود نجات یافتند، زیرا بنی اسرائیل بر اثر کار اجباری فرعون، از پای در می‌آمدند، تا آن که از سوب خدا، به موسی وحی شد که به آنان (بنی اسرائیل) صلوات بر محمد و آل محمد را تعلیم دهد تا موجب کاهش سختی‌های آنان شود.» «۲»

۵. موجب از بین رفتن گناهان: از امام رضا (ع) نقل شده: «هرکس نتواند کفاره‌ی گناهانش را بپردازد، باید بر محمد و آلش درود فراوان بفرستد زیرا صلوات گناهان را از بین می‌برد.» «۳»

۶. نوشتن صلوات: از پیامبر خدا (ص) حکایت شده: «من صلی علی فی کتاب لم تزل الملائکه تستغفر له مادام اسمی فی ذلک الکتاب؛ هرکس در نوشته‌ای بر من درود فرستد، تا زمانی که نام من در آن نوشته موجود باشد، فرشتگان پیوسته برای او آمرزش طلبند.» «۴»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۲۰۶

۷. بهترین عمل در روز جمعه: از امام صادق (ع) روایت شده: «ما من عمل افضل یوم الجمعة من الصلاه علی محمد و آله؛ هیچ عملی در روز جمعه از صلوات بر محمد و آل محمد (ص) برتر نیست.» «۱»

۸. نگاه به نامحرم و ذکر صلوات: از امیرالمومنین علی (ع) حکایت شده: «هنگامی که زنی نظر شما را جلب کرد باید به همسر خود روی آورد و بداند که زنان همه از یک مقوله‌اند.»

او نباید شیطان را بر دل خود مسلط سازد و اگر همسر ندارد، دو رکعت نماز بخواند و سپس به حمد الهی و صلوات بر محمد و آل او بپردازد، و از خدا بخواهد تا با رحمت و فضل خود، وی را استغنا و بی‌نیازی باطنی ببخشد و گره از کارش باز کند.» «۲»

۹. سنگین‌ترین عمل در قیامت: از امام باقر (ع) و امام صادق (ع) روایت شده که فرمودند: «اثقل ما یوضع فی المیزان یوم القیامه الصلاه علی محمد و علی اهل بینه؛ سنگین‌ترین علمی که روز قیامت در ترازو (ی اعمال) گذاشته می‌شود، درود بر محمد و اهل بیت اوست.» «۳»

۱۰. سنگینی خوبی‌ها در نامه‌ی اعمال: رسول خدا (ص) فرمودند: «انا عند المیزان یوم القیامه، فمن ثقلت سیناته علی حسناته جئت بالصلاه علی»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۲۰۷

حتی ائقل بها حسناته؛ من در قیامت نزد میزان اعمال می‌باشم، هرکس کفهی گناهانش افزون‌تر از حسناتش شود، آن صلوات‌هایی را که بر من فرستاده بیاورم و بر حسناتش بیفزایم تا بر گناهانش فزون آید.» «۱»

۱۱. روشنایی قبر و قیامت: از پیغمبر گرامی (ص) روایت شده:

«اکثروا الصلوه علی فان الصلوه علی نور فی القبر و نور علی الصراط نور فی الجنة؛ بر من بسیار درود بفرستید زیرا برای درود فرستنده نوری است در قبر، نوری است بر صراط، و نوری است در بهشت.» «۲»

۱۲. صلوات، وسیله‌ی قرب به خدا: خداوند متعال به موسی وحی نمود: ای موسی! آیا می‌خواهی که من؛ از کلامت نسبت به تو، و از گناهت به چشم تو، و از روحت به بدن تو و از اندیشه‌ات به دل تو نزدیک‌تر باشم - م؟

حضرت موسی (ع) عرض کرد: آری، مشتاق چنین قربی هستم. خطاب رسید: اکنون که جویای این سعادت هستی، بر حبیب من محمد مصطفی صلوات بفرست، زیرا که صلوات بر او رحمت و نور است.» «۳»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۲۰۸

۱۳. صلوات، ادای حقوق نماز: از امام حسن عسگری (ع) حکایت شده:

منظور از قول خداوند که فرمود: «اقیموا الصلوه؛ (۱) نماز را به پا دارید» این است که نماز را با رکوع و سجود، کامل، و ادای حقوق انجام بدهید. که اگر ادای حقوق نشود، خداوند قبول نمی‌کند، بعد حضرت فرمود: آیا می‌دانید حقوق نماز چیست؟ حقوق نماز این است که بعد از نماز با اعتقاد به این که پیامبر و آلش بهترین انتخاب شدگان هستند، بر آنها صلوات بفرستی. «۲»

شافعی یکی از چهار پیشوای بزرگ اهل سنت در شعری می‌گوید:

یا اهل بیت رسول حکم

فرض من الله فی القرآن انزله

کفاکم من عظیم القدر انکم

من لم یصل علیکم لاصلوه له یعنی: ای اهل بیت رسول! خداوند در قرآنش محبت شما را واجب نموده است و در عظمت شما همین بس که اگر کسی نماز بخواند و بر شما صلوات نفرستد، نمازش نماز نیست. «۳»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۲۰۹

سفارش عارف و اصل حضرت آیه الله بهاءالدینی (ره) در مورد صلوات:

معمولاً خانواده‌ها و مراجعین زیادی از راه‌های دور و نزدیک به ایشان مراجعه می‌کردند؛ و گرفتاری‌ها و مشکلات زیادی را نزد ایشان مطرح می‌نمودند.

حضرت آیه الله بهاءالدینی به اکثر آنان سفارش می‌فرمود: در مواقعی که اتفاقات ناگوار و غیر مترقبه‌ای برای شما رخ می‌دهد گوسفندی را قربانی کنید و چهارده هزار صلوات به یاد چهارده معصوم بفرستید، و حدیث کساء را قرائت کنید.

و باز از ایشان نقل شده که در صورت وقوع مشکلی که فکر نمی‌کردید در زندگی شما آن واقعه رخ دهد بدانید که از طرف دیگران مورد حسادت قرار گرفته‌اید چشم زخم خورده‌اید؛ لذا با ذبح یک گوسفند و ذکر چهارده هزار صلوات بلائای وارده را از خود و خانواده‌ی خویش دور سازید. «۱»

نتیجه

صلوات بر پیامبر و آل او (ع) دارای اهمیت و فضیلت بی‌شماری است، تا جایی که خداوند و تمامی فرشتگان بر او صلوات و درود می‌فرستند. و در اهمیت صلوات همین بس که خداوند ذکر آن را در تشهد نماز واجب کرده است.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۲۱۰

صلوات را می‌توان عنایت و تفضلی از طرف خداوند برای بشر دانست؛ زیرا ذکر صلوات که نوعی صدقه‌ی زبان است، سبب بخشش گناهان و نزدیکی به خداوند و برآورده شدن حاجت و ... می‌باشد.

معرفی کتاب

جهت مطالعه بیشتر رجوع شود به:

۱. کتاب «وسیله الخادم الی المخدوم» در شرح صلوات چهارده معصوم، از فضل الله بن روزبهان خنجی اصفهانی (م ۹۲۷)، توسط استاد رسول جعفریان (انتشارات انصاریان، قم، ۱۳۷۵) تنظیم و به چاپ رسیده است. نویسنده‌ی این کتاب از علمای اهل تسنن می‌باشد و به امامت قلبی امامان دوازده گانه اعتقاد دارد نه حکومت ظاهری آنها.

۲. آثار و برکات صلوات: عباس عزیزی، انتشارات صلاه، قم، چاپ هفتم، ۱۳۸۴.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۲۱۱

وظایف مردم نسبت به پیامبر از نگاه آیات قرآن چیست؟

پرسش:

وظایف مردم نسبت به پیامبر از نگاه آیات قرآن چیست؟ پاسخ:

مقدمه:

پیامبر اکرم (ص) حدود چهارده قرن قبل می‌زیسته و آیات نیز آن زمان نازل شده است که با «الغای خصوصیت از مخاطبان و اتفاقات و شأن نزول‌ها» (۱) قواعد کلی به دست می‌آید که شامل همه‌ی افراد در همه‌ی زمان‌ها می‌شود. اینک نگاهی کوتاه می‌افکنیم به وظایف مؤمنین نسبت به پیامبر اعظم (ص) از دیدگاه قرآن؛ ابتدا به بیان وظیفه‌ی همه‌ی انسان‌ها نسبت به

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۲۱۲

ایشان که «ایمان» به و «اطاعت» از اوست به صورت جداگانه می‌پردازیم و پس از ورود به جرگه‌ی ایمان، وظیفه‌ی افراد را در موارد زیر مطرح می‌کنیم:

الف: قضاوت و داوری

ب: حکومتی

ج: اقتصادی

د: اجتماعی

هـ: شخصی و خانوادگی

و: دینی

ز: الگوپذیری

البته لازم به ذکر است در این تقسیم‌تسامح وجود دارد یعنی ممکن است برخی مطالب تحت عناوین متعددی گنجانده شوند و منحصر به جای ذکر شده نیستند؛ اما نظم بیشتر و یا توجه به برخی شأن نزول‌ها و همچنین در برخی موارد رنگ غالبی که یک مطلب داشت، باعث شد این مقاله را با این تقسیم‌بندی ارائه دهیم:

وظیفه‌ی همه انسان‌ها: ایمان، و اطاعت از پیامبر (ص)

قرآن کریم در آیات متعددی «ایمان به رسول اکرم» را در کنار «ایمان به خدا» ذکر کرده و اطاعت از او را همان اطاعت از خدا می‌داند و برای آن آثاری را بر می‌شمرد، از جمله:

الف: پیروی از پیامبر (ص) نشانه‌ی صداقت در دوست داشتن خدا

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۲۱۳

«قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي؛ (۱) بگو: «اگر همواره خدا را دوست می‌دارید، پس از من پیروی کنید»

ب: اطاعت از پیامبر جلب‌کننده‌ی محبت و مغفرت الهی

«... فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ...؛ پس از من پیروی کنید تا خدا دوستتان بدارد؛ و پیامد (گناهان) شما را برایتان

پیامزد.» (۲)

ج: پیروی از او مایه‌ی رحمت خداوند

«وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ؛ (۳)

و خدا و فرستاده [اش را اطاعت کنید، باشد که شما (مشمول) رحمت شوید.»

د: اطاعت از او موجب همنشین شدن با پیامبران (ص)، صدیقین، شهداء و صالحین

«وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا؛ «۴»

و کسانی که خدا و فرستاده [اش را اطاعت کنند، پس ایشان با کسانی، که خدا به آنان نعمت داده، از پیامبران و راستگویان و شهیدان و شایستگان (همنشین) خواهند بود؛ و آنان چه نیکو رفیقانی هستند.»

ه:- باعث هدایت

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۲۱۴

«فَأْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمَاتِهِ وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ؛ «۱»

پس ایمان آورید به خدا و فرستاده‌اش، پیامبر درس نخوانده‌ای که به خدا و کلماتش ایمان دارد؛ و از او پیروی کنید تا شاید شما راهنمایی شوید.»

و: زنده شدن به حیاتی برتر

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ؛ «۲»

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! [دعوت خدا و فرستاده‌اش را بپذیرید، هنگامی که شما را به سوی چیزی فرا می‌خواند، که شما را حیات می‌بخشد]

ز: رستگاری و سعادت‌مندی

«وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَخْشَ اللَّهَ وَيَتَّقْهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ؛ «۳»

و هر کس خدا و فرستاده‌اش را اطاعت کند، و از (نافرمانی) خدا بهراسد و خودش را از (عذاب) او حفظ کند، پس تنها آنان کامیابند.»

ط: زمینه ساز پاداش بزرگ خداوند

«... فَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَأَنْفَقُوا لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ؛ «۴» پس کسانی که از شما ایمان آورند و (در راه خدا) مصرف کنند، برایشان پاداش بزرگی است.»

ی: نجات از عذابی دردناک

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۲۱۵

«... هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ تُوْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ....؛ «۱»

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! آیا شما را به دادوستدی راهنمایی کنم که شما را از عذاب دردناک نجات دهد؟!»

ح: اطاعت نکردن از خدا و پیامبر (ص) موجب باطل شدن عمل

«إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَشَاقُّوا الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ لَنْ يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا وَسَيُحِبِّطُ أَعْمَالَهُمْ؛ «۲»

در حقیقت کسانی که کفر ورزیدند و (مردم را) از راه خدا بازداشتند و بعد از روشن شدن هدایت برای آنان با فرستاده (خدا) مخالفت ورزیدند، به خدا هیچ چیزی زیان نمی‌رسانند؛ و بزودی اعمالشان را تباه می‌کند.»

الف- قضاوت و داوری

۱. معیار قرار دادن خدا و رسول برای حل اختلاف

قرآن کریم در آیه‌ی ۷۹ سوره ی نساء می‌فرماید:

«مَا أَصَابَكُمْ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنْ نَفْسِكُمْ وَأَرْسَلْنَاكَ لِلنَّاسِ رَسُولًا وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا؛ «۳»

هر چه از خوبی به تو

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۲۱۶

می‌رسد، پس از خداست؛ و هر چه از بدی به تو می‌رسد، پس از خود توست. و تو را به رسالت برای مردم فرستادیم؛ و گواهی خدا (در این باره) کافی است.»

در این آیه ضمن سفارش به اطاعت از خدا و پیامبر (ص) می‌فرماید:

هر گاه در چیزی اختلاف کردید آنرا به خدا و پیامبرش (ص) ارجاع دهید. از آنجا که در این قسمت عموم حاکمان دینی یعنی «اولی الامر» را محل مراجعه برای اختلاف نمی‌داند مشخص می‌شود منظور از «شیء» در آیهی شریفه احکام دینی است که احدی حق ندارد در آنها به طور مستقل به نظر خود عمل کند. «۱» همچنین مشخص می‌شود خود «ولایت» و تعیین اولی الامر یعنی حاکم دینی می‌تواند از مهم‌ترین موارد اختلاف باشد که برای تعیین آن باید به خدا و پیامبرش (ص) مراجعه شود. «۲»

۲. خشنودی و رضایت از داوری پیامبر در همه حال

قرآن کریم در آیه ۶۵ سوره‌ی نساء می‌فرماید:

«فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا؛ و [لی چنین نیست، به پروردگارت سوگند! که آنها ایمان (حقیقی) نخواهند آورد، تا اینکه در مورد آنچه در

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۲۱۷

میانشان اختلاف کردند، تو را داور گردانند؛ سپس از داوری تو در جانشان هیچ (دل) تنگی نیابند، و کاملاً تسلیم شوند.

در شأن نزول این آیه گفته‌اند: زیر که از مهاجران بود با یکی از انصار بر سر آبیاری نخلستان‌های خود اختلاف پیدا کردند، نزد پیامبر (ص) آمدند و آن حضرت فرمودند: اول زیر باغ‌هایش را آبیاری کند و بعد مسلمان انصاری. مرد انصاری ناراحت شد و گفت: آیا این قضاوت به خاطر آن بود که زیر عمه زاده توست پیامبر (ص) به حدی ناراحت شد که رخسار او دگرگون گردید. «۱»

گر چه ناراحتی درونی از قضاوت‌هایی که احياناً به زیان انسان است غالباً اختیاری نیست ولی با تربیت‌های اخلاقی و پرورش روح تسلیم در برابر حق و عدالت، حالتی در انسان پدید می‌آید که از داوری پیامبر (ص) و جانشینان او هرگز ناراحت نخواهد شد. «۲» چرا که خدا به رسولش می‌فرماید: «در واقع ما این کتاب را بحق به سوی تو فرو فرستادیم؛ تا با آنچه خدا به تو نمایانده (و آموخته)، در میان مردم داوری کنی.» «۳»

از این رو اگر کسی از حکم آن حضرت ناراحت شود در واقع از حکم خداوند ناراحت شده است. البته می‌توان معنای آیه را فراتر از قضاوت گرفت و

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۲۱۸

گفت شامل تمام روش‌هایی که آن حضرت در زندگی خود برگزیده است نیز می‌شود و مؤمن حقیقی نمی‌تواند آن را رد نماید و یا به گونه‌ای از آن ابراز ناراحتی کند. در حدیثی آمده است اگر جمعیتی خدا را بپرستند، نماز را به پا دارند، زکات را پردازند، روزه‌ی ماه رمضان و حج را به جا بیاورند اما نسبت به کارهایی که پیامبر (ص) انجام داده با سوء نیت بنگرند و یا بگویند اگر او فلان کار را انجام نداده بود بهتر بود آنها مؤمنان واقعی نیستند. سپس آیهی فوق را تلاوت کرده و فرمودند: بر شما باد که همیشه در مقابل خدا و حق تسلیم باشید. «۲»

و از طرف دیگر آیهی ۵۰ سوره‌ی نور عکس العمل منافقان تاریک دل را در برابر داوری خدا و پیامبر (ص) بیان می‌کند که آنان از داوری عدل آن حضرت سرباز می‌زدند گویا می‌ترسیدند خدا و پیامبر (ص) حق آنان را پایمال کنند.

و در مورد واکنش مومنین می‌فرماید:

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۲۱۹

«سخن مؤمنان، هنگامی که به سوی خدا و فرستاده‌اش فرا خوانده می‌شوند، تا در میان آنان داوری کند، فقط این است که می‌گویند: «شنیدیم و اطاعت کردیم.» (۱)»

نه تنها در قضاوت اینگونه‌اند که در همه‌ی ابعاد زندگی تسلیم خدا و پیامبرند چه اینکه در آیه‌ی ۳۶ سوره‌ی احزاب می‌فرماید: «و هیچ (حقی) برای مرد با ایمان و زن با ایمان نیست، که هنگامی که خدا و فرستاده‌اش (حکم) چیزی را تمام کنند، در کارشان اختیاری داشته باشند.»

آنها باید اراده‌ی خود را پیرو اراده‌ی حق کنند. اگر چه استقلال فکری و روحی انسان اجازه نمی‌دهد بی‌قید و شرط تسلیم کسی شود اما هنگامی که حکمی را خداوند حکیم و پیامبر معصوم بیان کرده تسلیم نبودن دلیل برگمراهی است زیرا او کم‌ترین اشتباهی ندارد و وقتی دستوری درست بود عمل نکردن به آن اشتباه است به همین دلیل در ادامه‌ی آیه می‌فرماید: «کسانی که معصیت خدا و پیامبرش کنند دچار گمراهی آشکاری شده‌اند.»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۲۲۰

در این راستا گروهی از مردم فقط زمانی تسلیم حق هستند که منافعشان تأمین شود. اینان در حقیقت مشرکانی بیش نیستند. گروهی دیگر اراده‌شان تحت الشعاع اراده‌ی خداست و وقتی با منافعشان تضاد پیدا می‌کند از آن چشم می‌پوشند ایشان مومنین راستین هستند. گروه سوم از آن هم بالاترند و جز آنچه خدا می‌خواهد خواسته‌ای ندارند (تا در مواقعی با آن تضاد پیدا کند و از آن چشم بپوشند). (۱)

ب: حکومتی

۱. محترم شمردن حاکمیت پیامبر (ص)

قرآن کریم در سوره‌ی نساء آیه‌ی ۶۴ می‌فرماید:

«وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا؛ و ما هیچ فرستاده‌ای را نفرستادیم، مگر برای اینکه به رخصت خدا، اطاعت شود. و اگر (بر فرض) آن (منافق) ان هنگامی که به خودشان ستم کردند، نزد تو می‌آمدند، و از خدا آمرزش می‌خواستند، و فرستاده [ما نیز] برای آنان طلب آمرزش می‌کرد، حتماً خدا را بسیار توبه‌پذیر [و] مهرورز می‌یافتند.»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۲۲۱

نباید کسی خیال کند مهم این است که خدا عبادت شود و پیامبر (ص) وسیله‌ای است برای رسیدن به کار درست: بنابراین اگر آن کار بدون اطاعت و مراجعه به پیامبر (ص) از طریق دیگری به دست آمد اشکالی ندارد.

زیرا در این آیه فلسفه‌ی فرستادن پیامبران را به صورت مطلق اطاعت از آنها- به اذن خدا- می‌داند چه در مواردی که به سود ما باشد یا به زیان ما (۱) و این در حالی است که قبل از آن (۲) افرادی را به خاطر مراجعه به طاغوت و قاضی قرار دادن آن، مورد مذمت قرار می‌دهد و در ایمان آنان تردید می‌کند بدون در نظر گرفتن اینکه آیا رجوع آنان به طاغوت برای بدست آوردن حق بوده است یا باطل.

از ادامه‌ی آیه استفاده می‌شود: گذشت از گناه نقض حاکمیت پیامبر در گرو پذیرفتن حاکمیت کامل آن حضرت است و حتی پذیرفته شدن توبه آنان مشروط است به قبول آن از طرف پیامبر و استغفار آن حضرت برای آنان (به آیه دقت فرمایید) (۳)

۲. لزوم ارائه‌ی اخبار امنیتی به پیامبر (ص) (و رهبران جامعه) (۴)

قرآن کریم در آیه ۸۳ سوره نساء می‌فرماید:

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۲۲۲

«وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَدَّعَوْا بِهِ وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولَى الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا» و هنگامی که خبری (حاکمی) از ایمنی یا ترس به آن [منافق]ان برسد، منتشرش سازند، و [لی] اگر (بر فرض) آن را به فرستاده [خدا] و به اولیای امر از بینشان، ارجاع دهند، از میان آنان کسانی که آن را استنباط می‌کنند، حتماً به (درستی و نادرستی) آن آگاهی دارند. و اگر بخشش خدا و رحمتش بر شما نبود، مسلماً جز اندکی (از شما، همگی) از شیطان پیروی می‌کردید.»

گاهی اخبار بی‌اساس از طرف دشمنان به منظورهای خاصی طراحی می‌شود و اشاعه‌ی آن به زیان مسلمانان تمام می‌شود در حالی که وظیفه دارند اینگونه اخبار را قبل از هر کسی با رهبران جامعه در میان بگذارند و بی‌جهت دیگران را دچار غرور بی‌جا یا تضعیف روحیه نکنند.

«سیتنبطونه» از ماده «نبط» به معنای نخستین آبی است که از چاه می‌کشند و از ریشه‌های زمین استخراج می‌شود به همین دلیل استخراج حقایق از دلایل و شواهد مختلف را «استنباط» گویند. «۱»

در این آیه برخلاف آیه ۵۹ همین سوره «ردّ الی الله» یعنی ارجاع دادن مطلب به خدا ذکر نشده و در عوض آن «اولی الامر» آمده است. همانگونه

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۲۲۳

که اشاره شد منظور از «شیء» در آنجا «حکم شرعی» است که احدی غیر از خدا و پیامبرش حق اظهار نظر ندارند، ولی در اینجا منظور اخبار سیاسی-امنیتی است که باید به حاکمان دین که در رأس آن پیامبر (ص) و جانشینان راستین او قرار دارند ارجاع شود تا درست و اشتباه مشخص گردد. «۱»

۳. خیانت نکردن به خدا و پیامبرش (ص)

خدای متعال در سوره انفال آیه ۲۷ می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَمَّا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به خدا و فرستاده [او] خیانت نکنید؛ و (نیز) در امانت‌هایتان خیانت نورزید، در حالی که شما می‌دانید.»

در شأن نزول این آیه از امام باقر و امام صادق (ع) نقل شده که پیامبر (ص) دستور دادند یهود بنی قریظه را محاصره کنند این محاصره ۲۱ شب ادامه یافت آنها مجبور شدند پیشنهاد صلحی همانند طایفه بنی نضیر آماده کنند مبنی بر کوچ کردن از سرزمین مدینه. پیامبر پذیرفتند و فرمودند: تنها باید حکمیت سعد بن معاذ را قبول کنند. آنان تقاضا کردند پیامبر (ص) یکی از یاران خود را به نام «ابولبابه» به نزد آنان بفرستد، ابولبابه با آنان سابقه‌ی

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۲۲۴

دوستی داشت و خانواده و فرزندان و اموالش نزد آنها بود آن حضرت قبول فرمودند.

آنان با ابولبابه مشورت کردند آیا صلاح است حکمیت سعد را بپذیرند؟ ابولبابه به گلوی خود اشاره کرد! یعنی اگر قبول کنند کشته خواهند شد. پیک وحی نازل شد و به پیامبر (ص) خبر داد.

آن شخص می‌گوید هنوز گام برنداشته بودم که متوجه شدم به خدا و پیامبر (ص) خیانت کردم. «۱» آری در اختیار دشمن قراردادن اسرار نظامی، و یا تقویت آنان در مبارزه علیه اسلام، و یا به طور کلی پشت سرانداختن واجبات و محرمات و برنامه‌های الهی، خیانت به حساب می‌آید به همین دلیل ابن عباس می‌گوید: هر کس چیزی از برنامه‌های اسلامی را ترک کند مرتکب یک

نوع خیانت نسبت به خدا و پیامبر شده است. در آیه بعد نیز به مسلمانان هشدار می‌دهد، مبدا محبت به امور مادی باعث خیانت به خدا و پیامبرش (ص) شود و می‌فرماید: «بدانید اموال و اولاد شما وسیله آزمایش و امتحان شما هستند.» (۲)

۴. در سخنان خصوصی (در گوشه) مواظب باشید مرتکب معصیت پیامبر (ص) نشوید.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۲۲۵

قرآن کریم در سوره‌ی مجادله آیه‌ی ۸ و ۹ می‌فرماید:

«أَلَمْ تَر إِلَى الَّذِينَ نُهُوا عَنِ النَّجْوَىٰ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَيَتَنَبَّأُونَ بِالْبَأْسِ وَالْعُرْيَانِ وَمَعَصِيَةِ الرَّسُولِ وَإِذَا جَاءُوكَ حَيَّوْكَ بِمَا لَمْ يُحَيِّكَ بِهِ اللَّهُ وَيَقُولُونَ فِي أَنفُسِهِمْ لَوْلَا يُعَذِّبُنَا اللَّهُ بِمَا نَقُولُ حَسِبُهُمْ جَهَنَّمُ يَصِیلُونَهَا فَبِئْسَ الْمَصِيرُ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَنَاجَيْتُمْ فَلَا تَتَنَبَّأُوا بِالْبَأْسِ وَالْعُرْيَانِ وَمَعَصِيَةِ الرَّسُولِ وَتَنَاجَوْا بِالْبُرِّ وَالْتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ؛ آیا نظر نکرده‌ای به کسانی که از رازگویی منع شده بودند، سپس به آنچه که از آن منع شده بودند باز می‌گردند، و برای گناه و تعدی و نافرمانی فرستاده (خدا) بایکدیگر رازگویی می‌کنند، و هنگامی که نزد تو می‌آیند به چیزی که خدا بدان تو را زنده بادنگفته است به تو «زنده باد» می‌گویند؛ و در (دل‌های) خودشان می‌گویند: «چرا خدا ما را بخاطر آنچه می‌گوییم عذاب نمی‌کند؟!» جهنم برای آنان کافی است، درحالی که وارد آن می‌شوند (و می‌سوزند) و چه بد فرجامی است! ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که رازگویی می‌کنید، پس برای گناه و تعدی و نافرمانی فرستاده (خدا) بایکدیگر رازگویی نکنید، و برای نیکی و پارسایی (و خود نگهداری) رازگویی کنید؛ و [خودتان را] از [عذاب خدایی حفظ کنید که فقط به سوی او گردآوری می‌شوید.»

درباره‌ی شأن نزول این آیات گفته‌اند: جمعی از یهود و نصاری در مقابل مؤمنان با هم در گوشه صحبت می‌کردند و با چشم و ابرو به آنها اشاره می‌کردند که این باعث آزار و اذیت مسلمانان می‌شد، آنها نزد رسول خدا شکایت کردند و آن حضرت آنان را از این کار نهی نمود ولی آن عده گوش

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۲۲۶

ندادند که این آیات نازل شد؛ «۱» و سه گناه را در این نجواها به آنان نسبت می‌دهد:

۱. اثم: گناهی که جنبه‌ی فردی دارد مثل شرب خمر؛

۲. عدوان: گناهی که تجاوز به حقوق دیگران است؛

۳. معصیت الرسول: که مربوط است به فرمان‌هایی که شخص رسول الله (ص) به عنوان رئیس حکومت اسلامی، در جامعه مسلمین صادر می‌کند. در آیه‌ی بعد ضمن جایز شمردن اصل نجوا برای مسلمانان، به آنها هشدار می‌دهد که مبدا مرتکب این گناهان شوند بلکه در مورد کارهای نیک و تقوا با هم نجوا کنند. (۲)

۵. پرداخت صدقه قبل از ملاقات خصوصی با پیامبر (ص)

در آیه‌ی ۱۲ همین سوره مرحله‌ی دیگری از این نجوا را بیان می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَاجَيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَةٌ ذَٰلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَأَطْهَرُ فَإِن لَّمْ تَجِدُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که با فرستاده (خدا) رازگویی می‌کنید پس پیش (از آن) بخشش صادقانه‌ای تقدیم دارید؛ این برای شما بهتر و پاک‌کننده‌تر است؛ و اگر نیافتید پس مسلماً خدا بسیار آمرزنده [و] مهربور است.»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۲۲۷

شاید یکی از علل این حکم این بود که گروهی از مردم خصوصاً ثروتمندان مکرر مزاحم پیامبر می‌شدند و با او به نجوا می‌پرداختند که مفسدی را به همراه داشت از جمله تزیین وقت آن حضرت، کسب امتیاز بی‌دلیل برای آن افراد [مثلاً نشان دهند با آن حضرت رابطه‌ی ویژه‌ای دارند] و این حکم نازل گردید تا آزمونی شود برای آنان، و کمکی برای نیازمندان؛ و وسیله‌ی

مؤثری برای کم شدن مزاحمت‌ها. (البته فقرا را از این حکم استثناء می‌کند).

این آزمون نتیجه‌ی جالبی در پی داشت چون همگی به جز یک نفر از دادن صدقه و نجوا خودداری کردند و معلوم شد این اظهار علاقه‌ها در صورتی بوده که مجانی باشد و آن مطالب هم چیز مهمی نبوده که از آن چشم پوشی کردند.

آن یک نفر هم کسی جز حضرت علی (ع) نبود که اولین و آخرین فرد عمل‌کننده به این آیه بود زیرا این حکم دیری نپایید که توسط آیه‌ی بعد نسخ شد البته حضرت علی (ع) ثروتمند نبود ولی به خاطر احترام و عمل به این آیه‌ی شریفه دیناری داشت که به ده درهم تبدیل کرد و قبل از هر نجوا درهمی را صدقه می‌داد. «۱»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۲۲۸

۶. تحمیل نکردن نظر خود بر پیامبر اکرم (ص)

قرآن کریم در سوره‌ی حجرات آیه‌ی ۷ می‌فرماید:

«وَأَعْلَمُوا أَنَّ فِيكُمْ رَسُولَ اللَّهِ لَوْ يُطِيعُكُمْ فِي كَثِيرٍ مِّنَ الْأَمْرِ لَعَنِتُّمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ أُولَئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ؛ و بدانید که فرستاده خدا در میان شماست؛ اگر (بر فرض) در بسیاری از کارها از شما اطاعت کند، حتماً به زحمت می‌افتید؛ و لیکن خدا ایمان را برای شما دوست داشتنی گردانید، و آن را در دل‌هایتان بیاراست، و کفر و نافرمانی و گناه را برای شما ناخوشایند ساخت؛ تنها آنان (که اینگونه‌اند) هدایت یافتگانند.»

خداوند نعمت و وجود پیامبر اعظم (ص) را متذکر می‌شود و فلسفه‌ی فرستادن ایشان را تبعیت مردم از او (ص) می‌داند نه پیروی او از مردم؛ زیرا برنامه‌های پیامبر (ص) براساس واقعیات و مصالح واقعی تنظیم شده است نه تمایلات و هوس‌های افراد، که اگر چنین شود خود آنان به زحمت خواهند افتاد. «۱» در آن زمان عده‌ای انتظار بیجا داشتند که ایشان در بسیاری از اتفاق‌ها به حرف آنها گوش دهد. در این زمان نیز عده‌ای می‌خواهند یادگار آن حضرت که اسلام است برطبق دل آنان سخن بگویند، هر چه آنها می‌پسندند حکم کند و اگر غیر از این باشد آشفته می‌شوند؛ براین اساس با نظریه‌های

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۲۲۹

گوناگون مانند قرائت‌های چند گانه و ... را پایه‌گذاری می‌کنند تا هرگونه دوست داشتن اسلام را تفسیر کنند.

ج: اقتصادی

پرداخت حقوق مالی خدا و رسول (ص)

«غنیمت» هرگونه فایده بردن است از جهت تجارت یا عملی دیگر مانند جنگ.

قرآن کریم در آیه‌ی ۴۱ سوره‌ی انفال می‌فرماید:

«وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّقِي الْجَمْعَانِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ؛ و بدانید که هر چیزی از غنیمت به دست آورید، پس یک پنجم آن فقط برای خدا، و برای فرستاده [اش]، و برای نزدیکان [او] و یتیمان و بینوایان و در راه مانده (از آنها) است؛ اگر به خدا و آنچه بر بنده‌مان، در روز جدایی [حق از باطل]، روزی که دو گروه (مؤمنان و کافران در نبرد بدر با هم) روبرو شدند، فرود آوریم، ایمان آورده‌اید؛ و خدا بر هر چیزی تواناست.»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۲۳۰

البته شأن نزول آیه نیز در جنگ است «۱» و با توجه به این که در جنگ، مؤمنین شرکت می‌کنند باز می‌فرماید: خُمُس این غنائم از آن خدا و رسول و ... است اگر به خدا و آنچه بر بنده‌ی خود نازل کرد ایمان دارید؛ اشاره به اینکه نه تنها ادعای ایمان کافی نیست بلکه شرکت در جهاد هم ممکن است دلیل بر ایمان کامل نباشد بلکه مؤمن واقعی کسی است که در برابر همه‌ی دستورات از جمله

دستورات مالی تسلیم باشد. (۲)

*** د. اجتماعی

۱. یاری آن حضرت و بزرگ شمردن او

خدای متعال در آیه‌ی ۸ و ۹ سوره‌ی فتح می‌فرماید:

«إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا؛ لَتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُعَزِّرُوهُ وَتُوَقِّرُوهُ وَتُسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا؛ در حقیقت ما تو را گواه و مژده آور و هشدار گر فرستادیم، تا به خدا و فرستاده‌اش ایمان آورید، و او را گرامی دارید (و دشمنانش را از او باز دارید)، و بزرگش شمارید، و صبحگاهان و عصرگاهان (و شب هنگام) او را تسبیح گوید.»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۲۳۱

پس از صلح حدیبیه رسول اکرم (ص) از سوی برخی مورد انتقاد قرار گرفت و حتی تعبیراتی گفته شد که خالی از بی‌حرمتی نبود این حوادث باعث شد که خداوند عظمت و موقعیت او را مجدداً مورد تأکید قرار دهد به همین خاطر ابتدا سه صفت را برای او ذکر کرده و در آیه‌ی بعد اضافه می‌کند: هدف این است که: ۱. ایمان به خدا و رسولش بیاورید؛ ۲. از پیامبر در برابر دشمن دفاع کنید؛ ۳. پیامبر را بزرگ دارید؛ ۴. و خدا را صبح و شام تسبیح و تقدیس کنید. (۱)

*** «لَيْسَ عَلَى الضُّعْفَاءِ وَلَا عَلَى الْمَرْضَى وَلَا عَلَى الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ مَا يَنْفِقُونَ حَرَجٌ إِذَا نَصَحُوا لِلَّهِ وَرَسُولِهِ مَا عَلَى الْمُحْسِنِينَ مِنْ سَبِيلٍ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ (۲)

بر کم‌توانان و بر بیماران، و بر کسانی که نمی‌یابند چیزی را که (در راه جهاد) مصرف کنند، هیچ تنگی (و تکلیفی) نیست، هنگامی که برای خدا و فرستاده‌اش خیرخواهی کنند؛ بر نیکوکاران هیچ راه (مؤاخذه‌ای) نیست؛ و خدا بسیار آمرزنده [و] مهرورز است.»

۲. کوتاهی نکردن از هرگونه خیرخواهی برای خدا و پیامبر (ص)

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۲۳۲

در این آیه ضمن معاف شمردن سه گروه- مانند مریض و ... از جهاد که به خاطر عذر نمی‌توانستند شرکت کنند می‌فرماید بدین شرط که «اذا نصحوالله ورسوله» «در صورتی که برای خدا و پیامبرش خیرخواهی کنند» یعنی اگر چه توان جنگ ندارند ولی می‌توانند با سخن و رفتار خود مجاهدان را تشویق کنند و آنان را دلگرم سازند و یا روحیه دشمن را ضعیف کنند. «۱» و خلاصه از هرگونه خیرخواهی کوتاهی نورزند و این تکلیفی است همگانی و ساقط نشدنی که البته عمل کنندگان به آن را در ردیف محسنین قرار می‌دهد. (۲)

«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَى أَمْرٍ جَامِعٍ لَمْ يَذْهَبُوا حَتَّى يَسْتَأْذِنُوهُ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ أُولَئِكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ فَإِذَا اسْتَأْذَنُوكَ لِبَعْضِ شَأْنِهِمْ فَأَذَنْ لِمَنْ شِئْتَ مِنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الَّذِينَ يَتَسَلَّلُونَ مِنْكُمْ لِوَاذًا فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ؛ (۳)

مؤمنان تنها کسانی هستند که به خدا و فرستاده‌اش ایمان آورده‌اند، و هنگامی که در کار اجتماعی همراه او باشند، تا از او

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۲۳۳

رخصت نگیرند (از نزدش) نمی‌روند. در واقع کسانی که از تو رخصت می‌گیرند، آنان کسانی هستند که به خدا و فرستاده‌اش ایمان می‌آورند. پس هر گاه برای بعضی کار (های مهم زندگی) خود از تو رخصت می‌طلبند، پس به هر کس از آنان که (صلاح می‌دانی و) می‌خواهی رخصت ده، و برای آنان از خدا آموزش بخواه که خدا بسیار آمرزنده [و] مهرورز است. فراخوان فرستاده

(خدا) را در میان خودتان همانند فراخوان برخی شما برخی [دیگر] را قرار ندهید؛ که یقیناً خدا می‌داند کسانی را که از میان شما مخفیانه بیرون می‌روند. پس کسانی که از فرمان او سرپیچی می‌کنند، باید بر حذر باشند که (بلا و) فتنه‌ای به آنان در رسد، یا عذاب دردناکی به آنان برسد!»

۳. اجازه گرفتن از پیامبر اکرم (ص) در امور «۱»

در مورد این آیه شأن نزول‌های گوناگونی حکایت شده از جمله: «یکی از اصحاب پیامبر به نام حنظل» شب جنگ احد عروسی داشت، از پیامبر (ص) اجازه می‌گیرد که آن شب را نزد همسرش بماند آیه نازل می‌شود: «فَأَذِّنْ لِمَنْ شِئْتَ مِنْهُمْ؛ پس به هر کس از آنان که (صلاح می‌دانی و) می‌خواهی رخصت ده»، پیامبر (ص) به او اجازه می‌دهند فردای آن روز به قدری برای پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۲۳۴

جهاد عجله داشت که موفق به غسل نشد، به جنگ رفت و سرانجام شربت شهادت نوشید پیامبر (ص) در مورد او فرمود: فرشتگان را دیدم که او را میان زمین و آسمان غسل می‌دهند. بعد از آن «حنظل» به «غسیل الملائکه» معروف شد. «۱»

روایات تاریخی دیگر شأن نزول آیه را چنین حکایت می‌کنند: برخی منافقین در جنگ خندق یا موارد دیگر وقتی چشم آن حضرت و مسلمانان را دور می‌دیدند کندن خندق را رها می‌کردند و به دنبال کار خود می‌رفتند. «۲»

به هر حال آیه کسی را مؤمن می‌داند که هنگام یاری پیامبر (ص) اگر کار شخصی پیش آمد تنها در صورت اجازه صحنه را ترک کند (و البته نه هر کار ریز و درشتی بلکه امور مهم، زیرا می‌فرماید: «لبعض شأنهم؛ برخی کارهایشان» «۳» و مشخص است اجازه خواستن بدین معناست که اگر پیامبر (ص) صلاح ندیدند کار شخصی خود را فدای هدف مهمتر نماید.

در اینجا این سؤال مطرح می‌شود که چرا می‌فرماید: برای آنان استغفار کن؟ دو پاسخ می‌تواند داشته باشد:

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۲۳۵

۱. اگر چه آنان اجازه گرفتند ولی با ترجیح دادن کار خود بر کار مهمتر، مرتکب نوعی ترک اولی شده‌اند که نیاز به استغفار دارد.

۲. به خاطر ادبی که نسبت به پیامبر داشتند در خور لطف الهی گردیده‌اند و پیامبر (ص) به عنوان تشکر از آنان برایشان استغفار می‌کنند.

در آیه بعد دستور دیگری در ارتباط با فرمان‌های پیامبر بیان کرده می‌فرماید: «دعوت پیامبر (ص) را در میان خود همانند دعوت دیگران تلقی نکنید» او هنگامی که شما را فرا می‌خواند مطمئن باشید یک موضوع مهم دینی در میان است. سپس ادامه می‌دهد: «خداوند به کسانی که برای جدا شدن از برنامه‌های پیامبر (ص) پشت سر دیگران پنهان می‌شوند، آگاهی دارد»

*** ۴. بیزاری از دشمنان خدا و پیامبر (ص)

قرآن کریم در سوره‌ی مجادله آیه‌ی ۲۲ می‌فرماید:

«لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ؛ هیچ قومی را که ایمان به خدا و روز بازپسین بیاورند، نمی‌یابی که با کسانی که با خدا و فرستاده‌اش به شدت مخالفت ورزند، دوستی کنند، و گرچه پدرانشان یا پسرانشان یا برادرانشان یا خاندانشان باشند، اینانند که خدا ایمان را در دل‌هایشان نوشته و با روحی از (جانب خود) ش تایید کرده، و آنان را در

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۲۳۶

بوستان‌های (بهشتی) وارد می‌کند که نهرها از زیر [درختان ش روان است، درحالی که در آنجا ماندگارند. خدا از آنان خشنود است، و آنان (نیز) از او خشنودند؛ آنان حزب خدا هستند، آگاه باشید در واقع فقط حزب خدا رستگارند!»

آخرین آیه‌ی سوره مجادله از آیات کوبنده‌ای است که به مؤمنان هشدار می‌دهد جمع میان «محبت خدا و پیامبر» با «محبت دشمنان ایشان» در یک دل ممکن نیست و باید از میان این دو یکی را انتخاب کرد. آنان که دم از هر دو می‌زنند یا ایمانشان ضعیف است یا منافقند. محبت پدران و خویشان بسیار خوب است و نشانه‌ی زنده بودن عواطف انسانی است اما هنگامی که این محبت در مقابل خدا قرار گیرد ارزش خود را از دست می‌دهد.

از این رو می‌بینیم در جنگ‌های صدر اسلام مسلمانان با پدران و برادران مشرکشان پیکار می‌کردند چون خطشان از خط خدا جدا بود.

از امام باقر (ع) حکایت شده که می‌فرماید: اگر می‌خواهی بدانی آدم خوبی هستی، نگاهی به قلبت کن اگر اهل خدا را دوست داری و از اهل معصیتش بیزاری و آن را دشمن می‌دانی، بدان آدم خوبی هستی و خدا تو را دوست دارد؛ و اگر از اهل طاعتش بیزاری و اهل معصیتش را دوست داری، بدان

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۲۳۷

خیری در تو نیست و خدا دشمن توست و انسان همیشه با کسی است که او را دوست دارد. «۱»

از ادامه‌ی آیه می‌توان فهمید بیزاری انسان از دشمنان خدا نشانه‌ی مورد تایید بودن او، به «روحی» از جانب خداوند است؛ چرا که می‌فرماید: «أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِنْهُ؛ اینانند که خدا ایمان را در دل‌هایشان نوشته و با روحی از (جانب خود) ش تایید کرده.» «۲»

ه- شخصی، خانوادگی

۱. صلوات بر پیامبر و آتش

خدای متعال در سوره‌ی احزاب آیه‌ی ۵۶ می‌فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا؛ در حقیقت خدا و فرشتگانش بر پیامبر دعا (: صلوات) می‌فرستند؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بر او دعا (: صلوات) بفرستید، و بطور کامل سلام کنید (و کاملاً تسلیم او باشید).»

این آیه از علاقه‌ی خاص خدا و فرشتگانش نسبت به پیامبر اعظم (ص) خبر می‌دهد و به مؤمنان نیز دستور می‌دهد شما نیز با این پیام جهان هستی هماهنگ شوید و بر او درود بفرستید.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۲۳۸

تعبیر «یصلون» که به شکل فعل مضارع به کار رفته دلیل بر استمرار است یعنی پیوسته خدا و فرشتگانش بر او درود و رحمت می‌فرستند، رحمت و درودی جاودانه. و بر مؤمنین نیز واجب است حداقل روزی چند مرتبه- در تشهد نماز- بر آن حضرت و آل او صلوات بفرستند.

از آن حضرت نقل شده است که بگویید: «اللهم صل علی محمد و آل محمد كما صلیت علی ابراهیم انک حمید مجید و بارک علی محمد و آل محمد كما بارکت علی ابراهیم و آل ابراهیم» «۱»

در روایات زیادی از شیعه و سنی به طور صریح آمده است که «آل محمد» را به هنگام صلوات بر «محمد» بیفزایید و صلوات ناقص نفرستید.

«سیوطی» از علمای اهل سنت در تفسیر «در المنثور» ۱۹ حدیث بدین مضمون می‌آورد؛ «صحیح مسلم» نیز دو حدیث نقل می‌کند اما عجیب اینکه عنوانی که برای این باب انتخاب می‌کند اینگونه است: «باب الصلوة علی النبی صلی الله علیه و سلم» (بدون ذکر «آل»)

۲. مقدم نشدن بر پیامبر (ص)

قرآن کریم در سوره‌ی حجرات آیه‌ی اول می‌فرماید: پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۲۳۹
 «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقَدَّمُوا بَيْنَ يَدَيْ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» ای کسانی که ایمان آورده‌اید! فرا پیش خدا و فرستاده‌اش (چیزی را) مقدم ندارید، (و بر آنان پیشی مگیرید.) و [خودتان را] از [عذاب خدا حفظ کنید؛ که خدا شنوای داناست]. دو مورد از شأن نزول‌هایی که برای این آیه گفته‌اند حکایت می‌کنیم:

عبدالله بن زبیر گوید جماعتی از بنی تمیم خدمت پیامبر (ص) آمدند ابوبکر گفت: قعقاع بن معبد را امیر اینان کن و عمر گفت. اقرع بن حابس را امیرشان قرار ده، ابوبکر گفت: تو فقط می‌خواستی با من مخالفت کنی! عمر هم چیزی گفت و به مشاجره پرداختند و صدای آنها بلند شد، خداوند این آیه را فرستاد. «۱»

همچنین گفته‌اند وقتی پیامبر (ص) برای فتح مکه خارج می‌شدند در منزلگاه «کراع الغمیم» ظرف آبی طلب کرده و روزه‌ی خود را افطار کردند اما عده‌ای بر روزه‌ی خود باقی ماندند، پیامبر (ص) آنها را جمعیت «عصا» یعنی «گنه کار» نامید. «۲»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۲۴۰

به هر حال آیه هرگونه تقدّم، پیشی گرفتن و خارج شدن از مدار که پیامبر (ص) حرکت می‌کنند را نهی می‌کند در راه رفتن ظاهری باشد یا طی مسیر زندگی. «۱»

۳. حفظ احترام پیامبر

خدای متعال در آیات بعدی همان سوره می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا تَزْعُمُونَ أَصَوَاتُكُم فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَمَّا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَن تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنتُمْ لَا تَشْعُرُونَ» ای کسانی که ایمان آورده‌اید! صداهایتان را فراتر از صدای پیامبر بلند مکنید، و در سخن گفتن بر او بانگ نزنید، همچون بانگ زدن برخی از شما بر برخی [دیگر]؛ مبادا اعمال شما تباه شود در حالی که شما (با درک حسّی) متوجه نمی‌شوید.»

در آیه‌ی قبل مطلبی را فرمودند که یکی از ابعاد آن حفظ احترام پیامبر (ص) بود در ادامه نیز تا آیه‌ی ۵ نکات مهمی یادآور می‌شوند.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۲۴۱

شأن نزول

آیه در مورد گروهی از بنی تمیم نازل شده که بر در حجره‌ی حضرت ایستادند و فریاد زدند «یا محمد أخرج الينا؛ ای محمد به سوی ما بیا» و هنگامی که ایشان آمدند در جلوی او راه می‌رفتند و وقتی حرف می‌زدند صدای خود را بالاتر از صدای او می‌بردند و می‌گفتند: ای محمد در مورد فلان چیز و فلان چیز چه می‌گویی؟ «۱»

نکات آیه:

۱. صدای خود را بالاتر از صدای ایشان نبرید؛

۲. ادب و احترام را رعایت کنید؛

۳. درشت و بی‌پروا سخن مگویید آنگونه که با یکدیگر حرف می‌زنید؛

۴. رعایت نکردن حرمت پیامبر (ص) احتمال حبس «۲» عمل را به دنبال دارد؛

۵. بی‌احترامی به پیامبر و رهبری الهی آثار ویرانگری دارد که فراتر از درک و تحلیل خود انسان است. «۳»

در آیه‌ی سوم مؤمنانی را که حرمت پیامبر (ص) را حفظ می‌کنند، تشویق کرده و آنرا نشانه‌ی موفق شدن در آزمون تقوا می‌داند و مغفرت و پاداشی بزرگ را در انتظار آنها می‌داند. «۴»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۲۴۲

این آیات در این زمان نیز تبلور دارد آیه‌ی شریفه مردم را نهی می‌کند از اینکه بر رسول اکرم مقدم شوند و صدای خود را بالاتر از صدای رسول الله (ص) قرار دهند اما در نظام طاغوت پهلوی شاه- لعنه الله علیه- با تغییر تاریخ هجری به شاهنشاهی، نام کورش را بر نام پیامبر (ص) مقدم کرد و برتری داد. «۱»

قرآن کریم می‌فرماید:

«النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ؛» «۲»

پیامبر نسبت به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است.

این اولویت بدون قید و شرط بیان شده است که معنایش این است: در همه‌ی اختیاراتی که انسان نسبت به خویش دارد آن حضرت از خود او نیز سزاوارتر است «البته این مقام نبوت است که برای او چنین حقی را ایجاد کرده است» «۳»
در حدیثی می‌خوانیم: «قسم به آن کسی که جانم در دست اوست هیچ یک از شما به حقیقت ایمان نمی‌رسد مگر زمانی که من نزد او محبوبتر از خودش و مالش و فرزندش و تمام مردم باشم.» «۴»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۲۴۳

۴. همسران پیامبر، مادران مؤمنین هستند

خدای متعال در سوره‌ی احزاب آیه‌ی ۶ می‌فرماید:

«النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ إِلَّا أَنْ تَفْعَلُوا إِلَىٰ أَوْلِيَائِكُمْ مَعْرُوفًا كَانَ ذَلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا؛» پیامبر نسبت به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است؛ و همسرانش مادران ایشانند؛ و خویشاوندان در کتاب خدا، برخی آنان نسبت به برخی (دیگر) از مومنان و مهاجران (در مورد ارث) سزاوارترند، مگر آنکه (بخواهید) نسبت به دوستانتان [کار] پسندیده‌ای انجام دهید؛ این (حکم) در کتاب (خدا) نوشته شده است.»

منظور از مادر، مادر معنوی است و این ارتباط و پیوند تأثیرش «حفظ احترام» و «حرمت ازدواج» با زنان آن حضرت بود که در آیات دیگر همین سوره «۱» به طور صریح به تحریم ازدواج با آنان پس از پیامبر (ص) اشاره شده است و از نظر ارث و سایر محرمیت‌های سببی و نسبی اثری ندارد به همین خاطر عایشه به زنی که او را مادر خطاب کرده بود می‌گوید: «من مادر تو نیستم بلکه مادر مردهای شما هستم»، کنایه از تحریم ازدواج. البته در مورد احترام، شامل مرد و زن می‌شود، چه اینکه لفظ «مؤمنین» آن را می‌رساند و هم همسر دیگر پیامبر (ص) بدان تصریح می‌کند. «۲»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۲۴۴

۵. آداب وارد شدن به خانه‌ی پیامبر (ص)

قرآن کریم در آیه‌ی ۵۳ سوره‌ی احزاب می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَىٰ طَعَامٍ غَيْرِ نَاظِرِينَ إِنَاهُ وَلَكِنْ إِذَا دُعِيتُمْ فَادْخُلُوا فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَسِرُوا وَلَا مَسْتَأْنِسِينَ لِحَدِيثٍ إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ يُؤْذَى النَّبِيَّ فَيَسْتَحْيِي مِنْكُمْ وَاللَّهُ لَا يَسْتَحْيِي مِنَ الْحَقِّ وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسَأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ وَمَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ وَلَا أَنْ تُنْكِحُوا أَزْوَاجَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمًا؛» ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به خانه‌های پیامبر داخل نشوید مگر اینکه به شما برای [صرف غذا رخصت داده شود، در حالی که منتظر رسیدن آن (غذا) نیستید؛ و لیکن هنگامی که فراخوانده شدید، پس داخل شوید و هنگامی که غذا خوردید پس پراکنده شوید؛ و با سخن گفتن مأنوس نشوید [چرا] که این (کار)، پیامبر را می‌آزارد؛ و از شما شرم می‌کند و [لی خدا از (بیان) حق شرم نمی‌کند. و هنگامی که وسیله‌ای از آنان (: همسران پیامبر) خواستید، از پشت مانعی بخواهید؛ این (کار) برای دل‌های شما و دل‌های

آنان پاک‌تر است. و برای شما (جایز) نیست که فرستاده خدا را آزار دهید و نه هرگز همسرانش را بعد از او به همسری (خود) در آورید که این (کار) نزد خدا بزرگ است!»
نکات آیه

الف) بدون اجازه وارد خانه نشوند؛

ب) در صورت ورود نباید منتظر صرف غذا بشوند

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۲۴۵

ج) وارد شدن بدون اجازه و به انتظار غذا نشستن بدون دعوت قبلی، پیامبر (ص) را اذیت می‌کند؛

د) در صورتی که پیامبر (ص) آنان را دعوت کرد اجابت کنند؛

هـ) پس از خوردن غذا پراکنده شوند، و با گفتگو و صحبت کردن میهمانی را طولانی نکنند چرا که این کار موجب آزار و اذیت پیامبر (ص) می‌شود؛

و) این دستور (خارج شدن پس از صرف غذا) دستور حقی است «و الله لایستحیی من الحق»؛

ز) مومنان موظفند هنگامی که چیزی از همسران پیامبر خواستند از پشت پرده مطالبه کنند (تفسیر دیگر: سؤالی از آنان داشتند از پشت پرده بپرسند)

ح) در این آیه به حرمت ازدواج با همسران پیامبر پس از او، تصریح می‌کند و آن را امری بس ناگوار در پیشگاه خدا می‌داند. «۱»

اکنون نیز حرم آن بزرگوار و ائمه (ع) خانه‌های آن حضرت به حساب می‌آیند که نباید بدون اجازه وارد شد به همین دلیل اذن دخول می‌خوانیم همانگونه که این مطلب در اذن دخول مشاهده شریفه، از جمله حرم امام رضا (ع) آمده است: «اللهم ائی وقف علی باب من ابواب بیوت نبیک صلواتک علیه و آله و قدمنت الناس أن یدخلوا الا یاذنه ...» پروردگارا من بر درگاه

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۲۴۶

محترمی ایستاده‌ام از درهای سرای پیغمبر تو که درود تو بر او و آل اطهارش باد و تو خلق را از ورود در آن سرای بدون اذن منع کردی» «۱»

*** و: وظایف نسبت به دین پیامبر (ص)

خدای متعال در سوره‌ی حجرات آیه‌ی ۱۷ می‌فرماید:

«يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا قُلْ لَّا تَمُنُّوْا عَلٰٓى اِسْلَامِكُمْ بَلِ اللّٰهُ يَمُنُّ عَلَیْكُمْ اَنْ هٰدَاكُمْ لِلْاِيْمَانِ اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِيْنَ؛ بر تو منت می‌نهند که اسلام آورده‌اند؛ (ای پیامبر) بگو: «اسلام آوردنتان را بر من منت منهدید، بلکه خدا بر شما منت می‌نهد که شما را به ایمان رهنمون شد، اگر (در ایمان خود) راستگو هستید»

۱. با پذیرفتن اسلام منتی بر پیامبر (ص) نگذارید.

آیه‌ی شریفه به گفتگوی اعراب بادیه‌نشین با پیامبر (ص) اشاره دارد که به خاطر اسلامشان بر پیامبر منت گذاشتند و گفتند: ما با تو از در تسلیم درآمدم در حالی که بسیاری از قبایل عرب با تو جنگیدند.

«خدا پیامبر را مأمور می‌کند که منت آنان را نپذیرد و بگوید: بلکه این خدا بود که بر شما منت نهاد و شما را هدایت کرد.» «۲»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۲۴۷

بله افراد کوتاه فکر گاهی تصورشان این است که با قبول ایمان و انجام عبادات خدمتی به ساحت الهی کرده‌اند در حالی که اگر نور ایمان در قلبش بتابد و توفیق عبادت نصیبش شود بزرگترین لطف شامل حال او شده است و اگر بینش ما چنین باشد نه تنها طلبکار نیستیم بلکه همواره خود را مدیون خدا و پیامبرش (ص) احساس می‌کنیم. «۱»

۲. توجه به شکایت پیامبر مبنی بر مهجور ماندن قرآن و تلاش برای مهجوریت زدایی قرآن کریم در آیه‌ی ۳۰ سوره‌ی فرقان شکایت پیامبر (ص) را چنین حکایت می‌کند: «وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا؛ و فرستاده (خدا) گفت: «ای پروردگار [من! در حقیقت قوم من از این قرآن دوری گزیده‌اند!»

آری آن حضرت به پیشگاه الهی شکایت می‌کند که قوم من قرآن را رها کردند. اگر به وضع بسیاری از کشورهای اسلامی مخصوصاً آنان که زیر سلطه فرهنگی شرق و غرب قرار دارند نگاه کنیم می‌بینیم قرآن به صورت کتابی تشریفاتی درآمده، با صدای خوش تلاوت می‌شود در کاشیکاری‌های مساجد بر هنر معماری می‌افزاید «۲» اما از صحنه‌ی زندگی و عمل خارج شده است.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۲۴۸

مسلمانان وظیفه دارند قرآن را به متن زندگی آورند و در فهم صحیح و عمل به تعالیم آن بکوشند. «۱»
ز: الگوپذیری از پیامبر (ص):

خدای متعال در این باره می‌فرماید:

«لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا؛ «۲»

بیقین برای شما در (روش) فرستاده خدا، (الگویی برای) پیروی نیکوست! برای کسانی که امید به خدا و روز بازپسین دارند و خدا را بسیار یاد می‌کنند.»

قرآن بدون استثنا ایشان را الگویی کامل در همه‌ی زمینه‌ها معرفی می‌کند. روحيات عالی او استقامت و شکیبایی، هوشیاری و درایت، اخلاص و توجه به خدا، تسلط بر حوادث و زانو نزدن در برابر سختی‌ها هر کدام می‌تواند الگو و سرمشقی برای همه‌ی مسلمین باشد. این ناخدای بزرگ به هنگامی که کشتی‌اش گرفتار سخت‌ترین توفان‌ها می‌شود کمترین سستی به خود راه نمی‌دهد او چراغ هدایت است و مایه‌ی آرامش و راحت جان. «۳»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۲۵۰

فهرست منابع دو جلد

۱. الاثار الباقیه، ابو ریحان بیرونی، انتشارات آستان قدس، چاپ اول، ۱۴۲۲ هـ - ق
۲. آثار الحرب فی الفقه الاسلامی، دکتر وهبه الزحیلی، دارالفکر، دمشق.
۳. الاحتجاج، احمد طبرسی، نشر مرتضی، مشهد، ۱۴۰۳ ق.
۴. الاستبصار فیما اختلف من الاخبار، ابوجعفر محمد بن الحسن شیخ طوسی، التحقيق: سید حسن الخراسان، التصحیح، محمد الآخوندی، دارالکتب الاسلامیه، الرابعه ۱۳۶۳ ش.
۵. اسلام از دیدگاه دانشمندان غرب، پروفیسور نصرالله نیک‌بین، انتشارات دفتر مذهبی سیمان فارسین، کابل، چاپ اول، بی‌تا.
۶. اسلام از نظر ولتر، ولتر، ترجمه جواد جدیدی، انتشارات طوس، تهران، چاپ سوم، ۱۳۵۵ ش.
- ۷.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۲۵۱

۸. اسلام و آیین نبرد، احمد حسینی، موسسه فرهنگی نشر امین، تهران، ۲۸۸ ص، ۱۳۷۸ ش.

۹. اسلام و غرب، پرفیسور دکتر خورشید احمد، ترجمه سید غلامرضا سعیدی

۱۰. اسلام و هیأت، سید هبه الله شهرستانی، انتشارات دار العلم، چاپ سوم، ۸۹ ق
۱۱. اسلام‌شناسی غرب، سید کاظم مدرسی
۱۲. اصول مدیریت اسلامی و الگوهای آن، ولی‌الله نقی پورفر، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی تهران، ۱۳۸۲، چاپ هیجدهم.
۱۳. اصول مدیریت، علی رضائیان، سمت تهران، سال ۶۵.
۱۴. اعلام الوری، امین الاسلام طبرسی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.
۱۵. الامالی، شیخ طوسی، دارالثقافه النشر، قم، ۱۴۱۴ ق.
۱۶. امامت و رهبری، مرتضی مطهری، انتشارات صدرا، تهران، چ چهاردهم، ۱۳۷۲.
۱۷. آموزش کلام اسلامی، خدانشناسی، محمد سعیدی مهر، چ ۱،
۱۸. انساب الاشراف، احمد بن یحیی بن جابر البلاذری، التحقيق: محمدباقر محمودی، موسسه الاعلمی، بیروت، الاولى، ۱۳۹۴ ق.
- ۱۹.
- پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۲۵۲
۲۰. باب حادی العشر، علامه حلی، ترجمه شهرستانی، دفتر نشر معارف اسلامی، چ ۳، تهران، ۱۳۷۶ ش.
۲۱. بحارالانوار، محمد باقر مجلسی، موسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۴ ق.
۲۲. البدایه و النهایه، ابوالفداء اسماعیل بن کثیر الدمشقی، التحقيق: علی شیری، دارالتراث العربی، بیروت، الاولى، ۱۴۰۸ ق.
۲۳. البرهان فی تفسیر القرآن، البحرانی، سید هاشم بحرانی حسینی، ۱۳۳۴ ش، دارالکتب العلمیه، قم، پنج جلدی.
۲۴. بنیان مرصوص، جوادی آملی
۲۵. پرورش روح، عباس عزیزی، انتشارات نبوغ، قم، چاپ اول، ۱۳۷۹.
۲۶. پیامبر اسلام (ص)، از نظر دانشمندان شرق و غرب، علی دوانی، انتشارات پیام اسلام، قم، بی تا.
۲۷. تاریخ الامم و الملوک (تاریخ طبری)، محمد بن جریر طبری، التحقيق: نخبه من الماء الاجلاء، موسسه الاعلمی، بیروت، بی تا.
۲۸. تاریخ بغداد او مدینه السلام، ابوبکر احمد بن علی الخطیب البغدادی، التحقيق: مصطفی عبدالقادر عطا، دارالکتب العلمیه، بیروت، الاولى، ۱۴۱۷ ق.
۲۹. تاریخ تمدن، ویل دورانت، ترجمه گروهی از نویسندگان، انتشارات انقلاب اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۷ ش.
- ۳۰.
- پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۲۵۳
۳۱. تاریخ دامپزشکی و پزشکی ایران، دکتر حسن تاج بخش، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۵ ش.
۳۲. تاریخ سیاسی اسلام، رسول جعفریان، انتشارات دلیل، قم، چ ۱،
۳۳. التبیان فی تفسیر القرآن، محمد بن حسن طوسی، التحقيق: احمد حبیب قیصر العاملی، مکتبه الاعلام الاسلامی، الاولى، ۱۴۰۹ ق.
۳۴. تجربه دینی و مکاشفه عرفانی، محمدتقی فعالی، ص ۳۳۹.
۳۵. تجربه دینی، کیث یندل، ترجمه ماشاء الله رحمانی، نقد و نظر، ش ۲۲-۲۴، ص ۲۴۷، انتشارات دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم.
۳۶. تحف العقول، الحسن بن شعبه الحرانی، موسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۰۴ ق.
۳۷. التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، مصطفوی سید حسن، موسسه الطلاب و النشر وزراء الثقافه و الارشاد اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۴.

۳۸. تذکره الخواص، سبط ابن جوزی، بیروت، موسسه اهل البیت، ۱۹۸۱ م.

۳۹. تذکره الفقهاء، علامه حلی، التحقيق والنشر: موسسه آل البیت (ع)، لاحیاء التراث، قم، الاولى، ۱۴۱۴ ق.

۴۰. تسنیم، عبدالله جوادی آملی، انتشارات اسراء، قم، چ ۱، ۱۳۷۹ ش.

۴۱.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۲۵۴

۴۲. تفسیر اثنی عشری، حسین بن احمد الحسینی الشاه عبدالعظیمی، انتشارات میقات، تهران، ۱۳۶۳ ش.

۴۳. تفسیر احسن الحدیث، سید علی اکبر قرشی، واحد تحقیقات اسلامی بنیاد بعثت، تهران، ۱۳۶۶ ش.

۴۴. تفسیر القرآن العظیم، ابن کثیر الدمشقی، مطبعة الاستقامة، مصر.

۴۵. تفسیر القرآن الکریم الشهیر بتفسیر المنار، محمد رشید رضا، بیروت، دارالمعرفه الطبعة الثالثة، بی تا، ۱۲ جلدی.

۴۶. تفسیر المنسوب الی الامام محمد الحسن بن علی العسکری (ع)، موسسه الامام المهدي (ع)، قم، ۱۴۰۹ هـ.

۴۷. تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب)، رازی، فخرالدین، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۰ ق.

۴۸. تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، ناصر، دار الکتب الاسلامیه، تهران چاپ بیست و ششم (۲۷ ج)، ۱۳۷۳ ش.

۴۹. تفسیر نور الثقلین، عبدالعلی بن جمعه العروسی الحویزی، ۱۳۸۳ ق، موسسه اسماعیلیان، قم، ۱۴۱۵ ق.

۵۰. تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن، سید عبدالحسین طیب، انتشارات اسلام، تهران، ۱۳۷۸ ش.

۵۱. تفسیر القمی، علی بن ابراهیم قمی، دارالکتاب، قم، ۱۴۰۴ ق.

۵۲.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۲۵۵

۵۳. تقویم و تقویم نگاری در تاریخ، دکتر ابوالفضل نبئی، انتشارات آستان قدس، چاپ دوم، ۱۳۶۶ ش.

۵۴. تمدن اسلام و عرب، گوستاوبون

۵۵. التمهید فی علوم القرآن، محمد هادی معرفت، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۱۷ ق.

۵۶. ثعلبی (الکشف و البیان عن تفسیر القرآن)، احمد بن ابراهیم ابواسحاق ثعلبی نیشابوری، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۲ ق.

ق.

۵۷. ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، الشیخ الصدوق، دارالرضی للنشر، قم، ۱۴۰۶ ق.

۵۸. جامع البیان فی تفسیر القرآن، ابو جعفر محمد بن جریر، طبری، دار المعرفه، بیروت، ۱۴۱۲ ق.

۵۹. جامع الصغیر، جلال الدین عبدالرحمن سیوطی، دارالفکر، بیروت، الاولى، ۱۴۰۱ ق.

۶۰. الجدول فی اعراب القرآن و صرفه و بیان، محمود صافی، دار الرشید دمشق و موسسه الامیان بیروت، بی تا.

۶۱. جواهر الکلام، محمدحسن النجفی، التحقيق: عباس قوچانی، دارالکتب الاسلامیه، آخوندی، الثالثه، ۱۳۶۷ ش.

۶۲. حکمت الهی عام و خاص، مهدی الهی قمشه‌ای، چ ۳.

۶۳.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۲۵۶

۶۴. حلیه المتقین، علامه مجلسی، انتشارات دانشور، بی جا، بی تا.

۶۵. حواریات فقیه، السید محمد سعید الحکیم، الناشر، المؤلف، الاولى، ۱۴۱۶ ق.

۶۶. حیاة الامام الرضا (ع)، الشیخ باقر شریف القرشی، منشورات سعید بن جبیر، بی جا، بی تا.

۶۷. خبرگذاری فارس و مهر
۶۸. خرماهای، بهاء‌الدین، قرآن پژوهی، مرکز، نشر فرهنگی مشرق، تهران، ۱۳۷۲ ش.
۶۹. خصال، شیخ الصدوق، موسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۰۳ ق.
۷۰. خطابه‌ها و سخنان مختصری از محمد پیغمبر اسلام (ص)، استانلی لین پول.
۷۱. داستان‌هایی از زندگی پیغمبر ما، ممتاز احمد پاکستانی، ترجمه سید غلامرضا سعیدی، مجله مکتب اسلام، اردیبهشت ۵۲.
۷۲. الدر المنثور فی تفسیر الماثور، جلال‌الدین عبدالرحمن سیوطی، مکتبه آیه الله المرعشی، قم، ۱۴۰۴ ق.
۷۳. درس‌هایی از اخلاق مدیریت، قاسم واثقی، سازمان تبلیغات اسلامی، بی‌جا، ۱۳۷۰ ش.
۷۴. دروس معرفه الوقت والقبله، حسن حسن زاده آملی، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۳ ش.
- ۷۵.
- پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۲۵۷
۷۶. دروس هیئت و دیگر رشته‌های ریاضی، حسن حسن زاده ی آملی، انتشارات دفتر تبلیغات، چاپ اول، ۱۳۷۱ ش.
۷۷. دسیسه آیات شیطانی، ستاد منطقه ۲ سازمان تبلیغات اسلامی، واحد مطالعات و تحقیقات
۷۸. دلایل صدق، محمدحسن مظفر، ترجمه‌ی محمد سپهری، انتشارات امیرکبیر، چ ۱، ۱۳۷۴ ش.
۷۹. راز آسمانها وزمین، ثریا شاه ویسی، ناشر مولف، چاپ اول، ۷۸
۸۰. راه خداشناسی و شناخت صفات او، جعفر سبحانی، چ اول، زمستان ۷۵.
۸۱. راه روشن، فیض کاشانی، مشهد، آستان قدس رضوی
۸۲. راهنما، اکبر هاشمی رفسنجانی و جمعی از محققان مرکز فرهنگ و معارف قرآن، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چاپ سوم، ۱۳۷۹ ش.
۸۳. روح المعانی، فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، ابوالفضل شهاب‌الدین محمود الالوسی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۵ ق.
۸۴. روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ابوالفتوح رازی، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۴ ش.
- ۸۵.
- پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۲۵۸
۸۶. زاد المسیر فی علم التفسیر، ابوالفرج جمال‌الدین عبدالرحمن الجوزی القرشی، تحقیق: محمد بن عبدالرحمن، دارالفکر، بیروت، الاولی، ۱۴۰۷ ق.
۸۷. زمین و آسمان در قرآن، سید علی اشرف حسنی، انتشارات امیری، چاپ اول، ۸۰
۸۸. زندگانی محمد (ص)، بولن ویلی یه،
۸۹. زوائد ابی ماجه علی الکتب الخمسه، احمد کتانی،
۹۰. سبل الهدی و الرشاد فی سیره خیر العباد، محمد بن یوسف الصالحی الشامی، التحقيق: عادل احمد عبدالموجود، دارالکتب العلمیه، بیروت، الاولی، ۱۴۱۴ ق.
۹۱. ستاره شناسی زمانهای اسلامی، تقی عدالتی، انتشارات آستان قدس، چاپ اول، ۷۷
۹۲. سفینه البحار، شیخ عباس قمی، دارالاسوه للطباعه و النشر، طهران، ۱۴۱۶ ق.
۹۳. سنن الدار قطنی، علی بن عمر الدار القطنی، التحقيق: مجدی بن منصور بن سید الشوری، دارالکتب العلمیه، بیروت، الاولی،

۱۴۰۷ ق.

۹۴. السنن الكبرى، احمد بن الحسن البيهقي، دارالفكر، بيروت، بی تا.

۹۵.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۲۵۹

۹۶. سيره ابن هشام (السيره النبويه)، محمد بن اسحاق بن سار المطبلي، مكتبه محمدعلي صبيح و اولاده، التحقيق: محمد محي الدين عبدالمجيد، بی جا، ۱۳۸۳ ق.

۹۷. سيره پيشوايان، مهدي پيشوايي، انتشارات توحيد، قم، چ ۱۳، ۱۳۸۱ ش.

۹۸. سيره رسول خدا (ص)، رسول جعفريان، انتشارات دليل، قم، چ ۱، بی تا.

۹۹. شرح نهج البلاغه، عبدالحميد بن هبه الله، ابن ابی الحديده، مكتبه آيه الله المرعشي، قم، ۱۴۰۴ ق.

۱۰۰. الشفاء، ابن سينا، مرعشي نجفی، قم، ۱۴۰۴.

۱۰۱. شواهد التنزيل، الحاكم الحسكاني، موسسه الطبع و النشر، بی جا، ۱۴۱۱ ق.

۱۰۲. الصافي في تفسير القرآن، فيض كاشاني، بيروت، موسسه الاعلمي للمطبوعات، چاپ دوم، ۱۴۰۲ ق.

۱۰۳. الصحاح تاج اللغة و صحاح العربية، اسماعيل جوهری، دارالعلم للملایین، بيروت، چ ۳، ۱۴۰۴ ق.

۱۰۴. صحيح بخاری، ابو عبدالله محمد بن اسماعيل البخاری، بيروت، داراحياء التراث العربي، ۱۴۰۰ ق.

۱۰۵.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۲۶۰

۱۰۶. صحيح شرح العقيدة الطحاوية، حسن سقاف، دارالامام النووي، اردن، ۱۴۱۶ ق.

۱۰۷. صحيح مسلم، مسلم بن الحجاج النيسابوري، دارالفكر، بيروت، بی تا.

۱۰۸. صحيفه نور، امام خميني (ره)، وزارت ارشاد اسلامي، تهران.

۱۰۹. صواعق المحرقة، ابن شبر هيثمي، فصل ۳، باب ۹، مكتبه القاهرة، مصر، ۱۳۱۲ ق.

۱۱۰. طبقات الكبرى، ابن سعد، دارصادر، بيروت، بی تا.

۱۱۱. عبدالحسين الاميني في الكتاب والسنة و الارب، دارالكتاب العربي، بيروت، ۱۳۷۹ ق.

۱۱۲. عذر تقصير به پيشگاه محمد (ص) و قرآن، جان ديون پورت، ترجمه سيد غلامرضا سعیدی، انتشارات تهران، ۱۳۳۸ ش.

۱۱۳. علوم قرآنی، محمد هادی معرفت، مؤسسه فرهنگي انتشاراتي التمهيد، چاپ اول، بهار ۷۸.

۱۱۴. العمده، ابن البطريق الاسدي الحلبي، تحقيق جامعه المدرسين قم، موسسه النشر الاسلامي التابعه لجماعه المدرسين، قم، الاولى،

۱۴۰۷ ق.

۱۱۵. العين، الخليل بن احمد الفراهيدي، تحقيق: مهدي المخزومي، ابراهيم السامرائي، الطبعة الثانية، ۱۴۰۹ ق.

۱۱۶.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۲۶۱

۱۱۷. عيون الاثر، ابن سيد الناس، موسسه عزالدين، بی جا، ۱۴۰۶ ق.

۱۱۸. الغيبة، محمد بن ابراهيم النعماني، تحقيق: علي اكبر غفاري، مكتبه الصدوق، تهران، بی تا.

۱۱۹. الفارابي مقاله في معنى العقل، مجموعه رساله فارابي، مطبعة السعادة، مصر، ۱۳۲۷.

۱۲۰. فتوح البلدان، احمد بن يحيى بن جابر المعروف بالبلاذري، مكتبه النهضة المصريه، القاهرة، ۱۳۷۹ ق.

۱۲۱. فرج المهموم فی تاریخ علماء النجوم، علی بن موسی بن طاووس الحلّی الحسینی، دارالذخائر للمطبوعات، بی‌جا، الاولی، بی‌تا.
۱۲۲. فرهنگ الفبایی مهدویت، موعودنامه، مجتبی تونه‌ای، انتشارات مشهور، چ اول، ۱۳۸۴.
۱۲۳. فروغ ابدیت، جعفر سبحانی، انتشارات امام صادق، چاپ سوم، ۶۸
۱۲۴. فصلنامه مصباح، ش ۲۰، ص ۱۶۹
۱۲۵. فقه السنه، سید سابق، دارالکتب العربی، بیروت، بی‌تا.
۱۲۶. فلسفه و کلام اسلامی، محمدرضا مظفر، ترجمه‌ی محمد محمدرضایی، ابوالفضل محمودی، چ اول.
۱۲۷. فی ظلال القرآن، سید قطب، بیروت، داراحیاء التراث العربی، الطبعة الخامسة.
- ۱۲۸.
- پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۲۶۲
۱۲۹. قاموس قرآن، سید علی اکبر قرسی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ سوم، ۱۳۶۱ ش.
۱۳۰. قرآن در قرآن (تفسیر موضوعی)، عبدالله جوادی آملی، قم، اسراء، چ ۱، ۱۳۷۸.
۱۳۱. قرآن‌شناسی، محمدتقی مصباح یزدی، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چ ۱، ۱۳۷۶.
۱۳۲. کافی، محمد بن یعقوب کلینی، التحقیق: علی اکبر غفاری، دارالکتب الاسلامیه آخوندی، الثالثه، ۱۳۸۸ ق.
۱۳۳. الکامل فی التاریخ، ابن اثیر
۱۳۴. کتاب الولایه، ابوالعباس ابن عقده
۱۳۵. کشف الخفاء و نزیل الالباس، اسماعیل عجلوئی الجراحی، دارالکتب العلمیه، بی‌جا، الطبعة الثانیه، ۱۴۰۸ ق.
۱۳۶. کمال الدین و تمام النعمه، الشیخ الصدوق، صحنه و علق علیه علی اکبر غفاری، موسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین قم، ۱۴۰۵ ق.
۱۳۷. کنز الدقائق و بحر الغرائب، محمد بن محمدرضا القمی المشهدی، (قرن ۱۲ هجری) تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۶ ش، ۱۴ جلدی.
- ۱۳۸.
- پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۲۶۳
۱۳۹. کنز العمال، المتقی هندی، التحقیق: الشیخ بکری حیانی، الشیخ الصفو السقا، موسسه الرساله، بیروت، بی‌تا.
۱۴۰. کیمیای سبز، احمدی، انتشارات نبوغ، قم، چاپ پنجم، ۱۳۸۲ ش.
۱۴۱. الگوهای رفتاری حضرت فاطمه زهرا (س)، ح صفری، قم، موسسه انتشارات مشهور، ۱۳۸۲.
۱۴۲. الگوهای رفتاری حضرت زهرا (س)، خ صفری، موسسه انتشاراتی مشهور، ۱۳۸۲ ش.
۱۴۳. لسان العرب، ابن منظور، نشر ادب الحوزه، قم، الطبعة الاولی، ۱۴۰۵ ق.
۱۴۴. مبانی و اصول مدیریت اسلامی، حسین و علیرضا علی احمدی، تولید دانش، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۳.
۱۴۵. مجله العرفان
۱۴۶. مجله معرفت، ش ۶۰.
۱۴۷. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ابوعلی الفضل بن الحسن الطبرسی (امین الاسلام)، دارالمعرفه، بیروت، ۱۴۰۶ ق.
۱۴۸. مجمع الزوائد و منبع الفوائد، نورالدین الهیثمی، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۰۸ ق.
- ۱۴۹.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۲۶۴

۱۵۰. المجموع فی شرح المهدب، محی الدین بن النووی، دارالفکر، بی‌جا، بی‌تا.

۱۵۱. مجموعه مباحثی از مدیریت در اسلام، ولی الله نقی پورفر، مرکز مطالعات و تحقیقات مدیریت اسلامی تهران، چاپ اول، سال ۱۳۸۲.

۱۵۲. محمد (ص) عند علماء الغرب،

۱۵۳. مختصر تاریخ عرب، سید امیرعلی هندی

۱۵۴. مدیریت از منظر کتاب و سنت، سید صمصام الدین قوامی، دبیرخانه مجلس خبرگان قم، چاپ اول، سال ۸۳.

۱۵۵. المراجعات، سید عبدالحسین شرف الدین، التحقيق: حسین الراضی، جمیعہ الاسلامیہ، بی‌جا، الطبعة الثانية، ۱۴۰۲ ق.

۱۵۶. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، المحدث النوری الطبرسی، التحقيق والنشر موسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث، قم، الاولی، ۱۴۰۸ ق.

۱۵۷. مستدرک سفینه البحار، الشیخ علی النمازی الشاهرودی، تحقیق: حسن بن علی النمازی، موسسه النشر الاسلامی لجماعه المدرسین، قم، ۱۴۰۹ ق.

۱۵۸. مصباح المنیر، فیومی، دارالهجره قم، ۱۴۰۵ ق.

۱۵۹.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۲۶۵

۱۶۰. المصنف، ابن ابی شیبہ الکوفی، التحقيق: سعید محمد اللحام، دارالفکر، بی‌جا، الاولی، ۱۴۰۹ ق.

۱۶۱. معارف قرآن در المیزان، ج ۳، سید مهدی امین، ج ۱.

۱۶۲. المعبر فی شرح المختصر المنافع، المحقق الحلّی، التحقيق، لجنه التحقيق باشراف ناصر مکارم شیرازی، موسسه سید الشهداء، بی‌جا، ۱۳۶۴ ش.

۱۶۳. معترك اقران فی اعجاز القرآن، جلال الدین سیوطی، بیروت، دارالکتب المکتبیه،

۱۶۴. المعجم الاوسط، سلیمان بن احمد بن ایوب اللخمی الطبرانی، التحقيق: ابراهیم الحسینی، دارالحرمین، بی‌جا، بی‌تا.

۱۶۵. معجم مقایس اللغه

۱۶۶. معرفت و حیانی، حبیب الله یمان، نشریه آفتاب، شماره ۲۰.

۱۶۷. المغازی،

۱۶۸. المغنی، عبدالله بن قدامه، التحقيق: جماعه من العلماء، دارالکتب العربی، بیروت، بی‌تا.

۱۶۹. مفاتیح الجنان، محدث قمی (شیخ عباس قمی)، مصحح، حسین استاد ولی، مترجم: موسوی دامغانی، انتشارات قربانی، تهران، اول، ۱۳۷۷ ش.

۱۷۰.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۲۶۶

۱۷۱. مفردات الفاظ القرآن، راغب اصفهانی، دارالقلم دمشق و دارالثامیه بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۶ هـ- ق.

۱۷۲. المقنعه، شیخ المفید، التحقيق: جامعه المدرسین، قم، ۱۴۱۰ ق.

۱۷۳. مکارم الاخلاق، الطبرسی، منشورات الشریف الرضی، بی‌جا، الطبعة السادسة، ۱۳۹۲ ق.

۱۷۴. ملاحم الملاحم والفتن، سید بن طاووس

۱۷۵. من هدی الحدیث النبوی نظم المتناثر من الحدیث المتواتر، محمد بن جعفر الکتانی، تحقیق: شرف حجازی، دارالکتب السلفیه، مصر، الثانیه، بی تا.
۱۷۶. المناقب، آل ابی طالب (ع)، محمد بن شهر آشوب المازندرانی، موسسه علامه للنشر، قم، ۱۳۷۹ ق.
۱۷۷. منتخب الاثر، لطف الله صافی گلپایگانی، موسسه سیده المعصومه، چاپ دوم، ۱۴۲۱.
۱۷۸. منشور جاوید، جعفر سبحانی، موسسه امام صادق، قم، چاپ اول، بی تا.
۱۷۹. المهذب البارع، ابن فهد الحلی، التحقيق: الشيخ مجتبی العراقی، جامعه المدرسین، قم، ۱۴۰۷ ق.
- ۱۸۰.
- پرسش و پاسخ های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۲۶۷
۱۸۱. موعودشناسی و پاسخ به شبهات، علی اصغر رضوانی، مسجد مقدس جمکران، چ اول، ۱۳۸۴.
۱۸۲. میراث اسلام، پرفسور دیوید دوسانتیلا، ترجمه مصطفی علم تحت عنوان «قانون و اجتماع».
۱۸۳. المیزان فی تفسیر القرآن، محمدحسین طباطبائی، موسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۱۷ ق.
۱۸۴. المكاسب، شیخ اعظم انصاری، انتشارات دار الحکمه، چاپ اول، ۱۴۱۶ هـ - ق
۱۸۵. نقد و نظر، ش ۲۲-۲۴، انتشارات دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم.
۱۸۶. النکت و العیون، علی ماوردی
۱۸۷. نهایه الاحکام النهایه فی المجرّد الفقه و الفتاوی، الشیخ الطوسی، دارالاندلس بیروت، افست منشورات قدس قم، بی تا.
۱۸۸. نهج البلاغه (سخنان امام علی (ع)، سید رضی، ترجمه ناصر مکار شیرازی و همکاران، قم، انتشارات هدف، بی تا، سه جلدی.
۱۸۹. نهج الفصاحه، مترجم و گردآورنده، ابوالقاسم پاینده، سازمان انتشارات جاویدان، چاپ ۱۷،
۱۹۰. نواب الدهور فی علائم الظهور، میرجهانی، کتابخانه صدر، چاپ دوم، ۱۳۶۹.
- ۱۹۱.
- پرسش و پاسخ های قرآنی ویژه جوانان، ج ۹، ص: ۲۶۸
۱۹۲. الهدایه، للشیخ الصدوق، تحقیق والنشر: موسسه الامام الهادی (ع)، قم، الاولى، ۱۴۱۸ ق.
۱۹۳. هیئت و نجوم اسلامی، علی زمانی قمشه ای، انتشارات مؤسسه ی امام صادق (ع) چاپ اول، ۸۴
۱۹۴. الوحی المحمدی، سید رشید رضا، چاپ سوم
۱۹۵. وحی و افعال گفتاری، علیرضا قائمی نیا، انجمن معارف اسلامی، قم، چ ۱، ۱۳۸۱، ص ۴۹-۴۷.
۱۹۶. وسایل الشیعہ الی تحصیل مسائل الشریعہ، الحر عاملی، محمد بن الحسن، التحقيق والنشر: موسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث، قم، الثانیه، ۱۴۱۴ ق.
۱۹۷. ویژگی های مدیریت اسلامی، ب حسینی بوشهری، انتشارات انصاریان، قم، چاپ اول- ۱۳۷۹.
۱۹۸. ینابیع الموده لذوی القربی، سلیمان بن ابراهیم القندوزی الحنفی، التحقيق: سید علی جمال اشرف الحسینی، دارالاسوه، بی جا، الاولى، ۱۴۱۶ ق.
۱۹۹. الکشاف عن حقایق التنزیل، محمود بن عمر زمخشری، دار الکتب العربی، بیروت، ۱۴۰۷ ق.

جاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتبع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتبع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-(۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

